

انقلاب ۵۷ و زمزمه های پایان دوره انقلاب

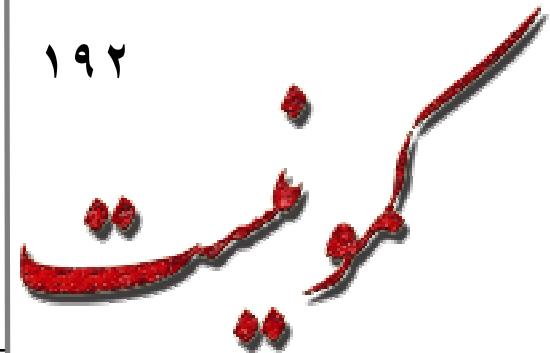
صفحه ۴ خالد حاج محمدی



سی و شش سال از انقلاب ۵۷ گذشت!

صفحه ۲ فواد عبدالله

۱۹۲

www.hekmatist.comماهانه منتشر میشود
۱۳۹۳ - ۲۰ بهمن

معلمان، باز هم انتظار!

مظفر محمدی

اوایل دهه ۵۰ شمسی معلمان به مدت ۳ سال مبارزات مستمر و مکرری را سازمان دادند. از آن تاریخ تا کنون یک دهه است که اعتراض و مبارزه پراکنده و مقطعی و بعضی انتظار معلمان برای افزایش حقوق و نجات زنگی خود و خانواده هایشان از فقر و فلاکتی که به آنها تحمیل شده و برای تغییر محیط خلقان آور مدارس و خانمه دادن به دخالت‌های مذهبی و پلیسی و عدم آزادی بیان و تجمع و تشکل...، ادامه داشته است در وزارت آموزش و پرورش حدود یک میلیون معلم زیر خط فقر مطلق و گرسنگی محض زنگی می‌کنند. در چند سال اخیر معلمان و فرهنگیان پارها در قطبناهه ها و بیانیه های تجمعات خود خواسته ایشان را مطرح کرده اند. افزایش حقوق، اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری و نظام امنیت شغلی، رفع تعییض کامل در آموزش و پرورش، آزادی بیان و عقلانیت در آموزش و پرورش.. از خواسته ای است که سالها است موضوع مبارزه فرهنگیان و جدال بین آنها و دولت است.

آیا دور جدید مبارزات معلمان که از ۳۰ دیماه اول بهمن شروع شده است، انتظار در دنگ و فرق طاقت فرسایش را خاتمه خواهد داد؟ برای جواب به این سوال بار دیگر لازم است که تجارب تا کنون را یاد آوری و راهکارهای آینده را بررسی کنیم.

۱- تجارب تاکنونی و محدودیتهای آن

مبارزات معلمان در چند سال اخیر به صورت مقطعی و پراکنده تا کنون ادامه داشته است. معلمان و کانونهای صنفی شان برای هر گونه پیشوفت در فعالیت و مبارزه دور جدید، نیازمند بررسی تجارب مثبت و منفی مبارزه شان در چند سال گذشته اند. این تجارب جلو چشمان ماست و سوالات متعددی که جواب میخواهند: دلیل ناکارامدی مبارزات تاکنونی معلمان چیست؟ ای معلمان و بخصوص تشکلهای صنفی شان به موقعیت اجتماعی و ظرفیت مبارزات ایشان آگاهند؟ موثرترین روشها و تاکتیکهای مبارزاتی کدامند؟ ...

۱- ناکارآمدی تشكیل سراسری و صنفی معلمان در سازماندهی و هدایت مبارزه ناکارآمدی، عدم تمرکز و هماهنگی تشکلهای صنفی و سراسری یکی از موانعی است که مبارزات معلمان با آن رو برو است. مدت طولانی است که تشکلهای صنفی در هر شهر به ابتکار خود و در حد ظرفیت و آمادگی اعضا یا معلمان و فرهنگیان آن شهر و اکنون دیده اند. بعضی صفحه ۵

در دوسوی جدال بر سر امنیت!

حقایق ترور پاریس

ثريا شهابی

مقدمه: متنی که میخوانید متن پیاده شده و تدقیق شده، مصاحبه رادیو نینا با ثريا شهابی است که در تاریخ ۱۵ زانویه ۲۰۱۵ پخش شد.

مزده اورنگ: شنوندگان عزیز رادیو نینا درود بر شما، مزده اورنگ هستم در این برنامه همراه با ثريا شهابی به اتفاقات اخیر پاریس می پردازم. ثريا شهابی عزیز با سلام و خوش آمدگویی به شما. روز چهارشنبه هفتم زانویه ۱۵ شاهد حمله ای تروریست های اسلامی به دفتر مجله ای شارلی ابدو بودیم، می شود در مورد این جایت دهشتگان برای شنوندگان توضیح بیشتری بدید.

ثريا شهابی: همانطور که اشاره کردید در این روز تعدادی از تروریستهای اسلامی به مجله ای شارلی ابدو حمله کردند به بهانه ای انتشار کاریکاتورهای علیه اسلام و مسخره کردن محمد، تعداد دوازده نفر را حداقد کشند و تعداد بیشتری را زخمی کردند. آن اوایل صحبت بودکه داعش این کار را کرده است اما اخیراً القاعده مسئولیت این ترور را بر عهده گرفته است و متعاقب آن دو عملیات دیگر هم در فرانسه بود و همانطور که همه اخبار را شنیده اند، تظاهرات خیلی وسیعی در محکومیت عملیات تروریستی صورت گرفته. به هر حال این یکی از آن نوع عملیات هایی است که سنتا جریانات اسلامی در غرب انجام می دهند و یادآور کار مشابهی است که جمهوری اسلامی در رستوران میکونوس با رهبری حزب دمکرات کرد و تعداد زیادی را به رگبار بست و به اصطلاح به بهانه ای مذاکره جمعشان کرده بود و به دام انداخت و ترور کرد. به حال، این ترور توسط القاعده صورت گرفته باشد یا داعش یا یکی دیگر از هم خانواده های ارتجاج اسلامی، موج وسیعی از خشم و نفرت را نسبت به این عملیات تروریستی و در حمایت از قربانیان آن، که کارکنان مجله ای محبوبی هم بوده، براه انداخته است. قربانی شدن کسانی که بامجله کار می کردند و بعلاوه زورنالیست هایی بودند که خیلی از آنها گرایشات چپ و رادیکال داشتند، قربانی شدن کسانی که مخالف علیل صفحه ۶

در این شماره میخوانید:

- طبقه کارگر و بیراهه "واردادت بی رویه" و "حمایت از صنایع داخلی" (کورش مدرسی) صفحه ۱۵
- از کجا باید شروع کرد (خالد حاج محمدی) صفحه ۷
- کمونیسم حکمت و مسئله زن (ثريا شهابی) صفحه ۱۰
- جنگ تروریستها (مظفر محمدی) صفحه ۱۳
- اسلام و اسلام زدایی (نصر حکمت) صفحه ۲۳
- ایتالیا ۱۹۲۰ (تم و تسل) صفحه ۱۹

مقاومت مردم کوبانی در مدت بیش از ۴ ماه، پوزه‌ی داعش و حامیانش را بخاک مالید. شکست داعش بدست مبارزان کوبانی در همان حال شکست تلاشهای دولت اردوغان در ترکیه و دیگر حامیان داعش در میان دولتها عربی خاورمیانه است.

این تجربه بار دیگر به جهانیان از دوست و دشمن آموخت که ستمگران و زورگویان و جنایتکاران رنگارنگ بورژوایی و قومی و مذهبی در مقابل مقاومت توده ای و تصمیم و راده متداده زنان و مردان کارگر و زحمتکش تاب مقاومت ندارد. بدین لحظه کوبانی سبل و الگوی مبارزات آزادیخواهانه ای این دوره است. این دستاوردی است که کل بشریت آزادیخواه و بخصوص کارگران و زحمتکشان از قلب اروپای متحد تا اقصی نقاط جهان در آن سویم خواهد بود.

همچنین مبارزه جانانه ۱۳۴ شبانه روز مردم کوبانی هراسی را در دل دولتها ارتجاعی بورژوایی، فوئی و مذهبی از جمله دولت ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، دولت افليم کردستان و دول داعشی شیوخ خاور میانه ایجاد کرده است.

انتفاض ارتجاعی ناتو بر هبری امریکا و شراکت ریاکارانه ای شیخ های عربستان و قطر که خود سازمانده جریان فوق ارتجاعی داعش اند، در آغاز تمایلی به حمایت از مقاومت کوبانی نداشت. امریکا و ناتو در آغاز اعتراف کردد که با احتیاط به مساله می نگرند لما نهایتاً بر اثر مقاومت و دورنمای پیروزیش، مجبور به انجام مانورهای هوایی شدند.

بازتاب این پیروزی و هراس بورژوازی منطقه را در عکس العمل اردوغان که "چرا برای کوبانی جشن می گیرید" و در تلاشهای جمهوری اسلامی با کشاندن نیروهای نظامی و پلیسی اش به شهر سنندج و مریوان برای مانع از مراسم ها و جشن مردم و بالاخره در بورس نیروهای بارزانی به کمپ سمل که تصمیم به برگزاری جشن پیروزی کوبانی را داشتند...، خود را نشان داد.

کوبانی آزاد شد. بدون شک تا آزادی کامل منطقه از داعش و دیگر ارتجاعیون چون النصره و غیره، فاصله داریم. اما با افسار زدن به بورس داعش که با همباری ارتش ترکیه کوبانی را کاملاً در محاصره قرار دادند، مبارزه برای پاک کردن منطقه از وجود این جنایتکاران آسان نر شده است. از طرف دیگر پیروزی مبارزان زن

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سی و شش سال از انقلاب ۵۷ گذشت!

فواز عبد الله



عمومی اعتراض خرده بورژوازی و بویژه خورد نمی کردند؛ در حالیکه رهبران جنبش روشنفکران ناراضی ضد امپریالیست ایران شد. کارگری و جنبش برابری طلبی زنان که در راس چپی که نهایت پیروزی اش چیزی نبود جز سازماندهندگان اعتضابات و تظاهرات های سرنگونی حکومت مستبد و واپسی به امپریالیسم شاه، آغشته بودن این چیز به بولیسیسم، ناسیونالیسم سازمان های رادیکال سیاسی علنا و به اعتنی آنچه تا آن زمان گفته بودند، در تمایز با چنین نحله و شرق زنگی، پریج و مطالبه اجتماعی متفاوت و متناقضی از بستر اصلی جریان بورژوا ارتقای اسلامی بودند؛ با تمام این واقعیات اما امپریالیستی اسلام سیاسی در خود نداشت. کار به چند عامل اساسی در استیلای قدرت جریان ملی -

جایی رسیده بود که در دهنه‌ی این چپ، در تعریف اسلامی در انقلاب ۵۷ نقش داشتند: نیروهای انقلاب بر محوریت مبارزه ضد الف- شکست انقلاب به مفهوم شکست مطالبات آن امپریالیستی و نه تقابل با مناسبات سرمایه داری، و مهیا کردن شرایط مناسب برای قدرتگیری این بسیاری از سران و چهره های حکومت اسلامی که جریان ارتقای اسلامی، به سال های قبل از متعلق به طبقه متوسط و خرد بورژوازی سنتی و قوع قیام ۵۷ که زمینه فکری و ذهنی انقلاب و بودند، نیز جزو کمپ انقلاب و نیروهای "متفرقی" "جب" از آن مایه می گرفت، بر می گردد. در سال محسوب می شدند. به موازات این مختصات چپ، های پس از کودتای مرداد ۱۳۲۲، که به سرنگونی اما جمهوری اسلامی از همان ماه های اولیه بعد از حکومت مصدق و تحکیم دوباره رژیم پهلوی منجر سرنگونی شاه، ظرفیت سرکوب گرانه خود را شد، تحولات سیاسی مهمی در کل جهان آن دوره نشان داد. سرکوب مبارزات کارگران اندیشه‌ک و در جریان بود. شاه با یک انقلاب ناتمام مشروطه و بندر ازلي و اصفهان، حمله به تظاهرات زنان در طبقه کارگری رو به گسترش، و جامعه ای نیازمند مخالفت با حجاب اجباری، نوروز خونین سندنج تحولات اقتصادی و اجتماعی، راه استقرار و در بهار ۵۸، سرکوب شوراهای ترکمن صحراء، تحکیم پایه های حاکمیت خود را جستجو می کرد. لشکرکشی به کردستان و بسیاری موارد دیگر که تمامان نشانگر موضع حکومت و عمال مطی آن در سرمایه داری بدون پشتیبانی قدرت های امپریالیستی امکان بذیر نبود. شاه در ادامه این مورد ضبط و ربط و شکل نظام جامعه در دوره امپریالیستی ایران در تاریخ ایران بود. تمام این اقدامات و موارد که مرتب از حیاتی بود. تمام این منتشر می شد، نشان داده بود از جنگ دوم جهانی را بر متن یک آرایش جدید روزنامه های وقت منتشر می شد، نشان داده بود از جنگ دوم جهانی را بر متن یک آرایش جدید که "ضد امپریالیست" بودن جمهوری اسلامی، بین المللی خاتمه دهد و بنیادهای یک حکومت با تقاضی با قرار گرفتن اش در مقابل مبارزات ثبات را پی ریزی کند. این امر تنها با سرکوب و مقدم و کارگران ندارد. به این ترتیب، درک کشتار و زندان ممکن نمیشد؛ جامعه نیازمند تحول نادرست چپ از مناسبات طبقاتی و نیروهای اساسی بود؛ ایران در تقسیم کار جهانی در حوزه انقلاب در ایران، و غلبه مفاهیم و تعابیر سنت تولید فوق سود امپریالیستی قرار می گرفت، و این جبهه ملی بر گفتمان های رایج چپ در تحلیل امر مستلزم رشد مناسبات سرمایه داری در ایران کنکرت از یک وضعیت خطیر - یعنی تعیین بود. ته این پرسوه به اصلاحات ارضی شاه یا

تکلیف با جریان و دولت اسلامی که بنام انقلاب می خواست حکومت کند – توان عدم انسجام سیاسی اش در مقابل با حکومت اسلامی را پرداخت. نقطه باخت این چپ در مقابل ارتاج اسلامی در ایران، شده از دهقانان فقیری که راهی شهرها می شدند، ایجاد کند و شتاب دهد. طبقه کارگر از لحاظ کمی "ایران آباد و آزاد و مستقل" می جست. حضور طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ به طور قطع نقطه پایانی گذاشت بر تغیر خلق گرایانه و پوپولیستی جدیدی بعد از جنگ دوم جهانی، مهر خود را بر رایج در چپ، که در برخورد به جامعه عموماً نه مناسبات سیاسی جهان زد؛ الگوی رشد سریع از مناسبات طبقاتی، که از مقابل خلق و ضد خلق صنعت در سوری و سرمایه داری دولتی آندوره حرکت می کرد. این حقیقت اگر نه تثبیت، بلکه آشکار شد که مبارزه سیاسی و اجتماعی در درون جامعه ایران بر محور تقابل کار و سرمایه می شود. تغییر مسیر انقلاب ۱۹۱۷ اکترین پس از جنگ دوم و کسالت سوسیالیسم از برجام اعتراض طبقه کارگر به برجام آرمان های استقلال و توسعه صنعتی در مقیاس جهانی، بستر مناسبی برای رشد نظریه و استنگی، راه رشد غیر سرمایه داری و سایر دینگاه های ناسیونال – رفرمیستی شد. در مقیاس جهانی بر متن این تحولات که به استقلال کشورهای قبلاً مستعمره و مخالف غرب انجمادیده ۳- در حالیکه انقلاب ۵۷، یک انقلاب تماماشهروی بود و بخش عده شرکت کنندگان در آن، نسل جوان تازه متجدد جامعه بودند که برای مذهب تره

←

سلسله متکی به ارتش و پلیس در جامعه ای
دستخوش نابرابری اقتصادی و فقر عظیم در جول
ژروت انبوه! این انقلاب اما بدون مبارزات و
اعتصابات وسیع کارگران ایران در شش ماه آخر
تحولاتی که به قیام بهمن ۵۷ منجر شد، به سر
نجام نمی‌رسید. هیچ درجه نارضایتی سایر اقلش
بیگر در آن جامعه نمیتوانست به تسویه حساب
بهایی با رژیم حاکمه بیانجامد. بدون حضور طبقه
کارگر، به طور قطع می‌شد سایر اعتراضات
بخش‌های نارضی جامعه را که در "جزیره ثبات"
ایران برای زمان کوتاهی "مزاحمت هایی" ایجاد
کنند، مهار و کنترل کرد. اما بدون اعتراضات
نهاده‌مانانه کارگران نفت و کارگران ده ها مراکز

بی شک تا امروز انقلاب بهمن ۱۳۵۷، عظیم ترین صنعتی مهم و کلیدی دیگر، بدون اعتراض و تعیین کننده ترین تحول در تاریخ معاصر ایران کارکنان خدمات عمومی و دولتی و مقاومت بوده است. برای نسلی که بعد این انقلاب چشم به حماسی آنها در مقابل تهدیدات حکومت، شاهرگ جهان گشوده و خاطره زنده ای از آن تحول ندارد، اقتصادی رژیم شاه قطع نمی شد. این رژیم سقوط بازبینی آن تاریخ کار دشواری است. می گوییم کرد چرا که تولید و توزیع ثروت و خدمات در دشوار، چرا که فربی به اتفاق منابع قانونی در سطح جامعه در ادامه اعتراضات کارگری به طور بازگویی آن انقلاب در واقع ضد تاریخ و ضد اساسی متوقف شد.

سالگشت انقلاب ۵۷، به زبان های مختلف چه در داخل و چه در خارج ایران منتشر می شوند، همه بر این نکته تاکید دارند که جمهوری اسلامی نتیجه غیر قابل اجتناب انقلاب بود؛ در حالیکه این رژیم حاصل شکست انقلاب بود. امروزه به انتکای رسانه های بورژوازی و بازار اشیاع شده از تحلیل های رایج لیبرالی است که "انقلاب" علی العموم را نکوهش می کنند. حقیقت اینست که بازگویی تاریخ در انصار هیچ سنت سیاسی ای در جامعه نیست. در برایر صف جبونانه بورژوازی، در مقابل تاریخ نگاری پوچ و قانونی موجود از انقلاب ۵۷، کمونیست های طبقه کارگر و جبهه زنگی شخصی و اجتماعی مردم، اعتراضات و آزادیخواهی در جامعه ایران نیز نیازمند نگاه مبارزات نیز فزونی گرفت و به گونه ای همگانی ابڑکنی و علمی به این قیام از درون آنند. برای تر و مداوم تر در آمد. نسیم انقلاب وزیدن گرفت و سازماندهی یک انقلاب پیروزمند باید مانع تکرار شکست شد؛ لذا بدون پرداختن به نقاط قدرت و نقاط ضعف انقلاب ۵۷، پیروزی قطعی بر بختک جمهوری اسلامی و برنگی مزدی محال است. در اینجا مجال بررسی همه جانبی این انقلاب نیست. مراکز حساس دولتی و ارتشی در تهران و لذا تنها و به طور مختصر به مختصات عمومی و شرایط تاریخی که به انقلاب منجر شد، بسنده می کنم و در ادامه به سرکوب خونین انقلاب و یازده صبح به محاصره نیروهای مسلح مردم قرار چگونگی استقرار جمهوری اسلامی هم اشاراتی داشت، تا ساعت دو بعد از ظهر به طور کامل در اختیار آنان قرار میگیرد. و از این لحظه، فقط این فریاد است که به گوش می رسد: "توجه بفرمایید،

زنده باد مقاومت ...

زنده باد مقاومت ... حرمت انسان و در مقابل سرکوبگران و دشمنان تشکیل یک حکومت غیرقومی، غیرمذهبی و دستان قدرتمند زنان و مردان مسلح و مبارز سوسياليسٰتی پیوند داد. در غیاب این پیشروی، کوبانی را می فشاریم و پیروزی شان را می مردم، شود.

و مرد در کوبانی توازن قوای بین مردم و حاکمان و غاصبان نان سفره مردم بخصوص در منطقه را پیروزی مقاومت کوبانی مدبون ایستادگی یکپارچه ارتجاج منطقه و ناسیونالیسم عقیمانده‌ی مذهبی و تغییر می‌دهد. قومی مورد تعرض دائم قرار گرفته و یا باز پس دفتر کردستان حزب حکمتیست. خط رسمی از این بعد متن انتظار داشت که مقاومت انقلاب و همیستگی و جهادنامه، بین الملل دیدنگان گفته شود.

کوبانی، الگوی مبارزه توده های کارگر و کارگران و زحمتکشان است. پیروزی مقاومت و رزمتکش در مقابل هر متجاوزی به جان و مال و عقب نشینی دشمن را باید با پیشوای های بعضی در این بیان می کنند که محاومت اخلاقی و سبستی و حسنهای بین انسانی ترمیم حریف سود.

از هاری نخست وزیر پهلوی را فوج کرد، بر عرصه که ارجاع اسلامی توانست به سرعت کنترل آنرا انداخت و رژیم پهلوی را فوج کرد، بر عرصه که ارجاع اسلامی توانست به خمینی ختم شد، تحصیلکرده در پاریس و نهایتاً به خمینی ختم شد، با آمیزش اسلام و مکاتب فلسفی غربی، اسلام را به یک هویت مقبول ضد غربی و ناسیونالیستی بود، الگوی اقتصادی و غیر وایسته تحت یک حکومت سیاسی مقتدر و قدرتمند، چشم اندازی بود دسترسی عظیم سازمانی و رسانه ای و تبلیغاتی را که توسط آن تحول اساسی جامعه ایران زیر ببرق بورژوازی و امیرپالیسم برای ارجاع اسلام تامین کرد. به یمن جن و ستروني ماهوي و استيصال بخشی از بورژوازی که در قدرت سیاسی و اقتصادی رژیم شاه نهضتی نداشت نیز کم کم شکل اقتصادی رژیم شاه نهضتی نداشت نیز کم کم شکل در پرتو ابهامات جی و تعليقات جنبشی آن به خود جربیان ملی - اسلامی، اسلام سیاسی به قدرت عمومی جامعه تبدیل کرد.

فائقه در فضای سیاسی ایران تبدیل شد. مماشات بر مبنای این نگرش، رژیم شاه "سگ زنجیری امپرپالیسم" قلمداد می شد که میباشد با فهر کنار منصر به فرد - با مذهب و تکریم آن تحت می رفت و جای آن را یک حکومت ملی و مستقل، عنوان تحکیم صفت مبارزه علیه شاه و امیرپالیسم آمریکا کاملاً مرسوم بود. اسلام با آزادی، عدل، مبارزه با فقر، طرفداری از "مستضعفان" و غیره مشترک تمام جربیات مخالف شاه، از رادیکال های سیاسی دهه ۴۰ و ۵۰ مانند جریک های فلی را پیش از مذهب که قبلاً در بستر عمومی اعتراض خلق و سازمان مجاهدین خلق تا بازماندگان سیلی دهه ۲۰ شمسی مانند حزب توده و جناح های جي ضد سلطنتی، یک جربیان حاشیه ای بود به یک جبهه ملی و جربیات مذهبی همچون فدبیان اسلام و حاجتیه، بود. بستری که الگوی اقتصادی و سیاسی خود را در هله ای از شعارهای عموم معرفی کند. از کفرانس گولدوی توسط سران خلقی و ناروشن پیجیده بود. بر اساس این مبانی کشورهای غربی و مأموریت زنزال هویز در فکری و ذهنی گنج، جایی برای حقوق فردی و قانون کردن ارتش به وفاداری از خمینی که تصمیم شهروندی نبود؛ معلوم نبود حقوق کارگر برای گرفته بودند در مقابل قدرت گیری "چپ"، این تشکل و تحزب و اعتضاب چه می شود، میزان نحله ناسیونال - مذهبی را در بوق و کرنا کند تا آزادی بیان چه خواهد بود، بر سر مطالبات برلوبی شخصیت تراشی بی بی سی و رسانه های غربی طبلانه زنان چه می آمد، تولید و توزیع ثروت بر از رهبران مذهبی آن دوره، از اعلام وفاداری جامعه چگونه صورت می گردد، و نهایتاً جگونه بخش بزرگی از ایزوپیسون ملی و سنتی آن موقع میتوان با چنین ذهنیتی جواب روشن به این - یعنی جهه ملی و حزب توده - و بدنبال آن سوالات و نوع حکومت آنی را با ساقط کردن تشکل نیروی رسمي و غير رسمي انتظامی مانند چمقداران و چاقوکشان منحوسی که عامل سرکوب رژیم شاه داد؟! فعالیت سیاسی چیز نبود جز ضد امیرکابی گردی جربیکی آن سالها به ماه های اول انقلاب بودند گرفته تا کمیته ها و اضافه فضای فکری روشنگران آن دوره همچون دانگاه های انقلاب و موج اعدام ها و جلدیگری امثال آن احمد که آشته به گفتمان ضد غربی، خلخالی، از بستن روزنامه ها تا تار و مار کردن ناروشن و عموم خلقی بود که بایه های افق عمومی در این خیزش به قدرت جربیان ساخته بود.

در این خیزش به قدرت جربیان اسلامی نقش داشتند. جمهوری اسلامی حکومت و دولت انتلاقی که جهت مقابله با قدرتگیری و اعتماد بنفس طبقه "کمربند سیز" از امکان و فرصت قابل ملاحظه کارگر، انقلاب را سرکوب و سلاخی کرد. ای برای رشد و گسترش در کشورهای همسایه شوروی و در خاورمیانه برخوردار شده بودند. پ- فاصله بهمن ۵۷ تا خرداد ۶۰، یعنی دورانی مطابق این سناریو، کشورهای متعدد آمریکا که با عدم ثبتیت جمهوری اسلامی مشخص می میباشد با فراهم کردن امکان فعالیت برای شود، دوره تنش میان افق ها و یاسخ های متفاوت جریات اسلامی، نفوذ جربیات جی و ملکیست سنت های سیاسی مختلف در مقابل معضلات که از نقطه نظر دولت آمریکا همگی مدافعان عاجل جامعه ای است که با انقلاب نیازمند شوروی بودند، را مهار کرد و از هژمونی بازتعیف دوباره رابطه میان طبقات موجود و به ایدئولوژیک آنها در میان طبقه کارگر، نقطه تعادل رسیدن در پرتو این جالش هاست. روشگران و نسل جوان این کشورها جلوگیری عروج جربیان ارجاعی ملی - اسلامی و زد و کنند؛ بی خود نبود که آن سالها، هزاران مسجد بندها و سازش های پشت پرده برای جلوه دادن تها جدید در ایران یا ساخته و یا نوسازی شدند و آلترناتیو موجود، جهت سرکوب انقلاب و به عقب جریات اسلامی در سایر کشورهای همچوں طبلان در مستقر خود علیه ستم و استثمار سرمایه داری، ایران و خاورمیانه همچون گشتند. بورژوازی ایران از سرنوشت جامعه را بدست گیرد، مدعیون حایاتیک سر استیصال ابزار دسترسی و لانسه شدن بورژوازی ایران و غرب علیرغم هر نارضایتی جربیات اسلامی را در مقابل جرخیدن فضایه جی تامین کرد و در نتیجه، جربیان اسلام سیاسی یک شبكه بهم بافت شده قدرت در جامعه شد و بخش سنت لیبرالی ایران در قدرت شریک شد و بخش غير معتم اش جز در دوره اولیه انقلاب به بازی اورد، رشد کرد و قدرتمند شد. دقیقاً در فاصله آن گرفته نشد. تا جایی که به حضور بورژوازی در یک دهه قبل از انقلاب ۵۷ در ایران و به دنبال این انقلاب بر گردد، این طبقه با آمادگی سیاسی، طرح جدید "کمربند سیز" است که ما در جامعه و زیر شلن شاه، شاهد شکلگیری عروج نوعی از بازرگان در قالب نهادهای مانند حسینه ارشاد و سازمان های سیاسی مانند سازمان مجاهدین خلق بیشنسیس قانون اساسی حکومت آنی مورد نظرش هستیم که روایت امروزی و شایعه معنوی، فکری را در تبعید نوشته بودند و همراه خود به ایران و سیاسی جدیدی به جربیان مذهبی در ایران دادند. اورده بود. طرحی که جزیيات کامل نحوه انتقال قدرت به خود و تقابل با جربیات دیگر را در خود بخش مهمی از اعتبار اجتماعی جربیان ملی - داشت و همزمان درباره موقعيت آنی رابطه بین اسلامی که بعدها منجر به سرکوب خونین انقلاب الممل ایران با کشورهای دیگر مدافعت کرده بود.

۵۷ و حکومت جمهوری اسلامی شد، از اینجا مایه ت- اما کمونیست های طبقه کارگر و رهبران و می گیرد؛ بطوریکه آیت الله بهشتی که از عماران آریتاتورهای این طبقه، به لحاظ آمادگی سیاسی در حکومت اسلامی بود از نقش امثال شریعتی در برای بورژوازی که از قبل پیشنویس قانون اسلامی تغییر طرز تلقی نسل جوان در ایران نسبت به اش را در تبعید نوشته بود و بلحاظ سازمانی و مذهب قدردانی کرد و پیروزی "انقلاب اسلامی" فکری، مهندسی شده بسم سرکوب انقلاب ۵۷ و را بدون همک فکری و سازمانی این طیف غیر قرق کردن قدرت سیاسی گام بر می داشت، بشدت ممکن دانسته است. این طیف که یک سر آن در از نظر ذهنی و سیاسی نا آمده بودند. طبقه کمیته ها و مساجد تهران و سر دیگر آن به وکلای کارگری که با بستن شریان نفت، تانک های



رادیو نینا هر شب ساعت ۲۱:۰۰ تا ۲۳:۰۰ به وقت تهران از طریق ماهواره هاتبرد پخش میشود

رادیو نینا، صدای پپ، صدای آرایله‌ای و برایری طلبی را کوش کنید و آنرا به دوستان و آشنایان پند معرفی کنید
فریکس پخش:

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A 13°

Frequency: 12597

POL: V

FEC: 3/4

Symbol rate: 27500

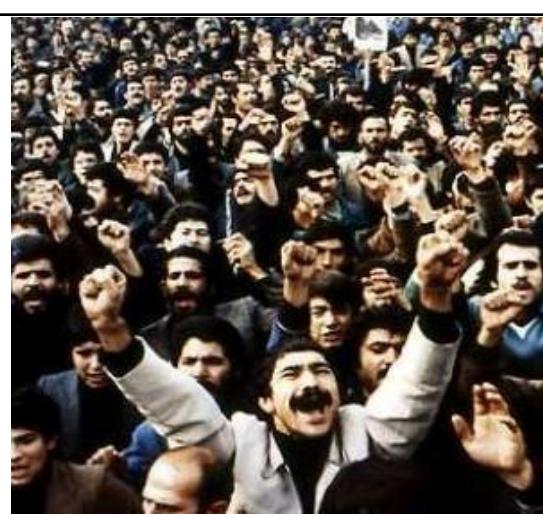
Audio PID: 2130

انقلاب ۵۷ و زمزمه های پایان دوره

انقلاب

خالد حاج محمدی

مقدمه: نوشته زیر در فوره ۲۰۱۴ به مناسبت سالگرد انقلاب ۵۷ نوشته شده است. نکات و مباحثی که در این نوشته آمده است، هنوز هم جوابی به مباحثی است که امروز نیز در مورد انقلاب ۵۷ و انقلابیگری کارگری گفته میشود و به همین لیل آنرا در این شماره کمونیست آورده ایم و خواندن آنرا به خوانندگان کمونیست توصیه میکنیم.



انقلاب و "خشونت"

وجود دارند که به مراتب از دولت پهلوی مرتاج میگویند مخالف خشونت هستند! مثل سگ دروغ تر و ضد کارگری ترند. همین توهمند و قناعت به میگویند. خشونت کدام طبقه!! مگر زندانها را رفتن شاه، باعث شد که عموماً چپ انقلاب ۵۷ برای دریند کردن ما درست نکرده اند؟ مگر فاصله چندانی از بقیه و حتی از جریان اسلامی در روزانه طبیقه ما توسعه بورژوازی به شیوه های مختلف زندان و کشتار و شکنجه نمیشود. مگر میلیونها نفر از نسل ما برای رهایی از فقر، برای تامین نان شب، برای خرید داروی بچه هایمان، برای گرم کردن کله سرد در زمستان، به امروز صفحی به نام مخالفت با خشونت راه افتاده تغوفوشی کشیده نشده اند؟ مگر میلیونها انسان از است و از همه طلب میکند که از خشونت پرهیز فرزند و برادر و خواهر ما، از فقر و محرومیت به کنند و خواهان مبارزه "مسالمت آمیز" هستند. استیصال کشیده نشده اند و برای نجات خود به میگویند باید جانب "اعتدال" را نگه داریم، از اعتیاد روی نیاورده اند؟ مگر چند میلیون از هم "مدنیت" حرف میزنند و خواهان "مدارا" هستند، طبقه ای های ما، به عنوان کارگر خارجی علیرغم از خونزیری "تغیر" دارند و همه را به آرامش و کار و حشیانه و بی مزد علاوه بر تحمل بی حرمتی صبر و شکنجه دعوت میکنند. صفحی متنوع از و تغیر و توهین دائمی، بی خانه و آواره و درین رزان تکنکرات، تا روشنگران داشتگاهی با نیستند؟ مگر میلیونها کودک محروم، در شرکتهاو اجتماعی بود. و انقلاب ۵۷ بر دوش همین مردم محروم پیش رفت. از این زوایه انقلاب ۵۷، یک انقلاب با غلظت چپ و کارگری بود.

اما ترس از رشد کمونیسم در انقلاب ۵۷، ترس از اتحاد و سیع طبقه کارگر که دست به سازمانی و اقبال میکنند، برای تامین مایحتاج زندگی. روزانه هزاران انسان شریف از طبقه ما اکنون دیگر نه به صورت زنان اسید میپاشند، نه میکنیم. روزانه هزاران انسان شریف از طبقه ما در زندانها به دختران قبل از اعدام تجاوز میکنند، برای نجات از این مسائل دست به خودکشی و اهداف آن و از خود سوزه انقلاب را در میان مرتعج ترین و ضد کارگری و چپ گرایی، کثیف ترین، مهربه های خط امام که لباس زندان بان و سر و روز رنج نمیکشد و آرزوی زندگی معمولی پاسداری خود را در آورده و امروز نگراندیش و برایشان سراب نشده است؟ در دنیای که همه چیز "نمکرات" از نوع اسلامی شده اند و به شغل به وفور یافت نمیشود، ما تولید کنندگان نعمات هم روزنامه نگاری و... روی آورده اند. بخشی که منابع سعادت پسر، خود محروم از یافتن کار، تاریخا در رژیم و در کنار بقیه شغلی داشتند، برای تامین مایحتاج زندگی. ۲ ساعه دونگی ایجاد تشکل های توده ای و علی خود زده بود، اقبال مهندس و دکتر و استاد و البته همراه نسلی از مزارع و قالبی ها و کوره پذخانه های آنها شب مهربه های خط امام که لباس زندان بان و سر و روز رنج نمیکشد و آرزوی زندگی معمولی پاسداری خود را در آورده و امروز نگراندیش و برایشان سراب نشده است؟ در دنیای که همه چیز "نمکرات" از نوع اسلامی شده اند و به شغل به وفور یافت نمیشود، ما تولید کنندگان نعمات هم روزنامه نگاری و... روی آورده اند. بخشی که منابع سعادت پسر، خود محروم از یافتن کار، اقبال و سیع طبقه کارگر که دست به سازمانی و اقبال میکنند، برای تامین مایحتاج زندگی. روزانه هزاران انسان شریف از طبقه ما اکنون دیگر نه به صورت زنان اسید میپاشند، نه میکنیم. روزانه هزاران انسان شریف از طبقه ما در جلو صفت گله های حزب الله در خیابان خودسوزی میزند. اینها هیچکدام نزد این صفت عربده میکشند، بلکه جملگی کراوات زده و دکترو "مخالف" خشونت، خشونت به حساب نهی آیند. و نیروها و جریانات مختلف سیاسی دامن زده است. نیرو را در میان مخالفان شاه انتخاب و آن را به محقق و مهندس تشریف دارند. ترکیب این صفات هیچ کارفرما و دولتی بدليل خشونت و جنایت علیه موضوع انقلاب ۵۷ ایران امروز یکی از جدل عنوان انترناشنی حکومت بعدی، پیزدیر. تبلیغات آن برانگیزترین مسائل سیاسی در تاریخ معاصر دوران دولتها غربی و رسانه های "شراحتند" ایران است. اکنون دیگر انقلاب و روشی نیستند، بلکه روزه جریان اسلامی و شخص خوبی بود، را تنها واژه های سراست و روشی نیستند، چه جنایات و کشتار عظیمی میباشد. مسخ شده ترین و خصوصا در میان انقلابیون یا به سن فراموش نخواهد شد، چه جنایات و کشتار عظیمی سیاسیون و خصوصا در میان انقلابیون یا به سن فراموش نخواهد شد، چه جنایات و کشتار عظیمی کذاشته ۵۷ شده اند. نسلی که به امید تحولی مثبت، در سال ۶۱ صورت گرفت. حمله به طبقه کارگر به امید اتمام استبداد و آزادی پا به تشكلات، فعلیں و رهبران آن، راه اندختن میدان گذاشت و در آن انقلاب شرکت کرد، و خود دسته های قله کش و گله های حزب الله علیه زنان اولین قربانیان کشتار و سیع انقلابیون انقلاب ۵۷ و انقلابیون و همه مخالفان جمهوری اسلامی، حله توسط ضد انقلاب حاکم شد.

اما نایاب اشتباه کرد که خطاب این صفت، دولت فعلیں و تئوریسین ها و متفکرین جنبش ضدیت با جمهوری اسلامی و دانگاهها و زندانهای آنها، انقلاب که به نام جنبش علیه "خشونت" و در قوانین و بند و بست استبدادی و ضد کارگر آن حقیقت جنبش شدگان، تسلیم شدگان، داوطلبانه نیست. حتی منظورشان کشتارهای وسیع و همه تواب شدگان، به میدان آیند. این جنبش همه صورت گرفت، جنبش با شقاوت و بی رحمی و در مصدق، برای شکست کارگران اعتمادی نفت از جانبه از جانب دولتها غربی و ناتو و. در کسانی است که شرافت و انسانیت را به خوده نانی کشورهای مختلف جهان نیست. این ها از نظر این در سفر محققرشان فروخته اند است. کسانی که همین حقیقت و تاثیرات آن در دل تحولات بزرگ اکنون "نمکرات" شده است، فرمان کشتار مردم صفت خشونت نیستند! خطابشان به ما است! به روزنامه نگار و اقتصاد دان و سیاست مداریشان، چند دهه اخیر، مباحثاتی را در مورد انقلاب دامن کردستان را که هنوز در حال مقاومت بودند و از کارگران، به زنان و نسل جوان آزادیخواه و وسیله کسب و کارشان است، تا بهبودی در جامعه. معترض و به همه کسانی که امیدی دارند، امیال و کسانی که در مقابل لقمه نانی زمین و زمان را انقلاب سرای است، انقلاب یعنی خشونت، یعنی اما با همه این حقایق یک فلتکور دیگر در شکست خون پاشیدن و اغتشاش! روزانه هزاران رساله انقلاب ۵۷ توهین چپ ایران بود. بخش وسیعی از خشونت به نکاتی در مورد این فضا و چرایی آن امریکا بودن او، زیر عبای خمینی رفته بود. این فرست بدیهیم تا قدم به قدم و از طرق مختلف پخش این چپ، که از سنت جبهه ملی و حزب توده تولد میشود و این ادعا ها به جامعه پمپاژ میشود. درین یافته بود، به نام مبارزه با شاه و سگ زنجیری خواهیم پرداخت. اما ابتدا چند نکته در مورد خود "چپ" به نام استقلال ایران و رشد سرمایه های اقتصادی ۵۷ وطنی در پشت ارجاع اسلامی به صفت شده بود و

به عنوان بخشی از آن ارجاع از هیچ کوششی انقلاب ۵۷ بر خلاف تفاسیر رایج مهندسی شده برای شکست انقلاب ۵۷ دریغ نکرد. سنتی که رسانه های غربی، بر خلاف ادعاهای شاخه های امروز به نام مبارزه با خشونت، هر روز دنبال مختلف جمهوری اسلامی و بر خلاف ادعای نسلی یکی از شاخه های جمهوری اسلامی است و در از انقلابیون پا به سن گذاشته ۵۷ ایران، نسل حال حاضر خوشبختی و سعادت انسان را از لیبرال، "نمکرات" و "عاقل" شده، نه یک انقلاب سوراخ ترحمات دولت روحانی نوید میدهد، بخشی اسلامی، بلکه انقلابی ضد استبدادی، برای رفاه و از همین سنت سیاسی است.

شده، انقلاب ۵۷ ایران یکی از تحولات مهم دوره علاوه بر این کل چپ ایران و انقلابیون آن در ما و یکی از تحولات بزرگ تاریخ سیاسی ایران ایهام و توهمند خود، بدون نقشه و افق روش پاریس تا انقلاب روسیه و تا انقلاب ۵۷ ایران و تا بورژوازی خواهند شد. هر زمان طبقه کارگر تمام لحظات مهم مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و برای انقلاب خود به میدان بیاید، هر زمان خطر که به انقلاب ۵۷ خون پاشیدن را آزاد بگذاریم. در حدال قدرت با همیگر، خونبارترین جنگها را اما نسل ما و دهها نسل از پدران و مادران و هم به بشریت تحمل میکنند. رجز خوانی جنبش "ضد طبقه ای های ما، با این صدا و با این دعوت آشنا خشونت" که در حقیقت علیه انقلابیگری کارگری هستند. تاریخ جدال طبقاتی ما در همه لحظات آن، است را باید تحولی صاحبان ریاکار آن داد. همه در اعتصابات، اعتراضات و انقلابات ما، از گون اینها علیه انقلاب کارگری، سرباز مسلح میشوند و زندگی ای انسانی میخواهند تحمل کنیم، از ما میخواهند سرکوب هستند که انقلاب کارگری باید با بقیه رفاه و تمدن بود. و این کمترین مطالبه ای بود که گذاشتن استبدادی شاه و کنار رفاه و تمند بود. و این کمترین مطالبه ای بود که گذاشتن استبدادی شاه و کنار رفاه و تمند بود. و این را در شان خود میدانست. طبقه کارگر ایران که گرفته بود، چپی که استراتژی برای کسب قدرت با اعتراضات مختلف خود، با سیاسی نداشت و آنچه هم از کارگر حرف میزد شوراها و تشکلهایش که در دل آن انقلاب شکل او را به عنوان پشت جبهه به حساب می آورد و گرفتند، خواهان وسیعترین مطالبه ای سیاسی، همین نگرش امکان هر نوع نقشه و برنامه روش آزادی و زندگی ای انسانی میخواستند. آنها به صفت همگانی انقلاب و نداشتن افق کمونیستی و خواهان بهبودی در زندگی خود، خواهان بر جیده نقشه ای روشن برای استفاده از آن انقلاب به سکوت و تحمل و مدارا دعوت کرده اند. صفحی از میشوند و به آن خون میپاشند. شدن استبداد پهلوی، بر جیده شدن زندان و شکنجه عنوان سکوی پرشی برای قدرتمند کردن صفت کشیشان و سناگویان خدا و پیغمبران روى زمین

اش، همراه مشتی از کسانی که از این کمال امار طبقه کارگر و هر انسان برای طبیعی، برای معاهش کرده اند. این صفحی در جامعه کنار حاکمین تحولی مثبت در جامعه راه دیگری جز دفاع از ایستاده اند، بخشی از حاکمیت و دستگاه دروغ انقلاب کارگری ندارد. این راه شرافتمندانه ترین و پر از بیان و تمند بود. و این کمترین مطالبه ای بود که گذاشتن استبدادی شاه و کنار رفاه و تمدن بود. و این را در شان خود میدانست. طبقه کارگر ایران که گرفته بود، چپی که استراتژی برای کسب قدرت با اعتراضات مختلف خود، با سیاسی نداشت و آنچه هم از کارگر حرف میزد شوراها و تشکلهایش که در دل آن انقلاب شکل او را به عنوان پشت جبهه به حساب دیده اند. تسلیم ما به نکتی است که به عنوان زندگی را دیده است. همه این به اصطلاح انقلابات متکی برایمان تعريف کرده اند. ما فریب این فریبکاران به توهم کارگران و محرومیان جامعه، بر دوش آن پیش رفته و خود اولین قربانیان آن بوده اند. بخش

معلمان، باز هم ...

۲- معلمان از موقعیت اجتماعی و ظرفیت معلمان و جلب حمایتشان... معلمان را از پشتونه معلمان به همین شیوه کنونی و گاه و بیگاه تھص
مبازیشان تا کنون استفاده نکرده اند عظیم اتحاد رونی و حمایت اجتماعی مردم در مدارس، تجمع جلو مجلس و وزارت خانه یا
معلمان از موقعیت اجتماعی و شخصیتی بسیار برخوردار میکند.

کانونهای صنفی محلی تعطیل شده و بخشی از خوبی در جامعه برخوردارند. این قشر محبوب به ۴- انتشار مجدد نشیه معلمان، پخش اطلاعیه های اعتمادهای محدود و ناهمانگ و غیر
هیچ کس بدھکاری ندارند و صمیمانه و دلسوزانه روشنگرانه خطاب به جامعه و مردم و بویژه سراسری ادامه دهد که تجربه نشان داده است
گرفته و یا به تبعید تهدید و بخسا هم محکوم شده نسلها را آموزش و پرورش میدهد. میلیونها داشت خانواده داشت آموزان در کارساز نیست و دیگر جواب نمیدهد و رژیم هم به
اند. به این ترتیب میبینیم که ظرفیت و توانائی و بخشی از معلمان محدود

نیروی معلمان هنوز یک کاسه نشده است. سپاهات، دوست و متخدخود در میان خانواده داشت و مبارزات و خواستهای معلمان و شرایط فلاکتیار حتی اعتماد یکپارچه معلمان یک شهر هم میتواند
رهبری سراسری تشکلهای معلمان در این رابطه آموزان را دارند. معلمان سپاهات و دوستی و سیع زندگیشان را سانسور را کامی به پیش و الگویی برای سایر شهرها باشد.

نقش تعیین کننده داشته است. زمانی آقای محمود اجتماعی را پشت سر خود دارند... با چاپ نشریه، برگزاری سمنیارها و پخش متناسفانه اعتماد معلمان در سطح یک شهر هم تا
بهشتی دیرک سایق کانون صنفی معلمان اظهار متناسفانه تا کنون نه نیروی خود معلمان به تمامی بیانیه و اطلاعیه های خبری و روشنگرانه کنون یکپارچه نشده و به بخشی از معلمان محدود

میکرد که: "در صورتی که راهی برای ادامه به میدان آمده و نه سپاهات و سیع اجتماعی پشت شکست. فعالیت کانون در چارچوب قانون و مقررات وجود خواستهای عادلانه و انسانی معلمان بسیج شده ۵- خواستهای روش و زمانبندی شده. خواستهای بخصوص در شهرهای بزرگ هم کارساز است.
نداشته باشد، این نهاد منحل خواهد شد!" و یاقانی است. نیروی آکتبیو در مبارزات کنونی یک هزار معلمان در قطعنامه تشکلهای صنفی هر شهر و اما در ایندوره که خواست معلمان سراسری است

اکبر یاغانی دیر کانون و هاشمی دیر کل سازمان کل نیروی اجتماعی معلمان نیست. محل به صورتهای مختلف منعکس است. ما، اعتماد سراسری معلمان میتواند غاصبان نان
معلمان در تجمع معلمان جلو مجلس گفتند، "آمده راه هرگونه پیشرفت در پشت سر گذاشتن این همواره جای طرح یک مطالبه سراسری سفره میلیونها معلم و خانواده هایشان را به زانور

ایم تا وفای به عهد و پیمان را به نمایندگان موانع و انتخاب و اتخاذ شیوه و راههای موثر و که مهمترین خواستهای صنفی و سیاسی معلمان آورد. یادآوری نماییم". این در حالی است که علیرغم رادیکال مبارزه و استفاده از همه نیروی معلمان و در سراسر کشور را در بر گرفته باشد و همه راه تعیین کننده و سرنوشت ساز، اعتمادات
سال ها انتظار، همین نمایندگان مجلس بارها به ظرفیت‌های اجتماعی او است.

فرهنگیان و عده دادند که برای بررسی و ارزیابی ۲- راهکارهای اینده محاکوم کردن میلیونی معلمان و خانواده هایشان به ایجاد تفرقه و با استفاده از اعتماد شکنان تعادی
خواستهای معلمان هیات تشکیل می‌دهند. اما پیش روی معلمان در گرو فاکتورهای زیر است:

۱- وجود یک رهبری سراسری روش و مصمم یک زندگی فلاکتیار و زیر خط فقر جرم است. را به مدارس بکشاند. اما این سیاست را میتوان
معلمان و تشکل شان می‌دانند که در چنین بربری و جدی و رادیکال. تنها چنین رهبری عاملین آن باید به جامعه معلمان، داشت آموزان و بادرایت و با تبلیغ و فعالیت معلمان مبارز خنثی
اسلامی که سگ صاحبیش را نمی‌شناسد، توقع سراسری ای میتواند صفوغ معلمان، تشکلها و خانواده هایشان جوابگو باشند. این کمترین توقوف کرد. همه معلمان در فقر و فلاکت و تنگستی
شققت و حفظ حرمت و کرامت انسانی از سران نمایندگانش را منسجم و یکپارچه و همانگ فوری ترین خواست شما معلمان است. حقوق و شریکند، دلیلی ندارد در مبارزه برای رفع این
جمهوری اسلامی و نمایندگان سرمایه داران ایران، کند. اگر معیار اظهار نظرهای تا کنونی و شیوه دستمزدهای کنونی در مقابل تورم و گرانی و فلاکت همدل و همراه نباشند. انتخاب این راه بر
توقعی بیهوده است؟ اگر شما یک آیه در جلد شفت های مبارزه باشند، باید متناسفانه گفت که رهبری فلاتکنی که رهبری شکلهای صنفی معلمان است. پا پیش
این ها بیاورید هر امام جمعه شان صدتا آیه بر کنونی به شدت متوجه، ناکارامد در بکار گیری کل تحمیل کرده اند، ناچیز و هیچ است. گرسنگی گذاشتن ربران و فعلیں جنیش حق طبلانه معلمان
توجیه و تفسیر نظام سرکوب و خفغان و بربری و تبعیض و نابرابری اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است. این رهبری به نیروی واقعی معلمان متکی مردم زحمتکش را گرفته است. هم اکنون یا میترسند و به اعتماد نمیبینند، تعیین کننده
در جیب دارند.

تجربه یک دهه مبارزه معلمان کافی است نشان ۲- انتخاب موثورین تاکتیک و شیوه مبارزه. کارگران، حقوق پرستاران و دیگر حقوق بگیران زندگی را برایشان دارد موق شوند. مفتوران
دهد که توکل به بالا و توسل به استغاثه و توقع اعتماد سراسری و همانگ جزء جامعه که خود شما نیستند و شفقت سران دولت موثورین روش مبارزاتی و کارسان است. سران
الطف دولت و دلسوزی و شفقت سران دولت موثورین روش مبارزاتی و کارسان است. سران میتوانند به اعتماد اما تجارب تا نگه داشتن ده ها میلیون کارگر و میلیون ها معلم و
جمهوری اسلامی پوج است. معلمان بعضا مجلس اسلامی را "نمایندگان خود در خانه ملت" نمایند و تبعیض کارگران کارساز نیست. هر محل برای خود چندان کارساز نیست. یک کنونی میتوانند
بارها جلو درب آن اجتماع کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باشند. این هم میتواند
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
رادیکال معلمان باشند، باید اولا به نیروی میلیونی به شفقت سران داشت داد و سازمان داد. مراجعته مرفره را از بودجه کلان ملکت تامین کنند.

جمهوری اسلامی و نمایندگان خود در خانه ملت" نمایند و تبعیض کارگران کارساز نیست. هر محل برای خود چندان کارساز نیست. یک کنونی میتوانند
بارها جلو درب آن اجتماع کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
رادیکال معلمان باشند، باید اولا به شفقت سران داشت داد و سازمان داد. مراجعته مرفره را از بودجه کلان ملکت تامین کنند.

جمهوری اسلامی و نمایندگان خود در خانه ملت" نمایند و تبعیض کارگران کارساز نیست. هر محل برای خود چندان کارساز نیست. یک کنونی میتوانند
بارها جلو درب آن اجتماع کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
اوایلی ایشان و دیگر طبقات و اقسام زحمتکش مذکوره نیز یک تاکتیک و شیوه مبارزه برای گرسنگی فرزندان زحمتکشان و جانشان اند! جماعتی سرمایه دار در مراکز
جامعه را تکان میدهد و گوش مسوولین دولتی را قوانین تبعیض آمیز و نابرابرند. پشتگرمی شما و وحشت انسانی آنها و جنایت است. تعدادی
کانون صنفی معلمان اگر بخواهد تشکل واقعی و برای شنیدن حرف نمایندگان معلمان باز و آنها را ضامن موقیتتان توده عظیم و یک میلیونی معلمان سرمایه دار معمم و غیر معمم تمام سرمایه و درآمد
تجانس اعتماد کردند، اما غیر از اعتماد عمومی و سراسری معلمان و فرهنگیان، نمایندگان معلمان باز و آنها را ض

در دوسوی جدال بر سر...

خارج از تنظیمات جامعه‌ی جهانی! تحت یک دشمن واهی. معلوم نیست دشمن آن ها چه تنظیمات سازمان ملل، و بعنوان عضو محترم آن کسی است! چه کسی می‌خواهد باشد! وقتی که کلوب تروریسم پذیرفته شده‌ی غرب، به حیات شیخ عربستان سعودی و جمهوری اسلامی، در لبی حمله کردند، به هر حال یک اعتبار ویژه‌ای به کند برای ترهات اسلامی‌شان. شکست ایدنولوژیک قربانیان این ترور در افکار عمومی ترقیخواه و خلیل عمیقی خورده است. جمهوری اسلامی ایران پسردست جهان داد. منتهی در ادامه، این امروز یک بحران هویتی دارد. جمهوری اسلامی اعترافات تبدیل به تظاهراتی شد که در صفحه مقدم در حال سازش با غرب بود و مراحل پذیرفته آن سران تروریست دول غربی و از جمله نتانیahu شدنش به بازار جهانی را طی می‌کرد، که داعش و امرای مرتاج امارات استاده بودند و بعد در عراق سرداور و کاسه و کوزه‌ی این ها را دیگری پیدا کرد. امری که حتی لازم است جاگله برم زد. باز امروز تلاش میکند به عنوان

محوری شر را به نام کدام مردم مخصوص در کدام

جغرافیای سیاسی بی‌صاحب، از گردنۀ خارج کنند

به توافق نرسیده‌اند.

در نتیجه به عنوان یک مشاهده‌ی واقعیت دارد این

خش و نفرت و احساس عدم امنیت، وجود دارد.

اما به عنوان پاسخی که این خشم و نفرت و عدم

امنیت را بشود به طرف آن پاسخ‌ها کانالیزه کرد

دو جواب وجود دارد. یکی اینکه دولت‌های غربی

با این پروژه‌ی اتحاد ملی و این که مردم باید به

ناتو و دول غربی برای برقراری امنیت اعتماد

کنند، آن را به سمت این دولت‌ها کانالیزه کنند. و

یک جواب رادیکال انقلابی است که محرومین

جامعه، حکومت شوندگان، کمونیست‌ها و

کارگران دارند و می‌توانند مدعی برقراری امنیت

انقلابی شوند. این کار نیروی‌هایی است که

جواب انقلابی و جوابی که منافع اکثر محرومین

جامعه را نمایندگی می‌کند را به این اوضاع بدنه

و بخواهند امنیت را برقرار کنند. یک رکن آن، به

صورت مشکل و مستقبل از این دولت‌ها ظاهر

شدن است. در مقابل رفتار در صفحه آفای نتانیahu

و امیر اردن به اصلاح علیه تروریزم اسلامی

صف کشید! این جدال، جدال بین دو صفحه

تروریستی است. یک صفحه رسمی دولتی که در

سازمان ملل و ناتو هستند و یکی صفحه افسار

کسیخته‌ی انسان و اقسام دسته جات اسلامی و ملی

مذہبی که با پول و اسلحه‌ی همین‌ها مسلح شده

اند، که افسار آنها را شده.

صحت بر سر این است که این دولت‌ها و از

جمله جمهوری اسلامی، می‌خواهند انحصار

کشاند به سمت هر نیروی فاشیستی که ادعا بکند

تشان دهد که به اصطلاح امنیت‌را، با قتل عام یا

سرکوب هم که شده است، می‌خواهد و می‌تواند

برقرار کند.

این نگرانی و ترس طبیعی است، ما شاهد آن سرخود، بیانده‌ی هر جور که می‌خواهند امنیت

هستیم که چطور الان سران دولی که خودشان ابعد کشی کنند. قتل و آدم کشی‌ها تنظیمات

جنایتشان میلیون‌ها بیشتر از جنیت تنظیمات آن دست دول امپرالیستی، میلیتاریستی،

ای است که در پاریس صورت گرفت، می‌ایند در دولت‌های مرتع متحداشان در منطقه، و کسانی

صف تظاهرات و سیاست پاریس و با هم دست می‌است که به عنوان نماینده‌ی ملت‌ها در سازمان

گیرند! و می‌خواهند این خشم و نگرانی مردم را

تعیین می‌کند و معلوم می‌کند که چه کسی را چه

وقت و کجا می‌توان و مشروع است که ترور کرد

و به قتل رساند. اجازه نیست که گروه‌های

فترت نرسیده‌اند، می‌خواهند ابراز وجود کنند. با رسیده و در طی این سال‌ها جطور در قدرت ملته

به خون کشیدن افراد بی‌گناه. با قتل و ترور است.

برای همین است که شما در اعترافات می

کاریکاتوریست های بی‌گناه مجله‌ی شارلی ابودینید که تا صدا درمی‌آید می‌گویند که ادعاهای

ابراز قدرت می‌کنند. افسارشان رها شده است. خودی! این داعش‌های خودی سی و چند سال قبل

هر جایی که بتوانند خون می‌پاشند به جامعه. ما همین دارو دسته بودند، امروز احتیاج ندارند به این

یک طرف میلیتاریزم دولتی را داریم، مانند چنین عملیات‌ها و علاوه نمی‌توانند رسم و

نتانیahu و بدلور می‌اندازند روی خانه‌های فلسطینی امروز سعی می‌کنند که آن چهره‌شان را پنهان

و ناتو، بلوزر می‌اندازند که تکیه به سازمان ملل علنا در راس آن قرار بگیرند!

مژده اورنگ: شما هم در صحبت هایتان اشاره

های بیچاره و کوکنده‌ی که کنند. این کنند که شما در اعترافات

پنهان گرفته در پشت پدر، را به رگبار می‌بنند و برای پنهان کردن هم خانوادگی بودن ایدنولوژیک

دنیا هم می‌داند که با غرۀ چه کردن و یک طرف حکومت تهران با القاعده. و گرنه مگر خودشان از

دیگر یک دارو دسته افسار گسیخته این کارها نکرده‌اند! علاوه بر سرکوب‌های

ای داریم مانند القاعده و داعش به وسیع در داخل، رسم و علنا دسته های تووشان

معادلات خاورمیانه اضافه می‌شوند. این ها در رامی فرستادند خارج کشور و مخالفین سیاسی و

این ماجرا سهم می‌خواهد. در این دنیا چند قطعی کمونیست‌های زیادی را ترور کردن. فتوای قتل

افسار گسیخته نقابی جریان های میلیتاریزم و بخاطر کتاب آیات شیطانی، فتوای خمینی بود، که

تروریزم دولتی از ناتو و امریکا تا تروریزم دولتی رهبر هم شان است. می‌خواهند بگوییم این طبقه

ایران، این ها هم سهم می‌خواهند. اما تا آنچه که کردن ها، بیشتر یک ناهان کردن هم

به این واقعه برمی‌گردد، این یک عملیات چهره‌ی خودشان. تلاش برای پنهان کردن هم

تروریستی بسیار کثیف و بسیار نفرت انگیز بوده و خانواده بودن، از نظر

خشم همه را برانگیخته. کاری است از جنس هم ایدنولوژیک، با این عملیات تروریستی است که

تروریستی که در خاورمیانه و این و آن گوشش پوت این طرف و آن طرف دنیا می‌شود.

جهان بیش از یک دهه است که صورت می‌گیرد.

دولت روحانی و ولی فقیه، امروز راه نجات شان

را در چیز دیگری غیر از این عملیات‌ها پیدا کرده.

اند. در تلاش اند که به کلوب تروریست‌های

مژده اورنگ: روحانی مثل همیشه یکی به نظریه

دولت‌های رسمی در دنیا اضافه شوند. با مقرراتی

که دولت‌های تووشی می‌لیتاریستی غرب،

میلیتاریزم رسمی و قانونی خاورمیانه، چون

عربستان سعودی، قطر و ترکیه، و در کمپ

نیروهایی که در کمپ بورژوازی غرب هستند،

خود و جامعه‌ی جهانی را تروریزه کنند؟

ثريا شهابی: به نظر من تناقض بزرگی است و

قابل توضیح است. بینید تا آنچه که خشم و نفرت

و محکوم کردن باشد، اکثریت مردم دنیا از این

عملیات‌تیرانی بود که آن را صفحه اتحاد ملی

کنند. اما وقتی به عنوان پاسخ به تروریست‌های

فرانسه و امریکا هستند! این تناقض را این گونه

سوالی که پیش می‌آید این است که: دعوا برسر

چیست؟ این چگونه دعواستی است در راس

سارکوزی می‌خواسته که به صفحه مقدم برود و

بخاطر اینکه رئیس جمهور نیست به صفحه مقدم

متفرقه است. می‌خواهند منافع مشترکی بین حکومت

شوندگان و حکومت کنندگان تعريف کنند، علیه

پیاده شدن آن ایران و جهان بهشت برین می‌شود را

بینید! فرق و فساد و فحشا و بی‌حقوقی و اختناق و

سرکوب، بی داد می‌کند. چیزی از اسلامیت

لیبی حمله کرند، به هر حال یک اعتبار ویژه‌ای به کند برای ترهات اسلامی‌شان. شکست ایدنولوژیک

قربانیان این ترور در افکار عمومی ترقیخواه و خلیل عمیقی خورده است. جمهوری اسلامی ایران

پسردست جهان داد. منتهی در ادامه، این امروز یک بحران هویتی دارد. جمهوری اسلامی

اعترافات انقلاب اسلامی ایران است. رفتار

گردید که تبدیل به تظاهراتی شد که در صفحه مقدم در حال سازش با غرب بود و مراحل پذیرفته

آن سران تروریست دول غربی و از جمله نتانیahu شدنش به بازار جهانی را طی می‌کرد، که داعش

و امرای مرتاج امارات استاده بودند و بعد در عراق سرداور و کاسه و کوزه‌ی این ها را

دیگری پیدا کرد. امری که حتی لازم است جاگله برم زد. باز امروز تلاش میکند به عنوان

نیرویی که می‌خواهد با داعش روپرو شود و

اما تا جایی که به خود این عملیات برミگردد، این پیش روی آن را کنترل کند، ظاهر شود. مشغول

یک موج دیگری از عملیات تروریستی بوده که ما مذاکره با آمریکا بود، که این عملیات تروریستی

در آفریقا، خاورمیانه، افغانستان و پاکستان و عراق در فرانسه صورت گرفت. همه می‌دانند که جنس

و سوریه و لیبی، در این کشورها، شاهد هستیم. این ها جنس جمهوری اسلامی است، هر چند که شاهد

این طرف و آن طرف در کشورهای غربی هم خارج از حال و هوای امروز آنها هستیم.

این طور از جنس همان فراخوان هایی است که پیش روی این کشورها، شاهد هستیم.

این طرف و آن طرف در چنان مواردی که این گروه‌ها از جهانی را خارج از

امان نمایند، این گروه‌ها از جهانی را خارج کنند، این گروه‌ها از جهانی را خارج کنند.

این طرف و آن طرف در چنان مواردی که این گروه‌ها از جهانی را خارج

خصوصاً برای کمونیستهای طبقه کارگر است. به و شرایط چنین امری و ملزومات و چگونگی آن و این اعتبار در این نوشته تلاش می‌کنم به نکاتی در چه کردن و نکردنها این امر است. این زمینه بپردازم.

تشکل های مستقل کارگری در جامعه ای مثل ایران با حکمیت دولتی بورژوازی که سایه هر نوع اتحاد کارگری را با تیر میزند، داده تناسب قوای

در میان بحثهای این دوره اگر بخواهیم پاره ای معینی است. تناسب قوایی که قدرت طبقه کارگر و جنگ و دعواهای فرقه ای و نامرطب را کنار بزیم سطح اگاهی و اتحاد آن به درجه ای رسیده باشد که و اجازه ندهیم اینها بر فضای جدل و گفتگو برسو بتواند چنین امری را به جمهوری اسلامی تحمل تشکل یابی و یا تشکل سراسری سایه بیندازد و به کند. اگر امروز طبقه کارگر ایران از تشکلات اصل قضیه که نیاز طبقه کارگر به تشکل توده ای توده ای و طبقاتی خود محروم است، نشانه توزان و سراسری آن باشد بپردازم، آنوقت تازه سوالات قوای نابرابری است که به این طبقه تحمل شده اساسی به میان کشیده می‌شود. اینکه کجای کار است. تنها تشکلات توده ای که در این دوره شکل هستیم، چه ملزماتی را باید فراهم کرد، از کجا گرفتند دو سندیکای شرکت واحد و کارگران باید شروع کرد، مبارزات موجود و جاری نیشکر هفت تپه بوده اند که با همه توزان و کارگری کجای تصویر ماست و چگونه میتوان فدایکاری فعلیان آن همگی شاهد سرنوشت آن سطح مبارزه موجود را ارتقاد و اتحاد کارگری هستیم. بحث این است که با همه اهمیت تشکل را تقویت کرد و تجارب و تلاشهای تاکنونی انواع سراسری، در دنیای واقعی در حال حاضر نه انجمنها و کمیته هایی که کار و فعالیت کرده اند سطح مبارزه طبقه کارگر و دامنه خوداگاهی و کجای این ماجرا قرار میگیرد و چه درسی از آنها اتحاد آن و نه توزان قوای موجود، امکان شکل خواهیم گرفت همگی در مقابل ماست. برای کسانی دادن به این نیاز حیاتی را نمیدهد. و توزان برای که این پروسه را رفته اند و خصوصاً دوستانی که تغییر توزان قوا و توزان برای تامین ملزمات خود پای تشکیل جمع فعلیان کارگری یا هر اسم تشکل یابی طبقه کارگر در همه سطوح آن کار دیگری بر آن گذشت رفته اند و از نظر خود برای آمدهای زنده ای است که این نیاز را درک میکنند کمک به تشکیل تشکلات کارگری توزان کرده اند، و برای حل موانع آن نقشه میریزند، چیزی که در بدون جواب به این مسائل نمیتوانند قدمی به جلو میان این دوستان محمود صالحی نیز بدرست بدان انگشت میگذرد.

ظاهرها کسی بر سر اینکه طبقه کارگر احتیاج به علاوه بر این با توجه به تجرب انواع تشکل های توزان توده ای و حتی سراسری خود دارد، بحث تا کنونی فعلیان از کمیته هماهنگی و پیگیری تا ندارد و مشکل انجایی است که بحث بر سر زمان اتحادیه آزاد و... باید توجه داشت که هر نوع شکل

←

مدحی مردم قانون بین المللی است، اتفاقاً جریانات هستند! اگر شما در این دعوا به این ارجاعی می بردند! جریانات فاشیستی و اسلامی این دعوا، دعواهای جهان چند قطبی بر سر تقسیم قدرت است. یک جریانات سوپر ارجاعی آدم کش می بردند!

که دو هزار، دو هزار به اصطلاح مسلمان را می کلوب اضافه شده است. و گرنه بوكو حرام

دعوا بر سر این نیست که گویا یک جریان قرون کشد! مگر در عراق آنهایی را که کشته میشوند به اصطلاح مسلمان نیستند؟ مگر در کوبانی آنهایی بر سر این است که دو قطبی ای که در دنیا بود که کشته می شوند یا می جنگد بخش زیادی از آن ها مهر اینکه که اسلام را قبول دارند، نخورده اند؟

سعودی، قطر، ترکیه، چین و روسیه هستند. همه جنگ بین دنیای تووش و دنیای اسلام نیست، جنگ

ی اینها هستند. و در این دنیای چند قطبی، می بین نیروهای توپریستی است که از مردم بی گناه خواهند توزانی بین خودشان برقرار کنند. در این قربانی می گیرد. جنگ و رقابت بین تروریزم

میدان گروه های حاشیه ای تری هم هستند، که اسلامی و تروریزم دولتی از جمهوری اسلامی تا های تروریست و در صف مقابل طوفاران آزادی منوعیت خشونت علیه زنان، سرتاسر ش نوشته

بیان و نتانیahu و امیر اردن و چپ ها و است که باید عقاید مذهبی و فرهنگی مردم محترم جبهه ای النصر و بوكو حرام! این ها هم اگر به افسارگریخته دستگات جنایی حاشیه ای تر. و این

کوئی نیست هم هستند! این واقعیت ندارد و دروغ شمرده شود! آزادی عقاید و بیان مشروط و محدود

است این دعوا بر سر آزادی عقاید و بیان و است، به مذهب و فرهنگ و ملت و فقر و ثروت! هزار نفری می کشند بعد حکومت سیاه شان را روزنامه ای شارلی ایدو قرار است بشود دست ماهی

برقرار می کرند و نماینده شان را در سازمان ملل می عروج جریانات دست راستی و رهبری این

می گذاشند. کما اینکه نتانیahu و شیخ عربستان و میلیتاریزم دولتی، که می خواهند امنیت برقرار

امیران مترجم امارات و جمهوری اسلامی ایران کنند. هر نسخه فاشیستی از آن بیرون می آید. در

این جدال یا اسلامیون می بردند یا میلیتاریزم دولتی نشسته اند.

این ایزار را باید از دست جریانات اسلامی و دست غرب و یا هردو آنها، و قربانی آن میلیونها مردم راستی گرفت که دعوا بر سر آزادی و عقاید و محروم در اروپا و خاورمیانه اند. همان آنیست ها

بیان است. هر عقیده و بیانی باید آزاد باشد. نقد همان کوئیست ها، طبقه کارگر و کسانی که

شما به من توھین می کنید، پس بگذارید من هم به مذهب و هرمذهی، باید مطقاً آزاد باشد. هیچ کس توھم دارند براین که گویا می شود وحدت ملی

حق دخلت ندارد. منتهی اینجا دعوا بر سر آزادی و عقاید و بیان یک پرچم جدال، در میدان

نفرتش را از این عملیات کشtar تروریستی می برقراری امنیت شهرنشان از قاهره و بغداد تا

خواهد نشان دهد با هم قاطی می شود. آنچاست که پاریس و لندن است. آزادی عقیده و بیان تنها یک

نماینده ای مناسبی است برای آن ها. امروز هر

اردن و اردوغان و انواع و اقسام دسته جات روسا امنیت است. مسئله طرح آنرناشیو، و پاسخ انقلابی

دولت های ارجاعی، نماینده ای برقراری نظم می و رادیکال بر سر برقراری نوعی از امنیت است،

خواهد بشوند. معلوم نیست که قرعه باید به این دست که میتوان آن را تنها و تنها به نیروی پایین برقرار

چه کسی بیرون بیاید که این ها بخواهند تصمیم کرد. در فدان چنین آنرناشیو از جانب نیروهای

بکریند که فردا این نیرو را پشت خود بیاورند، که مترقبی، از جانب کوئیست ها و طبقه کارگر، هر

مسلمان هست و مسلمان شده ام! برای اینکه این ایدئولوژی، از نظر سیاسی همچین امکاناتی می

اسلامی سرکش نظم بدھیم! آمریکا امروز در بورژوازی غیراسلامی در غرب و اسلامی در

همکاری با جمهوری اسلامی، شبه نظامیان شیعیان خاورمیانه، شناس پیدا میکند.

را در عراق تقویت می کنند برای به اصطلاح

جنگ در مقابل داعش! این ها ضد اسلامی و

طرفدار آزادی عقیده و بیان هستند؟ این ها متمند

از کجا باید شروع کرد

(نکاتی در مورد تشکل سراسری کارگری)

خالد حاج محمدی



۲۰۱۵ زانویه ۲۵

کوئیست مهم است. من در مصاحبه ای با کوئیست ماهانه شماره ۱۹۰ زیر عنوان "تشکل سراسری کارگری" به مسائل اشاره کرده ام، از جمله اینکه تشکل توده ای طبقه کارگر تشكیل محیط کار و زیست است، هیچ تشکل توده ای طبقه کارگر را نمیتوان در خلا تشکیل داد، تشکیل شکلهای توده ای طبقه کارگر امر خود کارگران و طرف اتحاد آنها در محیط کار و زیست شان است. همزمان اشاره کرده ام که نفس طرح این ضرورت و طرح توقع آن مفید است و بعلاوه بر اهمیت اتحاد رهبران طبقه کارگران سیاست و شبکه محافل کارگران سوسیالیست و جایگاه آن مختصر پرداخته ام. اینجا نیز بر نکاتی در ادامه این بحث خواهیم پرداخت که فکر میکنم جواب به آنها مهم هستند از جمله مسائلی چون مشکلات و موضع تشکل یابی و اینکه از مبارزات جاری، اتحاد کارگری همراه خود سر بخواهی را باز کرده کارگری در دل مبارزات موجود و اهمیت توفیق است. مستقل از اینکه دوستانی که بر ضرورت کارگران در این مبارزات، جایگاه و نقش

تشکل سراسری کارگری و یا توزان برای تشکیل کوئیستها در این توزان و اهمیت ارتفاقی که بر آن اصرار دارند چه مسیری را خواهند رفت و به محافل و شبکه رهبران کارگری حاکم است. اینها چه میرسند، جواب به این سوالات برای هر همگی از مسائل جدی برای جنبش کارگری و

در دوسوی جدال بر سر...

شکل وارد شوید، از پیش باخته اید! در این صفت بنده کاذب جریانات اسلامی و فاشیست ها می

میتوان توضیح داد، که به خاطر گم بودن میدان برند. برای اینکه در غرب هم آزادی عقیده و جدال است. جدالی که وجود دارد آن جدالی نیست بیان به آن معنا وجود ندارد! برای اینکه ریاکلری که آفای اولاد و یا اوپاما و نتانیahu با طرف مقابل ای که در جوامع غربی در مورد آزادی عقیده و دارد! دعوا بر سر چیست؟ شما الان در سایت ها بیان است، محدودیت هایی را پیش پا شما به عنوان می خواهید و در این همه مباحث که دعوا بر سر آم آزادی خواه و کموئیست و محرومین جامعه می گذارد که در مقابل اسلامی ها نمی کنند! نمیتوانید آنها را دور بزنید. یک امکاناتی در مقابل ارتجاع مذهبی می گذارد که با آن ایزار نمی توانید گویا آزادی و عقیده و بیان در حال خدشه دارشند دورش بزنید.

است و در دفاع و حمله به آن، دو صفت هستند. صفت مخالفین و موافقین آزادی و عقیده و بیان! یک طرف جبهه راست است، شامل اسلامیست خود کنوانسیون های حقوق بشر و حقوق کودک و میتواند این جهتی خشونت علیه زنان، سرتاسر ش نوشته بیان و نتانیahu و امیر اردن و چپ ها و است که باید عقاید مذهبی و فرهنگی مردم محترم شمرده شود! آزادی عقیده و بیان مشروط و محدود است این دعوا بر سر آزادی عقیده و بیان و فقر و ثروت! هیچ کدام از این اسناد جهان متمند منشاء آزادی بیان نمی کند، به زندان می اندازنن! هالوکاست را نفی کنید، به زندان می اندازنن!

شما نمیتوانید قربانیان سرخپوستان آمریکا را شارل ایدو را وحشیانه کشند باید محاکمه شوند و دستگیر شوند و هیچ کس حق ندارد تعزیز کند به کسی با خاطر این که کاریکاتوری علیه محمد کشیده است یا او را مسخره می کند.

صبح تا شب این دولت ها دارند ادبیات خشونت آمیز و توھین آمیز چه به این مذهب و چه تبلیغات سیاست های دولت تولید می کنند! اسلام سرتاسر دین تبلیغ خشونت، زن ستیزی و توھین است. همین دولت های به اصطلاح متمن غربی، پول هم میدهند و مدارس اسلامی هم درست می کنند و در تأسیس مسجد هم کمک می کنند. خود دولت ها فقرا را تحقیر می کنند! تامین اجتماعی بگیر ها را تحقیر می کنند! صبح تا شب مشغول این پروپاگاندها هستند و عقیده و بیانشان هم آزاد است و نگران خدشه دار شدن یکسی افسار گشیخته و انواع و اقسام گروه های نفرت می کنند! این هم نیست! آن کسی عقیده و بیانش نقض می شود، که قدرت ندارد، که تحت حکمیت دولت هایی است که در قدرت اند.

میخواهیم بگوییم که درست است که باید جلو هر کسی که آزادی بیان کسی را محدود میکند، گرفت. باید جلو حمله به منتقدین به اسلام و همه ای مذاهب و همه ای عقاید ضد بشری، و جلو حمله به همکاری اسلامی آنرناشیو از جانب نکاتی می

در این جدال دو قطبی، به اصطلاح بین طوفران

مذهب و اسلام ابراز وجود کنند، را باید گرفت. لما و مخالفین آزادی عقیده و بیان، جایی که محدود

این دعوا بر سر آن نیست! دعوا دنیای تووش و کردن عقیده و بیان به بهانه ای احترام به عقاید

از کجا باید شروع ...

ممکن نیست. اما و همچنانکه اشاره کردن این مهم به اینگاه نقش اگاهانه این مخالف و جمع و کمیته ها

کانون دفاع کارگران و... تلاش کرده اند تشکلات کمال ادامه این سنت است. نقطه عزیمت این سنت تشکلات کارگری است. تجربه تاریخ مبارزاتی در دورانهای مختلف اهمیت اتکا به نفع طبقه کارگر، بهبود زندگی این طبقه و ایجاد دیگر خود کارگران به این رسیده اند که تشکل تغییر توازن به محل کار و زیست شکل بگیرد. میگویند امروز اتحاد طبقه کارگر برای بهبود در زندگی آن و مجامع عمومی را ثابت کرده است. طبقه کارگر آمانگی این طبقه و ایجاد محیط کار و زیست را "میخواهند"! و آنها لابد به هم غفیده و هم نظر است که در دنیا و در خود ایران در دوره های مختلف و در بسیاری از کارگر مستأصل، گرسنه، بی افق و نومید نمیتوان عنوان آگاهی دهنگان به طبقه کارگر باید قدمی جامعه ایران به وفور از این نوع اتحادها را داریم. مبارزات خود چه در گذشته و چه در دوره اخیر انقلاب کارگری کرد. لذا ایجاد این آمانگی از فراز رفته و دنبال تشکلات سراسری طبقه کارگر اصل در این سنت نظر است، ایدئولوژی است و منکی به مجتمع عمومی بوده است. در این زمینه درون همین مبارزات موقع و قدرتمند کارگران معدن از کانال بهبود زندگی طبقه کارگر و جلال روزانه این تشکلات مستقل کارگری طبقه کارگر و تغییر در نفع این طبقه و است. نفس مبارزه طبقه کارگر و جلال روزانه این چغارات بافق نمونه گویا و روشن است. حکم توزان قوای موجود به نفع این طبقه، از دل تقویت شرکت واحد در پتروشیمیها و معدن بافق و... لسم طبقه، نقش و جایگاه آمنها در این جلال، کار کارگران این مرکز در اعتضادات دوره اخیر مبنی اتحاد کارگری و سرانجام از دل اینگاه نقش در میبرند. در این بحث که خصوصاً در نوشته های کمونیستی در میان کارگران و آگاه کردن آنها و بر اینکه هیچ مرجعی به جای کارگران اعتضابی رهبری مبارزات این طبقه توسط آقای تقدیم بر جسته تر بیان شده است چند نکته قبل متعدد کردن آنها و تلاش برای بهبودی در زندگی مبدأ نیست. این سنت در حق تصمیم کیمی ندارند را باید طلاق گرفت و در کمونیسیاهای طبقه کارگر و جمع و مخالف و کمیته ملاحظه را باید در نظر داشت.

دنیای واقعی با کمونیسم و با کمونیسم طبقه کارگر

یک مبارزه و به هر دلیل یک اعتضاب و مبارزه کارگری به نتیجه نمیرسد، کارگران در یک اعتصاب مجبور به عقب نشینی میشنوند، مهم و حیاتی است که با هم عقب نشست و بارای جمعی سوسیالیستی و اتحاد کمونیستهای طبقه کارگر، مبارزه اقتصادی طبقه کارگر، مستقل کارگری نیستیم. تا جایی که به هفت تپه و اتحاد کمونیسم را مشتی عقاید ترجیمه

به اعتراض و اعتضاب پایان داد.

جایگاه اتحاد رهبران کارگری

اولاً متسافانه تشکل مستقل کارگری در دنیای هم خانواده نیست. این سنت چپ غیر کارگری، جاری کارگری حتی اگر اصلاحاتی در زندگی پتروشیمیها و... ما جز به مارکسیسم است که غفیده و پایاشه افکار مبدأ طبقه کارگر ایجاد کند، بدون حاکم شدن افق انجنهای صنفی و شوراهای اسلامی شاهد تشکل حرکت آن است نه نفس اتحاد طبقاتی طبقه کارگر.

سوسیالیستی و اتحاد کمونیستهای طبقه کارگر، اتحاد مخالف کمونیستی در جمع ها و کمیته های شرکت واحد هم برگردد متسافانه و با همه احترازی میکنند و آنرا از مضمون طبقاتی خود و به عنوان

کارگران سوسیالیست به درجه ای بیشتر از تحزب دارم، اکنون دایره نقش و تاثیر آنها بسیار محدود مزدی و مناسبات سرمایه دارانه تهی کرده و عملاً

پیش شرط هر نوع تشکل کارگری چه در ابعاد یافتگی و سرانجام بدون حزب کمونیستی این طبقه سراسری و چه مطی شکل دادن به سطحی از اتحاد طبقه کارگری کامل از برندگی نخواهد انجامید. تلاش هزار و یک محدودیت در مقابل آنها قرار داده اند علیه بورژوازی به افکار خوب و انسانی تقلیل می شود است. نمیتوان با جمع شدن هر تعداد انسان مبارزه اقتصادی طبقه کارگر نقطه شروع است.

دلسرز، سوسیالیست و چپ و مدافع کارگر، تشکل مبارزه اقتصادی مادر خودگاهی کارگر و شناختن خود به عنوان کارگر و همسرونوشتی با یقین هم شدن فعلی و رهبران آن حول یک افق کارگری و

طبقه ای ها به عنوان یک طبقه است. اما فراتر حول یک پلاتفرم مبارزاتی روشن ممکن است. رفتن از آن و تلاش برای جامعه ای برابر و مرفه،

تشکلهای توده ای خود بود، در آنصورت جمع برای همین اعتراض تلاش میکند بسیج کند. در این کسانی که برای تشکل سراسری طبقه کارگر تلاش زمینه نگاهی به کارکرد خود کمیته هماهنگی و میکنند، قاعدها قبل از هر کس میباشد فعالیت و پیکری و اتحادیه آزاد و راستش نگاهی به کارکرد رهبران عملی این طبقه ممکن است. امروز که

طبقه کارگر از تشکلات توده ای خود محروم جدالهای پیش روز و تا جنگ نهایی با طبقه حاکمه است، اهر اتصال و اتحاد این طبقه، شبکه رهبران عملی آن است. مبارزات کارگری و

زیزی که خلید کامل از بورژوازی و استقرار جامعه سوسیالیستی را هدف خود قرار داده است،

تاریخی خود بر دوش رهبران و فعلیان با اتوریتی به جایی نمیرسد.

آن پیش رفته است و بسته به میزان توان، میزان نفوذ و اتحاد آنها و میزان روشن بینی و افق و خط باید تاکید کرد نفس تشکل کارگری هدف نیست،

کمونیستی کارگری آنها، نوع فعالیت و تحرك خود تشکل ایزار اتحاد کارگران در سطح مختلف کارگری و ابعاد و اشکال مبارزاتی و تاکتیکهای و در مبارزه با طبقه حاکمه برای بهبود زندگی آن مقاومت بوده است. لذا یک کاسه کردن مبارزات

موجود جز با شکل دادن به سطحی از اتحاد روزمره آن و در اشکال مختلف و شکل دادن به

مبارزاتی در میان آنها، جز با اتحاد و هملى آنها سازمانهای توده ای و علی طبقه کارگر پیش ممکن نیست. مسلماً چنین کاری احتیاج به تلاش نخواهد رفت. به این اعتبار و در چنین شرایطی جدی، به گفت و گو و جدل و سخت کوشی، به صفت تلاشگران طبقه کارگر برای تشکل سراسری

دیدارها و نشستها و توافق کردنها جدی دارد. دیگر نمیتواند خارج از دایره مراکز کارگری، آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

آنچه امروز مشکل اصلی اشغال در طبقه کارگر مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی و مبارزات آنها

همیت خدا حافظی با یک سنت سیاسی

حلقه اولیه و اصلی در این راه اتحاد رهبران عملی همین مبارزات است و ابعاد این اتفاق و دامنه آن از توافق مبارزاتی آنها و اتحاد آنها در دل این

مبارزات و حول پلاتفرمی مشترک و اهداف تاکتیکی و مبارزاتی آنها تا توافق پایدارتر فعلیان

کمونیست آنها و هم افق شدن شان را شامل میشود.

توافق مبارزاتی چیزی که همین امروز ابزار وسعت دادن به مبارزات موجود و اتحاد مبارزاتی آنها حول مطالبات مشترک و توافق بر سر

چگونگی پیشبرد مبارزات مشترک همین امروز این طبقه است، چیزی که به کرات در میان

بخشاهی مختلف طبقه کارگر پیش آمده است. و

یک بعد دائمی تر هویت دادن به عنوان یک طبقه کارگر

کارگر نمیتواند خارج از دایره مراکز کارگری، بدون تحرك

یافتنی سلوهای کمونیستی و تبدیل شبکه فعلیان

کارگری و سلوهای کمونیستی صنعتی از طبقه کارگر

طیف وسیعی از کارگران کمونیست و رهبران عمکی این طبقه ممکن نیست. تاکید ما به کمیته

های کمونیستی از سر نیاز اتفاقی این طبقه کارگری و آماده کردن خود برای چنین اتفاقی

کارگری بدون اینکه تلاش کنیم افق چنین اتفاقی به عنوان خونی زنده در شاهگ شبكه ها و جمع و

محافل و کمیته های کمونیستی در میان طبقه کارگر و در میان پرولتاریای صنعتی جاری شود،

حقیقت هفتگی به سرددیری فواد عبدالالهی دوشنیه ها منتشر میشود

fuaduk@gmail.com

علیه بیکاری به سرددیری مصطفی اسدیور هر دو هفته یکبار منتشر میشود

Aleye.bikari@gmail.com www.a-bikari.com

نشریه قیمت، نشریه دفتر گردستان هزب، به سرددیری محمد فتاحی منتشر میشود

m.fatahi@gmail.com

از سایتهای زیر دین کنید

www.hekmatist.com

www.hekmat.public-archive.net

www.koorosh-modaresi.com

www.pishvand.com

www.marxhekmatociety.com

کمونیسم حکمت و مسئله زن

ثريا شهابي



خدا را هم دو جنسیتی (bigender) کند و از یک اعلام میکنند که علت و ریشه بیکاری، در جوهر طرف بقا تبعیض جنسی و خشونت علیه زنان در خود نظام است و نه سیاست های نامسئله‌انهاین و مهد پیشروخته ترین دمکراسی هارا هم شاهد مستید آن وزیر دارایی. این خود نظام سرمایه داری است که هنوز بر ابعاد وسیع اجتماعی قربانی میگرد. که وجود گردان بیکاران در ارتش کار، از تناقض پیش روی های زنان در عرصه های مقتضیات سودآوری سرمایه اش است. با استفاده برای قانونی در غرب، مثلث در کشورهایی چون از آن هم رقابت در ارتش کار را برای دستیابی به اسکاندیناوی، با بقاء خشونت علیه زنان و فاصله دستمزد کمتر و کمتر زنده نگاه میدارد و هم مانع دستمزد زنان و مردان و انواع و اقسام تبعیض اتحاد کامل این ارتش علیه خود اش می شود. از های خودبخودی در پیشروخته ترین کشورهای این رو است که همه میدانند که در قلب اشتغال سرمایه داری، را چگونه میتوان توضیح داد. و چه کامل و دوران رشد در نظام سرمایه داری، تبیین و توضیحی در این زمینه وجود دارد. و چرا بیکاری و خطرو ترس از بیکاری همچنان زنده ما اعدا میکنیم که مارکسیسم پاسخ واقعی و زمینی است.

به این تناقض دارد. برای درک پایه ای ریشه ستم این متداولی مارکسیستی، و اولین درس بر زن در دنیای امروز باید از بررسی نمونه های ماتریالیسم دیالکتیک در بررسی پدیده ها است. افراطی زن سنتیزی، چون آنچه که در ایران و هیچ چیز خود به خود به وجود نمی آید و بی دلیل سایر کشورهای فقر زده و مذهب باد و با حاکمیت از بین نمی رود. آن خدایی که بقیه به او برای های مختنق میگردد، فاصله بگیریم تا بتوانیم ریشه توضیح علی پدیده ها را جوییم میکنند، در اختیار این تبعیض را توضیح دهیم.

بنظر من پاسخ به این سوال، کلید طرح حل مسئله بعنوان واقعیات زمینی ببذرین و در خلوت خود رابطه ستم کشی زن با نظام سرمایه داری معاصر و جدان خود را آسوده نگاه دارند. پس باید ریشه است. اینجا است که پاسخ مارکس و حکمت در همه آن پدیده های مختلف شیوه در شرایط مادی و زمینی جستجو کرد که به این یک راستا است و پاسخ سایر رگه های مختلف شیوه در شرایط مادی و زمینی جستجو کرد که به این مارکسیستی و فنیستی چپ، در راستای دیگری. زشتی ها و تبعیضات نیاز دارد، برای آن مطلوب پاسخ مارکس را در مانیفت و پاسخ حکمت رابر است و باید بتوان ضرورت بازتولید آن را از یک دنیای بهتر میتوانید پیدا کنید. اما اجزاء بدھید زاویه مطلوبیت مادی معینی توضیح داد.

پیش از پرداختن به بحث اثباتی خودم در این عده ای از فنیست های سوسیالیست ضد سرمایه این معرفی، به پاسخ های تاریخاً موجودی که بنام پیلسخ داری، میگویند "نظام مردسالار" ریشه این ستم های کمونیستی، فنیستی و چپی موجود است را کشی است. معتقدند که "نظام مردسالار" که ریشه اشاره خواهد شد.

در معرفی این بحث، طبعاً فوکوس من نشان دادن اما اجازه بدھید فعلاً مانیفت و برنامه یک دنیای تفاوت مارکسیسم و کمونیسم ضمن توضیح رابطه فروستی زن در چون مذهبیون، یا لیبرال ها، یا ملیون رنگلنجنگ، و بستر های رسمی کمونیسم در غرب و شرق، یا کسانی که معتقدند که زنان به خاطر "الطف" شروع کنیم. به مفروضات رایج چپ نگاهی بکنیم. جنس "بهتر است قبول کنند که زن و مرد دو جنس گفته میشند که: "بدون رهایی زن، رهایی جامعه با دو نقش مقاومت در خانواده و جامعه هستند، ممکن نیست". هیچ انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نمی رسد!" میزان ازادی زن، معیار فوکوس من روی نشان دادن تفاوت کمونیسم، با میزان ازادی جامعه است. "مسئله زن، مسئله رگه های رایج کمونیسم و مارکسیسمی است که طبقه کارگر است" و با رجوع به مارکس و انگلش انواع و اقسام آن را در اقصی نقاط جهان میتوان در مورد نهاد خانواده بعنوان واحد پایه اقتصادی دید. روش کردن تفاوت ما با همه کسانی است که جامعه سرمایه داری، خانواده "بورژوازی" به نقد از مارکس و انگلش و لینین و روز الوگرامبروک و کشیده میشود، عدم استقلال اقتصادی زن را نقد کولونتای و تجربه شوروی حرف میزنند، نقل قول میکنند، مذهب و فرهنگ و سنت و خانواده و... میآورند، اما قادر به تبیین یک تئوری منسجم در در کشورهایی چون ایران، قانون و ساختار زمینه عل مادی زن سنتیزی در جهان امروز سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، را نقد میکنند و به سوال این است که دلیل مادی وجودی همه این واقع کلمه "نظام" را برای نشان دادن اوج اعفونت نیستند. جریاناتی که قادر نیستند به جدال های درست مورد حمله قرار میدهند اما هیچ کدام به واقعیات و مشاهدات درست، مردسالاری و مذهب پدیده نژاد پرستی و آپارتاید نژادی یا جنسی بکار میروند. از این ترم بعنوان یک اشتباہی رایج در کاربرد این ترم در ادبیت داشتن ریشه مادی در جهان زمینی، وجود خارجی حساب اشتباہی رایج در کاربرد این ترم در دید. زدایی که در کار نیست که پدیده هایی من هم قصد ملانقطی باری ندارم. اما هنگامی که چیست. خدایی که در حققی زنان، سمت و سو بدھند. هدف مارکسیت اند و مارکسیست ها دست میبرند و با علم و اگاهی به آن چپ و کمونیسم یا به مسئله بی حقوقی زن اساساً، شرایط نابودی آنها را فراهم میکنند. مربوط اند، یا دنباله رو نوع معینی از فنیسم اند. از بخشی که با تغذیه از "کمونیسم اردوگاهی"، از این رو در این سمبیار بعلاوه فوکوس روی روسی و چینی، پاسخ به مسئله زن را به بعد از نشان دادن تفاوت و فاصله کمونیسم با آنچه که سوسیالیسم حواله میدهد و عمل آن را مسئله امروز بعنوان بستر رسمی فنیستی میدانند، بگذریم. همینطور هم هست. سعی میکنم از دل روش کردن مهمترین از بخش حاشیه ای که مبارزه علیه تبعیض به زن مشخصه های تفاوت های ما با سایر رگه های در جامعه و خانواده را به دو بخش، "حق زن چپ، فاصله تبیین کمونیستی از فنیستی، بخصوص بورژوا و حق زن کارگر" تقسیم میکنند، هم باید فنیسم این دوران، را هم نشان دهم.

اما بعد از این مقدمه:

در زمینه مسئله زن، کتاب، سخنرانی، و نوشته منطقه خاورمیانه، که زن سنتیزی یک رکن و ایزرا های متعدد از مارکسیست های کلاسیک و نسل ایدنولوژیک آن است، مثل کاربردی که دیروز اول بشویک ها و سوسیالیست ها، وجود دارد. اسلام سیاسی و امروز داعش برای سرمایه جهانی متابعی که هر جریانی به فراخون نیاز خود به آنها دارد، بدون نیاز به هیچ بحث تئوریکی، به خاطر رجوع میکند و از آنها "کد" میآورد. منابع متعدد تجربه زنده سه دهه گشته، عمل از میدان بدر هست، اما سند و تزهای بسیار محدودی از رفته است. اما در مورد سایر بخش های فعل چپ، کلاسیک های مارکسیست در دست است.

سوال پایه ای این است که:

من در سمبیار امروز به دو سند هم که حاوی مگر نمی توان در دل نظام سرمایه داری جامعه تزهای صریح، روش و غیرقابل تفسیری هستند، ای داشت که در آن خانواده سنتی بورژوازی کم رجوع میکنم و آن ها را بعنوان تزهای روش رنگ شود! در آن مذهب کم رنگ شود و از دولت مارکسیستی مبنای استدلال های خود قرار میدهم. جدا شود! حضور زنان در مشاغل بالایی در یکی از این سند ها، متعلق به اوسط قرن نوزده، جامعه، در عرصه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، یعنی "مانیفت کمونیست" نوشته مارکس و به درجه ای تامین و حتی با مردان برابر شود!

انگلش، یعنی بیش از یک قرن و نیم پیش، است و مگر پدیده به حاشیه رانده شدن مردسالاری فلانوی دیگری متعلق به اواخر قرن بیست، یعنی "برنامه و مشروع را، ما امروز در غرب شاهد نیستیم؟ یک دنیای بهتر"، نوشته منصور حکمت است. من چه توضیح مارکسیستی میتواند واقعیت متناقض در نگاهی به این دو سند، سعی میکنم او لا ریشه وضعیت زنان در پیشروخته ترین کشورهای سرمایه وجود پشنهای اندوف دانست و نه انگل مالاریا و که مردسالاری پدیده ای بدوی و فرون وسطایی و شرایط رشد این انگل، با تبعیض علیه زن هم نمی متعلق به عهد عنیق است. همانطور که مذهب و توأم به امید ریشه کن شدن آن تنها با ناقل این انگل سلطنت و مافیای کلیسا و کنیسا و شبکه مساجد و نه خود انگل و شرایط اقتصادی، فرهنگی و هستند.

فروdestی زن در سرمایه داری را توضیح دهد. تناقضی که شما از سیاسی بارزتولید آن، جنگید. یا مثلاً پدیده بیکاری، اینطور نیست که این پدیده های عهد عنیق به این در عین حال نشان دهن که چرا سند دوم که پس از یک طرف دستاوردهای عظیم برای حقوقی زن که همه از سیاستمداران بورژوا تا کسانی که دلیل زنده مانده اند که علم و سطح اگاهی و دانش یک قرن و نیم بعد نوشته شده است، ادامه سند اول و مرد را دارید که حتی به عرصه پذیرفت زنان بودجه تصویب میکنند و بودجه قطع میکنند، ازان بشر هنوز به اندازه کافی رشد نکرده است که مثلاً است و کجای آن درآفوده ای به مانیفت و در بالاترین مشاغل مردانه و الهی چون کشیشی و گله میکنند و برای تخفیف آن سیاست تعیین میکنند. عدم وجود خدا و متعلقات و مشتقات خرافی آن مارکسیسم است.

متنی که میخواهید بر مبنای سمبیاری توبه شده است که تحت عنوان "کمونیسم حکمت و مسئله زن" در جلسه مدرسه حزبی اکتبر، حزب حکمتیست، در تاریخ ۲۰۱۴، توسط من، بعنوان مدرس مدرسه، ارائه شد.

ضمون این سمبیار، با توجه به سوالها و اظهارات نظرهای شرکت کننگان در این جلسه و جلسات سمبیارهای دیگر شرکت کننگان، تکمیل و تدقیق شده است.

مقدمه:

عنوان سمبیار امروز همانطور که گفتم کمونیسم حکمت و مسئله زن است. تحت این عنوان من قصد ندارم نه تاریخ جینش زنان و نه تاریخ تحولات فکری آن، و نه لیست مطالبات برنامه خودمان را در مورد حقوق زنان، مورد بررسی قرار دهم. بررسی هایی که هر کدام بنا به نیاز، کل سیاستهای ارزشمند و لازمی است.

سینار امروز در مورد کمونیسم حکمت و مسئله برنامه یک دنیای بهتر با مانیفت کجا است و چرا زن، معرفی رگه معاصری از کمونیسم و برنامه یک دنیایی بهتر، از زاویه مسئله زن هم مارکسیسم در مورد مسئله زن است. در راستای ادامه مانیفت است. در راستای ادامه مانیفت کمونیستی مارکسیست، این معرفی اگر لازم شد به تاریخ و به تحولات دنیای امروز است، با فاکتورها و مولفه های فکری در این زمینه، و همچنین به مطالبات هم امروز، فاکتورها و مولفه هایی که نه زمان اشاره خواهد شد.

در معرفی این بحث، طبعاً فوکوس من نشان دادن اما اجازه بدھید فعلاً مانیفت و برنامه یک دنیای تفاوت مارکسیسم و کمونیسم نوع ما، با جریاناتی بهتر را کنار بگذاریم. از مفروضات چپ و چون مذهبیون، یا لیبرال ها، یا ملیون رنگلنجنگ، و بستر های رسمی کمونیسم در غرب و شرق، یا کسانی که معتقدند که زنان به خاطر "الطف" شروع کنیم. به مفروضات رایج چپ نگاهی بکنیم. جنس "بهتر است قبول کنند که زن و مرد دو جنس گفته میشند که: "بدون رهایی زن، رهایی جامعه با دو نقش مقاومت در خانواده و جامعه هستند، ممکن نیست". هیچ انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نمی رسد!" میزان ازادی زن، معیار

فوکوس من روی نشان دادن تفاوت کمونیسم، با میزان ازادی جامعه است. "مسئله زن، مسئله رگه های رایج کمونیسم و مارکسیسمی است که طبقه کارگر است" و با رجوع به مارکس و انگلش

انواع و اقسام آن را در اقصی نقاط جهان میتوان در مورد نهاد خانواده بعنوان واحد پایه اقتصادی دید. روش کردن تفاوت ما با همه کسانی است که جامعه سرمایه داری، خانواده "بورژوازی" به نقد از مارکس و انگلش و لینین و روز الوگرامبروک و کشیده میشود، عدم استقلال اقتصادی زن را نقد کولونتای و تجربه شوروی حرف میزنند، نقل قول میکنند، مذهب و فرهنگ و سنت و خانواده و...

میآورند، اما قادر به تبیین یک تئوری منسجم در در کشورهایی چون ایران، قانون و ساختار زمینه عل مادی وجودی همه این واقع کلمه "نظام" را برای نشان دادن اوج اعفونت نیستند. جریاناتی که قادر نیستند به جدال های درست مورد حمله قرار میدهند اما هیچ کدام به

امروز، به جدال های قرن بیست و دو، بر ریشه نمی زند. علیرغم اینکه ادعا میکنند که سر بی حقوقی زنان، سمت و سو بدھند. هدف مارکسیت اند و مارکسیست ها دست میبرند و با علم و اگاهی به آن چپ و کمونیسم یا به مسئله بی حقوقی زن اساساً، شرایط نابودی آنها را فراهم میکنند.

مربط اند، یا دنباله رو نوع معینی از فنیسم اند. از بخشی که با تغذیه از "کمونیسم اردوگاهی"، از این رو در این سمبیار بعلاوه فوکوس روی روسی و چینی، را بعد از این مقدمه:

در زمینه مسئله زن، کتاب، سخنرانی، و نوشته منطقه خاورمیانه، که زن سنتیزی یک رکن و ایزرا های متعدد از مارکسیست های کلاسیک و نسل ایدنولوژیک آن است، مثل کاربردی که دیروز اول بشویک ها و سوسیالیست ها، وجود دارد. اسلام سیاسی و امروز داعش برای سرمایه جهانی متابعی که هر جریانی به فراخون نیاز خود به آنها دارد، بدون نیاز به هیچ بحث تئوریکی، به خاطر رجوع میکند و از آنها "کد" میآورد. منابع متعدد تجربه زنده سه دهه گشته، عمل از میدان بدر هست، اما سند و تزهای بسیار محدودی از رفته است. اما در مورد سایر بخش های فعل چپ، کلاسیک های مارکسیست در دست است.

سوال پایه ای این است که:

من در سمبیار امروز به دو سند هم که حاوی مگر نمی توان در دل نظام سرمایه داری جامعه تزهای صریح، روش و غیرقابل تفسیری هستند، ای داشت که در آن خانواده سنتی بورژوازی کم رجوع میکنم و آن ها را بعنوان تزهای روش رنگ شود! در آن مذهب کم رنگ شود و از دولت مارکسیستی مبنای استدلال های خود قرار میدهم. جدا شود! حضور زنان در مشاغل بالایی در یکی از این سند ها، متعلق به اوسط قرن نوزده، جامعه، در عرصه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، یعنی "مانیفت کمونیست" نوشته مارکس و به درجه ای تامین و حتی با مردان برابر شود!

انگلش، یعنی بیش از یک قرن و نیم پیش، است و مگر پدیده به حاشیه رانده شدن مردسالاری فلانوی دیگری متعلق به اواخر قرن بیست، یعنی "برنامه و مشروع را، ما امروز در غرب شاهد نیستیم؟ یک دنیای بهتر"، نوشته منصور حکمت است. من چه توضیح مارکسیستی میتواند واقعیت متناقض در نگاهی به این دو سند، سعی میکنم او لا ریشه وضعیت زنان در پیشروخته ترین کشورهای سرمایه وجود پشنهای اندوف دانست و نه انگل مالاریا و که مردسالاری پدیده ای بدوی و فرون وسطایی و شرایط رشد این انگل، با تبعیض علیه زن هم نمی متعلق به عهد عنیق است. همانطور که مذهب و توأم به امید ریشه کن شدن آن تنها با ناقل این انگل سلطنت و مافیای کلیسا و کنیسا و شبکه مساجد و نه خود انگل و شرایط اقتصادی، فرهنگی و هستند.

فرودستی زن در سرمایه داری را توضیح دهد. تناقضی که شما از سیاسی بارزتولید آن، جنگید. یا مثلاً پدیده بیکاری، اینطور نیست که این پدیده های عهد عنیق به این در عین حال نشان دهن که چرا سند دوم که پس از یک طرف دستاوردهای عظیم برای حقوقی زن که همه از سیاستمداران بورژوا تا کسانی که دلیل زنده مانده اند که علم و سطح اگاهی و دانش یک قرن و نیم بعد نوشته شده است، ادامه سند اول و مرد را دارید که حتی به عرصه پذیرفت زنان بودجه تصویب میکنند و بودجه قطع میکنند، ازان بشر هنوز به اندازه کافی رشد نکرده است که مثلاً

است و کجای آن درآفوده ای به مانیفت و در بالاترین مشاغل مردانه و الهی چون کشیشی و گله میکنند و برای تخفیف آن سیاست تعیین میکنند. عدم وجود خدا و متعلقات

کمونیسم حکمت و مسئله ...

نه فقط زن، کارگر و انسان را هم نمی خواهیم آثار عتیق قرون وسطایی که مورد تعریض قرار ایزار تولید باشد. مشخصاً وقتی مانیفست از گرفته و میگیرد، کماکان ادامه حیات میدهد و میشود جوانب بیشتر سایر ادراکات را باز کرد.

سوال این بود که کجا مانیفست، در عرصه حقوق زنان، به برنامه یک دنیای بهتر وصل میشود. در را ثابت کند. از روزی که گالیل نظریه کوپرنیک نتیجه اجرازه بدھید که تکه ای از مانیفست را را تایید کرد و دستگاه مذهب در مقابل اش صفت برایتان بخوانم. من به مانیفست رجوع میکنم، بست، بنیاد ایدئولوژیک همه خرافات مذهبی و بعنوان مهمترین سند. چرا که شما میتوانید از لین، حواشی آن چون سلطنت و زن ستیزی دود شد و که رزوالکرامپورگ گفته خلی سرزنان صحبت کرده است، کد بیاورید. از کلونتای از بوخارین از هوا رفت.

اما از اینکه ریشه تعییض به زن به عهد عتیق و تزوتسکی میتوانید سر خانواده کد بیاورید. اما سند اعتقادات خرافی و نادانی بشر برمیگردد، نمی فقط مانیفست است. تمام کتاب هایی که پشت اش توان نتیجه گرفت که امروز بی دلیل زنده است و است، مثل وضع طبقه کارگر انگلستان و مشا بهقاء اش ربطی به مقتضیات جهان معاصر و مدرن خانواده، به مانیفست بعنوان سند کیفرخواست ندارد. چنین تبینی دلخواهی و ذهنی است. سوال کمونیستی میرسد. از این رو من مانیفست را مینمی این است که چرا این ستم قرون وسطایی مانده است میگیرم که قابل تفسیر نیست. مانیفست در فصل کن نمی شود. این طیف از فمنیست های رادیکال "مانیفست حزب کمونیست - فصل دوم - پرولترها کن نمی شود. این طیف از فمنیست های رادیکال

اما، در پاسخ یا باید گریبان فرنگ و سنت را و کمونیستها بگیرند یا نوع مدیریت حکومت ها و یا جنسیت و اما الغاء خانواده! حتی افراطی ترین رادیکالها مردان! که بخش های مختلف آنها به همین نتایج نیز از این قصد پلید کمونیستها به خشم درمیآیند.

خانواده کنونی بورژوازی بر چه اساسی استوار میشند. اینها در پاسخ به تناظری که من در مورد بقا است؟ بر اساس سرمایه و مداخل خصوصی.

تبغیض به زن در جوامع پیشرفته سرمایه داری خانواده بصورت تمام و کمال تنها برای بورژوازی گفتم، با تئوری "نظام مردسالار ریشه زن ستیزی وجود دارد و بی خانمانی اجباری پرولترها و است"، چند پاسخ محدود بیشتر ندارند. مقص نه فحشاء عمومی مکمل آن است.

سیاست های دست راستی این و آن دولت و منافع سرمایه توأم است. مردان، بعنوان یک صنف در مقابل زنان، است! ما را سرزنش میکنید که میخواهیم به استثمار از این رو سرمایه داری را از زیر نیغ و نقد والدین از اطفال خود خانمه دهیم؟ ما به این جنایت کمونیستی بیرون میکشند. از آن رفع اتهام میکنیم. اعتراف میکنیم.

به آن توه مارکسیست ها و کمونیست ها مدافعان را از رفرم و ولی شما میگویید که وقتی ما بجای تربیت خانگی تحفیف میزان تعییض به زن، آنهم طبعاً بسته به تربیت اجتماعی را برقرار میسازیم، گرامیترین شرایط فرنگی و سوادی و مذهبی و منافع مالی و مناسباتی را که برای انسان وجود دارد از میان نازل داشت و سواد و فرنگ و مذهب مردم، مکمل خود از بین میروند و زوال هر دو با زوال سیاست های دست راستی این و آن دولت و منافع سرمایه توأم است.

مردان، بعنوان یک صنف در مقابل زنان، است! ما را سرزنش میکنید که میخواهیم به استثمار از این رو سرمایه داری را از زیر نیغ و نقد والدین از اطفال خود خانمه دهیم؟ ما به این جنایت کمونیستی بیرون میکشند. از آن رفع اتهام میکنیم. اعتراف میکنیم.

که مارکسیست ها و کمونیست ها مدافعان را از رفرم و ولی شما میگویید که وقتی ما بجای تربیت خانگی طور است برای سالمند یک طور و برای "آدم" که امروز اینظور دارد لجن میپردازند و جنایت میکنند، نفرت دارد. مهم نیست که دلش به درد میلید علیل" یک طور دیگر است.

در مورد مسئله زن، برنامه یک دنیای بهتر یا نمی آید. مهم این است که این شرایط، بخشی از آن میگوید: جامعه را، بخشی از نیروی تولید را، بخشی از آن را بازتولید میکند. جامعه را، بخشی از آن را بازتولید میکند. روشن است میریم.

که مارکسیست ها و کمونیست ها مدافعان را از زنان هستند و نیست؟ مگر تعیین کننده این پرورش آن مناسبات رفم واقعی به نفع رفع تعییض از زنان هستند و نیست؟ مگر تعیین کننده این پرورش آن مناسبات باید در صفت مقدم مبارزه برای آن باشند، اما اجتماعی که در درون آن به کار پرورش مشغولید انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یکرکن از این سود میرسد. در نتیجه بورژوازی که در تعریض و طبلکاری سوسیال فمنیست ها که گویا و نیز دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم جامعه از آن حرف میزنند، و آنها از مارکسیست ها در عرصه نظری و مبارزه طریق مدرسه و مبارزه طریق مدرسه و غیره نیست؟ کمونیستها تأثیر برای ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه میگوید که زن برایش ایزار تولید است و میخواهد در افکار کهنه و میراث فکری و فرنگی نظام همچنان آن را بعنوان ایزار تولید نگاه دارد، و ما نزد، کاملاً نابجا و وارونه است. سوسیال تناهی خصلت آن را تغییر میدهد و کار پرورش را فمنیست هایی که این رگه تئوریکی در مورد ریشه از زیر تأثیر نفوذ طبقه حاکمه بیرون میکشند.

ستم کشی زن را نماینگی میکارند، علیرغم ظاهر هر اندازه که در سایه رشد صنایع بزرگ پیوندهای رادیکال و چپ، بورژوا لیرالهایی اند که خواهان خانوادگی در محیط پرولتراریا بیشتر از هم میگسلند و جامعه عادلانه تر سرمایه داری هستند. جامعه و هر اندازه که کوکان بیشتر به کالای ساده و عادلانه اتوپیک سرمایه داری که در آن زن و مرد افزار کار مبدل میگردد، به همان اندازه از نظر حقوقی کاملاً برابرند و دولت امکانات و یاوه سرمایی های بورژوازی درباره خانواده و ایزار حمایتی لازم در مقابل خشونت علیه زنان، پرورش و روابط محبت آمیز والدین و اطفال بیشتر که لابد پدیده ای حاصل جبر تاریخ است یا مواراء ایجاد نفرت میکند.

در آن زن از نظر حقوقی کاملاً و در همه سطوح بورژوازن خود را نهادن یک افزارهای تولید باید مردم بهره نهادن که افزارهای حمایتی و وی میشنود که افزارهای تولید باید مردم بهره نهادن که افزارهای همگانی قرار گیرند لذا بدبیهی است که میکند تا زن ستیزی را محدود کنند. اما در این نمیتواند طور دیگری فکر کند جز اینکه همان جامعه اتوپیک آنها به محض اینکه اهرم های سرنوشت شامل زنان نیز خواهد شد.

وی حتی نمیتواند حدس بزند که اتفاقاً صحبت بر سر آن است که این وضع زنان، یعنی صرف ایزار تولید بودن آنان، باید مرتفع گردد!

عملی و بدون اینکه رسم اعلام کنند معقند که مردسالاری با نظام سرمایه داری است! اضافه و مارکس و انگلستان ناخوانا است! اضافه و مارکس در مانیفست رسمانه نهادن از زن زایده ای بر آن است. فرمول ظاهرا رادیکال که از انسان و کوک، در سرمایه داری، بعنوان افراطی است اما در واقع جریان یا نقد راستی است ایزار تولید اسم می برند و می گویند که این ها که به بورژوازی و نظام سرمایه داری بخصوص ایزار تولید اند. ما اینجا تئوری های زیادی در مردن بیست و یک شرکت و رفاقت و کشمکش درونی در اردوی زن یک پدیده است. البته مجرب تر، مجہز تر، و میگویند. جامعه اتوپیک آنها سرمایه داری است که اینکه اینکه این ها نماد هی هستند و به تدریج در حال زوال نظراتی دولت و سازمانهای زنان با قدرت کار برداری همگانی قرار گیرند لذا بدبیهی است که میکند تا زن ستیزی را محدود کنند. اما در این نمیتواند طور دیگری فکر کند جز اینکه همان جامعه اتوپیک آنها به محض اینکه اهرم های سرنوشت شامل زنان نیز خواهد شد.

حایی اتوپیک آنها به هر دلیل تضعیف شود ابعاد تعییض علیه زن به نقطه اول باز میگردد!

زنده باد انقلاب کارگری

کوینیسم حکمت و مسئله ...

حکمت در مورد تبعیض علیه زن در جهان متمدن آن جلوه ای که در مدرسه نمی گذارند دختری آنها را بدهد، نمی تواند عکس هنرپیشه مرد در کیف داشته باشد، تا جملی تواند مرخصی قاعده‌گی زنان را بدهد، نمی تواند صفت کارکنان، در صفت طبقه کارگر سود میبرد و که سر دختر بچه ها و زنان میکنند، شما میتوانید مرخصی نگهداری از کودکان را بدهد، نمی تواند شود و بتواند فردا باز برود سرکار. کار در زنده نگاه داشتن این شکاف جنسی در این روز از میراث ۱۶ سال و آماده به سرمایه داری کالا و طبقه کارگر برای سرمایه حیاتی است. اینجا است که استفاده از مذهب و نیست که آنکه سرش حجاب میکنند زن کارگر کار بیمه بیکاری بدهد، چرا که ورشکسته میشود، چیزی جز ابزار تولید نیست. کار، یعنی رقم و خرافه و مردسالاری در جامعه و در خانواده، است یا نه، کل این شرایطی که زن در آن شهروند به بیان ما نرخ سود آورش تنزل میکند. جواب این‌رژی آدمی که در پیروزه تولید توسط سرمایه سنت و فرهنگ عشیره ای و فنون فروش و درجه دو است، این مناسبات را کمونیست ها این بود که خوب و رشکست شود! ما مصرف شده است، باید باز تولید شود. خود آنهم هم وسطایی، و زنده نگاه داشتن آن به یکی از کالا را یعنی این‌رژی فیزیکی و فکری را مازومات حفظ و گسترش سوداواری سرمایه تبدیل دارد، باید باز تولید شود که چرخه تولید سرمایه به شده است. برای نهاد و مافیای مذهب و سلطنت بخش محروم تر کارکنان، باید در چنین موقعیتی میگوید که میخواهیم سوسیالیستی اش بکنم. آن شکلی که میخواهند بچرخد! درک این خلی را زنده نگاه داشتن آن به فرمان خوب شما ساده است. به فرمان خامنه ای در لزوم رشد داده و امروز از آن به خوبی استفاده میبرد. جمعیت و فرستادن زنان به خانه برای تولید مثل، کاری که کمونیست ها میکنند، و در زمان معاصر را، به اصطلاح برابر داشته باشید و بگویید که فقط از این زاویه باید خواند. نگاه عمیقی بکنید. خودش میگوید که در این کمونیسم حکمت میکند، این است که همان حرفي و بلبشوی هولناک بیکاری نیروی کار بیشتر و حوان نقدی را که مارکس در مانیست میکند، میاورد باشند تا سرمایه سود ببرد. و سرمایه این شرایطرا میخواهیم بگوییم کل مطالبات ما در زمینه حقوق باز تولید میکند. این مناسباتی که در آن یک بخشی که مدیر و مشاور مدیر سرمایه نیستم. اتفاقاً بگذر که آن کالا را یعنی این‌رژی فیزیکی و فکری را مازومات حفظ و گسترش سوداواری سرمایه تبدیل باشند تا سرمایه سود ببرد. و سرمایه این شرایطرا میخواهیم بگوییم کل مطالبات ما در زمینه حقوق ساده است. به فرمان خامنه ای در لزوم رشد داده و امروز از آن به خوبی استفاده میبرد.

جمعیت و فرستادن زنان به خانه برای تولید مثل، کاری که کمونیست ها میکنند، و در زمان معاصر را، به اصطلاح برابر داشته باشید و بگویید که فقط از این زاویه باید خواند. نگاه عمیقی بکنید. خودش میگوید که در این کمونیسم حکمت میکند، این است که همان حرفي و بلبشوی هولناک بیکاری نیروی کار بیشتر و حوان نقدی را که مارکس در مانیست میکند، میاورد باشند تا سرمایه سود ببرد. و سرمایه این شرایطرا میخواهیم بگوییم کل مطالبات ما در زمینه حقوق باز تولید میکند. این مناسباتی که در آن یک بخشی که مدیر و مشاور مدیر سرمایه نیستم. اتفاقاً بگذر کار باید هر روز زنده بماند و تولید مثل میگوید که آن میراث گذشته را دیگر بورژوازی بگذرد که فردا برود سرکار و جمعیت کارگری باشد صیقل داده است. میگوید میراث عهد بربریت بوده که تولید بکند. شما اگر بورژوازی را کنار یا هرچه بوده، امروز جزء مقتضیات و نیازهایی بگذرد، اتفاقی نمی افتد. عده ای میروند و کار است که سرمایه از آن استفاده میکند. استفاده منسجمی را از سی سال قبل، در مورد ریشه نمی شود. با این‌تلوزی درگیر نمی شود. با دستگاه میکنند و کالا تولید میشود. اما طبقه کارگر باید سیاسی و اقتصادی میبرد. همان سرمایه و همان امروز ستم کشی زن، بدست داده است. امروز قضایی درگیر نمی شود. در صورتیکه شما اگر وجود داشته باشد. همه روزمر و بیست و صنعتی که "ای پد" و "ای فن" و ماهواره تولید چهار ساعته وجود داشته باشد و نسل های بعدی آن میکند، و موشک میفرستند هوا، به این نابرابری تولید شود و به بازار کار روانه شوند. شما میتوانید احتیاج دارد. نیروی کار ارزان تولید و باز تولید ابزار تولید در کارخانه را بخوابانید و خاموش کنید میشود. و کاری که کمونیست ها میکنند این است و فردا آن را روشن کنید. با نیروی کار نمی توانید که در دل همین جامعه سرمایه داری در مقابل این این کار را بکنید. سرمایه دار موظف است ماشین پروسه باشند. همان طور که در مورد مطالبات میدانستند. آلات را تعمیر و نگاهداری کند و برای آن پول کارگری سعی میکنند که کارگر را از یک ابزار خرج کند. اما برای نیروی کار که نه تنها بیش از تولید بی زبان، از یک ابزار تولید بی دفاع، تبدیل هر ابزار کاری تولید میکند که ارزش اضافه هم به یک طبقه کارگری بکنند که متشكل است، متعدد تولید میکند، به جای اینکه برای باز تولید آن خرج است و حرف میزند و فشار میاورد، دعوا میکند، کند، آن را می اندازد گردن خودش. ستمزدش را اضافه میکند، مرخصی اش را سرمایه برای باز تولید این کالا، یعنی نیروی کار، اضافه میکند، و سعی میکند که هرچه بیشتر از همیشه بدبان شرایط ارزان تری است. مارکسیسم خدمات و محصولات تولید شده خودش به خودش میگوید که در سرمایه داری کار، کلا است. تبدیل برگردد، چه به شکل دستمزد و چه به شکل خدمت موجود نباشد، فردا آن مناسبات بخشی از طبقه خانواده، علیه خشونت به زن و علیه همه این ها به کالا میشود. از امر شرکت داوطلبانه شما بر اجتماعی، بهداشت برای بچه اش و خودش و کارگر را بورژوا میکند! مناسباتی که در آن یک نجنگید. چون حفظ آن مناسبات توسط این ابزار تولید اجتماعی، تبدیل به یک کالایی میشود که شما خانواده اش و همه این ها، در مورد مسنه زن هم طرف را در موقیتی قرار میدهد که هیچ چیزی صورت میگیرد. نپرداختن به این ابزار ها و خلع هر روز باید بروید در بازار آن را بفروشید و با همینطور است. باید سعی بکند که هرچه بیشتر ندارد جز نیروی کارش، که باید آن را برای زنده سلاح نکردن بورژوازی، کمونیست ها را تبدیل به یول فروش آن بتوانید غذا و سرپنه تان را تامین راه این سوءاستفاده و ارزان تمام کردن نیروی کنید که بتوانید خودتان را زنده نگاه دارید (نیروی کار، را بگیرد. و آن این است که بیشترین حمایت تان را باز تولید کنید) که فردا باز سرکار بروید. را برای زنان در محیط کار، در فواینین کار، هیچ کاری نمی کند فقط نصاحب میکند. این روی زمین نیست. باز فردا همین کار را بکنید. نیروی کار برای بخواهید و از طرف دیگر جنگ تان باروبا، یکی مناسبات را شما باید عوض بکنید. و برای اینکه من سعی کردم که این پیوستگی را نشان دهم، که اینکه باز تولید شود باید بخورد، مداوا و نظافت از جنگ های اصلی تان است. روینایی که بعنوان این مناسبات را عوض کنید، باید مبارزه را کنید، باید مبارزه تان در وقته جنگی را نیز است، این داشته باشد و بچه اش نگهداری شود. و چه چیزی ابزار سیاسی حفظ زیربنایی که به آن اشاره کردم، خود جامعه سرمایه داری شود. و چه چیزی ابزار سیاسی حفظ سیاست بورژوازی است، یکی از اصلاحاتی که میتوانید، صورت بدھید. برای اینکه مستقل از اینکه چه برس این احزاب کمونیسم گردن نیمه ای از خود طبقه کارگر، نیمه ای از مهمترین عرصه جدال طبقه کارگر است. از مذهب حجاب را بزندید کنار، برای اینکه حقوق مادران کارگری آمده است، در این عرصه هم باید خود خود طبقه کارگر، که زن است. بیندازد گردن نیمه و قانون و فرهنگ و ایندولوژی و مردسالاری، تا تامین شود، برای اینکه علیه مذهب، حکمت را خواند و از این زاویه دید که چطور از خود طبقه کارگر که مفت و مجانی بشورد و ساختار سیاسی و اجتماعی که فروضی زن را تا آنجایی که به مسنه زن بر میگردد، علیه بی ادامه مارکس است و برناهه یک دنیای بهتر، ادامه بپزد و تولید مثل کند، با دستمزد یک نفر! هروقت توجیه و جاری میکند. حقوقی های قانونی و عملی که گریبان زنان را مانیفست است. مانیفست کمونیستی علیه سرمایه احتیاج داری، از خانه بکشی اش بپرون. زمان میخواستم این را بگویم که این تر اصلی کمونیسم گرفته است، باید بجنگید. در نتیجه میخواهیم بگوییم داری قرن بیست و بیست یک است. در فرستی جنگ دوم احتیاج داشتند. مردها رفته بودند جنگ و حکمت است که ریشه ستم کشی زن، یک جمله که حتماً باید مطالبات ما در عرصه حقوق زنان را حفظ کنند و آن را از خانه بپرون کشیدند و آورند تنوی است، اما وقتی شما بروید و بحث سقط جنین و بخواهید و از این زاویه بخواهید. چرا که بحث تولید. وقتی احتیاج دارد، کوک اش را هم میاورد مصاحبه هایی که در مورد مطالبات یک دنیای های، پرولیماتیک، خلی مفصلی حول همه این بیرون تنوی بازار کار. وقتی هم میاورد در بازار بهتر، بخش مربوط به مطالبات مربوط به زنان را مطالبات وجود داشته است. طرف مقابله تان، کار با دستمزد و حقوق کمتر میاورد. بخوانید، می بینید که این تر تنوی آن قوی است که بسیاری از چپ های سنتی، میگفتند که این این تمام نمای مادی است که پشت تر از کوچکترین بارقه های نابرابری زن و مرد از مطالبات آرزو است چرا که کارفرما نمی تواند

آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و افتراق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف (زندگی انسانی)، آزادی در شکوفائی فلسفیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برابر دارای امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیانه حقوق بجهانشمول انسان - مصوب دزب حکمتیست

اسلامی هم نیست و اسلام بری از این چیز بژیک جنگ کروه های تروریست اسلامی با تمن هاست، چه خفته است؟ فکر کنند و ببینند و نهادهای زوار در رفته ای است که پلیس مفکوک اروپا می دولتمردان بورژوازی غرب و امریکا و شیوخ ها با هم است. در یک طرف تروریسم سازمانیه شان در خاورمیانه چه خوابی برای مردم بیده دولتی از پنتاگون و ناتو و تل اوپو و شیوخ عرب و اند؟

ایا حکام بورژوازی غرب و امریکا و نهادهای زوار در رفته ای است که پلیس مفکوک اروپا می امنیتی شان با این هیاهوی ضد تروریستی و هو خواهد از آنها غولهایی که "خونسرد اند" و و ضایی پلیسی که حاکم کرده اند، هدف پلید "اموزش دیده اند" و "خوبی مجهزند" به مردم محدود کردن آزادیهای سیاسی و اجتماعی را بفروشد. تروریستهایی که روی مبل خانه شان دنبال نمی کنند؟ نمی خواهند به بیانه دیو اسلحه نگه می دارند و کارت شناسایی شان را در تروریسم خود ساخته شان، مردم را ساخت و ماشین جا می گذارند، گویا خلی زیده اند! پس مرعوب نگه داشته و خر خود را برانند؟ مردم بترسید!

مگر استوندن و جولین آسائز کاری بیشتر از یک تروریستهایی که خودشان اعتراف می کنند از پیش خبرنگاری و اطلاع رسانی به مردم انجام دادند آنها راشناخته اند و تحرکشان را زیر نظر داشته که اکنون مورد تعقیب دولت امریکا هستند؟ اند مثل بژیک، اما رامیوهای پلیس از جمله در مگر همین مجله شارل ابدول را بارها به بیانه پاریس با دیدن تنفس فکسی تروریستها، ماشین توہین به کلیسا و پاپ به دانگاه نکشانند و شان را تا کوچه بعدی عقب عقب می برد و

توہین به کلیسا و پاپ به دانگاه نکشانند و شان را تا کوچه بعدی عقب عقب می برد و

خواستند دریش را تخته کنند؟ مگر موسد اسرایل مخفی می شوند.

کم تر از اسلامی ها دشمن شارل ابدول بود که اسرایل را در جنگ غزه نقد و کاریکاتور کرد؟ چه شده حالا zia، موسد و کلیسا طرفدار آزادی همین محله را که به نامی دیگر کار می کرد بگیرند. باید منتظر بود فردا روز اعتصاب بخار انتقاد طنزآمیز و کاریکاتور کردن شارل کارگران پاریس را تحت این عنوان که محركشان سلفی ها و داعش است سرکوب کنند. مگر دوگل در دوره ریاست جمهوری او بستند که بعدا جمهوری اسلامی رهبر سنديکای شرکت واحد را به نام کنونی فعالیتش را دوباره آغاز کرد. مگر به داشتن اسلحه متمهم نکرد! شک نکنیم که فردا خبرنگار امریکایی که در ارتش آزاد سوریه مشغول کار بود را همین ارتض خودشانه روز این اتفاق می افتد اگر ما دروغ شان را باور امریکایی تحويل داعش نداد که سرش را ببریدند. چرا که او منتقد دولت امریکا بود و میخواستند از شرخ خلاص شوند. ده ها و صدها سوال دیگر از این دست هست که نشان می دهند این آفایان و روایی دولتهای حافظ دمکراسی چه بر سر آزادی و آزادیخواهی افرعی آورده اند.

مردم جهان، بجای مرعوب شدن در جو و ضایی پلیسی و مانورهای سربازان ارتش در خیابانهای پاریس و بژیک، نباید این ریکاری را باور کنند. باید به هر حرکت و سیاستشان شکر کرد!

مردم باید با چشمان باز نگاه کنند و ببینند و خود خود در اطراف هم جناح های راست تر بورژوازی در انداده اند، جنگ تمند علیه توحش است؟ جنگ چون حزب لوپن و فاشیستها و راسیستهای اروپایی گامی به جلو رانده می شوند تا خطر مسلمان هارا تروریست ها را بخطی به اسلام ندارند و اسلام دین خشونت نیست!

پرسند این جنگ جهانی که چند دهه است راه انداده اند، جنگ تمند علیه توحش است؟ جنگ چون حزب لوپن و فاشیستها و راسیستهای اروپایی گامی به جلو رانده می شوند تا خطر مسلمان هارا در بوق کنند.

اگر قرار است ریشه تروریسم کنده شود باید سلفی های حکام بر قطر و عربستان... را بزیر کشید

که پشت تروریست های اسلامی ایستاده، آنها را این جنگ دو طرف دارد و هر دو از همیگر سازمان داده و به ماموریت های تروریستی می تغذیه می کنند و به همیگر سهم می رسانند. فرستند و در ظاهر هم لباس اسلام میانه رو بر تن دیروز بن قازی را که یک مرکز بزرگ صدور کرده که گویا اسلام دین حشونت نیست و اسلام نفت لیبی است، تحويل اسلامیون طرفدار خود میانه رو اسلام واقعی است!

بورژوازی ریکار غرب با کشتن ۴ تروریست مسخ شده و مامور شیخ های عرب، می خواهد همان شیوخ عربستان و قطر و النصره و جمهوری اسلامی را بعنوان اسلام میانه رو تطهیر کند و چهره کریه اسلامی شان را با نقاب میانه رو از گویند از بانکهای موصول پول ببره اند! گویا یک بانک و روشکسته دولت عراق اینقدر دلار داشته که از عهد داعش بر می آید جمهوری اسلامی است!

مخارج چند میلیاردی ده ها هزار مسلح داعش و چه شد جمهوری اسلامی که محور شر و شرارت مهمات و تجهیزات لجستیکی و بودجه ای پرداخت حقوق های کلان به جنگجوهایش و تامین دارویی مجازی و مکهای مالی به مردم تحت سلطه ای خود را تامین کرده است. کسی باید این را باور کند!

کسی هست به این آفایان بگوید، شما که در واشنگتن می نشینید و نمایش مسخره شکار بن لادن در پاکستان را مثل یک بازی کامپیوتری نگه دیگر کار داشتند، نتوانستند حرکت هواپیماهای آنقدر می نازدید، نتوانستند حرکت هواپیماهای و عده ای دمکراسی غربی پنتاگون این نیست که باربری نظامی و کامپیونهای حمل و نقل تسليحت و تجهیزات و تدارکات شیخ عربستان و قطر برای بجای دولت اسلامی شام و عراق یک نوع اسلام میانه رو را از دل این جریان بیرون می کشد و در دمشق و بغداد در قدرت شریک می کند. اینها آسمان شناسایی و فیلم برداری می کنند و به مردم ژئوگرافی سیسی را به نام مردم سر کار آورند و نشان می دهید نمی توانید حمل و نقل نظامی و تدارکاتی و تحرکات نیروهای مسلح داعش از شهرهای ترکیه و در مرز ترکیه به سوریه را شناسایی و بمردم بگویید!

این جنایتکاران آشکارا به مردم دنیا دروغ می گویند. جنگ در عراق و لیبی و سوریه و پاریس و نمیشود تروریسم اسلامی را به تنهایی زد و از بین برد ولی تروریسم دولتی امریکا و اسرایل و انگلیس و حامیانشان سرجای خود بمانند. این دو



جنگ تروریست ها!

مصطفی محمدی

بورژوازی فاسد و ریاکار بین المللی در راس آنها امریکا و ناتو می خواهند این دروغ را به مردم جهان بفروشنند که کشتار کاریکاتوریست های مجله ای شارلی هبدو، جنگ تروریسم و آزادی بیان و جنگ اسلحه و قلم است. این یک دروغ بزرگ است. دفاع شیوخ سلفی عربستان و قطر و داعش از پیغمبر اسلام بهمان اندازه بهانه و ابزار تحکیم پایه های قدرت و ثروتمند است که طرفداری و دلسوزی سران دول امریکا، اروپا، اسرایل، ترکیه و... از آزادی بیان!

جنگی که از مدتها پیش شروع شده جنگ ریس حزب عدالت و توسعه و دولت ترکیه، تا کنون علاوه بر ویرانی و نابودی دارایی ها و اسرایل و کار و زندگی مردم، تاکنون حدود یک میلیون انسان را به کشتند داده اند.

از هر طرف دارد. ظاهر داستان این است که چند عامل سلفی یا داعش، در پاریس ترور انجام دادند و خون تعدادی از بهترین و شریف ترین انسان های این دوره به زمین ریخته شد. اما این فقط یک طرف داستان و جنایت است. طرف دیگر تروریسم اسلامی تغییر دهن.

بیاد بیاورید و ببینید: - بر سر مردم هیروشیما و ناکازاکی بمیت اتم ترکش هایش به پاریس و بژیک و دیگر ریختند و کور کور مردم را کشتند و سوزانند کشورهای اروپایی می رسد. که هنوز هم عوارضش را کوکانی که به دنیا می آیند به ارت می برند.

- در ویتنام کشتار میلیونی کردند. در دفاع از عراق و سوریه، جنگ توخش و ضعیف تر تروریسم این دوره در مقابل کمونیسم حتی به درختان و های شمال افریقا" یا "مهاجرین عقبمانده و ایمن دوره به زمین ریخته شد. اما درولز یا بورژوازی غرب و امریکا و دیگر مرتعین سر تصرف مناطق و منابع و تقسیم قدرت و جابجایی نیروهای خودی و غیرخودی!! جنگ و کشتار و توحشی که پایانی ندارد. جنگی که تنها

دینیا باید ببیند و قضاوت کند که اکنون در لبی،

ماجرا و انفاقا طرف و گوشه ضعیف تر تروریسم این دوره در مقابل کمونیسم از "مهاجرین عقبمانده و ایمن دوره به زمین ریخته شد. اما درولز یا بورژوازی ای شان است.

بیاد بیاورید و ببینید: - در این دوره به زمین ریختند و سوزانند کشورهای اروپایی می رسد. که هنوز هم عوارضش را کوکانی که به دنیا می آیند به ارت می برند.

- در این دوره به زمین ریختند و سوزانند کشورهای اروپای شرقی بنام پایان کمونیسم و استقرار دمکراسی، جنگ و پاکسازی قومی راه انداختند.

مردمانی که تا دیروز در یک کشور واحد در کنار بوش و دیک چنی و رامسفلد و ناتانیاهو! اگر روزی یک دانگاه بین المللی برگزار شود، در کنار ایوبکر بغضی ای می زیستند را به نام صرب و مسلمان و کروات و ... به جان هم انداختند.

- بیش از دو دهه است مردم فلسطین را به جرم دفاع از خانه و کاشانه و زندگی شان کشتار جمعی می کنند. چرا که میلیاردرهای یهودی ساکن امریکا و لابی هایشان در کنگره و سنا دولت قدرمند یهودی متحد امریکا در منطقه را می خواهند.

- در افغانستان، اقوام و عشایر را تحت نام جنگ اسلام و کمونیسم روسی مسلح و تجهیز کرند و طلبان را بوجود آورند و همه نشانه های انسلیت و مدنیت را نابود کرند. متعاقبا خود علیه مخلوق طلبانی خود برخاستند و افغانستان را به یک تل کوک کشته شده اند.

نیازی به اگاهی سیاسی بالا، تحلیل، تحقیق و تفصیل های زورنالیستی و متخصصان و فیلسوفان جهان بورژوازی برای بیان و قایع نیست، فقط یک جو و جدان می خواهد تا بشریت با چشمان خود

- به بهانه جنگ کویت و سر هم کردن دروغ ببیند و قضاوت کند.

بزرگ سلاح کشتار جمعی در دست دولت صدام، به این کشور حمله کرند و همه زیرساختهای اقتصادی و مظاهر مدنیت و زندگی مردم را ویران و ساختند. در نتیجه این توخش و تروریسم دولتی کشتورهای ای اند، از ویتنام، سرنشیت مردم گرد پای تروریسم دولتی این دولتمردان دمکراسی ایوبکر بغضی ای می زیستند را به نام کامرون و کامرون و اردوغان و اردوغان و خانمه ای دادند.

- در افغانستان، اقوام و عشایر زندگی شان کشتار جمعی می کنند. چرا که میلیاردرهای یهودی ساکن امریکا و لابی هایشان در کنگره و سنا دولت قدرمند یهودی متحد امریکا در منطقه را می خواهند.

- در این دوره به زمین ریختند و سوزانند کشورهای ای اند، از ویتنام، طلاقانی خود برخاستند و افغانستان را به یک تل کوک کشته شده اند.

نیازی به اگاهی سیاسی بالا، تحلیل، تحقیق و تفصیل های زورنالیستی و متخصصان و فیلسوفان جهان بورژوازی برای بیان و قایع نیست، فقط یک جو و جدان می خواهد تا بشریت با چشمان خود

- به جنگ توخش با تندن! هر دو طرف این دوره به جنگ توخش و بروزیوی سیاه تکوین کردند و همه نشانه های انسلیت و مدنیت را نابود کردند. لبی آزاد" و محصول دمکراسی غربی، اکنون بزرگ ترین پایگاه تروریستهای اسلامی داعش است.

- در سوریه جریانات ارتجاعی و باند سیاهی به نام ارتش آزاد را تسلیح و تجهیز کرند و آنها را به نام دفعه ای اند، از ویتنام، افغانستان، عراق، لبی و سیر دند. از یک کشتوری که مردم خود می توانستند تکلیفشان را با دولتشان تعیین کنند یک ویرانه ای کامل و یک سناریوی سیاه تحویل جامعه دادند.

- در لبی همین سناریو را تکرار کردند. لبی آزاد" و محصول دمکراسی غربی، اکنون بزرگ ترین پایگاه تروریستهای اسلامی داعش است.

- در سوریه جریانات ارتجاعی و باند سیاهی به نام ارتش آزاد را تسلیح و تجهیز کرند و آنها را به نام دفعه ای اند، از ویتنام، افغانستان، عراق، لبی و پیامبر ای اند، از ویتنام، افغانستان، عراق، لبی و سیر دند. از یک کشتوری که مردم خود می توانستند تکلیفشان را با دولتشان تعیین کنند یک ویرانه ای کامل و یک سناریوی سیاه تحویل جامعه دادند.

- در این دوره به زمین ریختند و سوزانند کشورهای ای اند، از ویتنام، طلاقانی خود برخاستند و افغانستان را به یک تل کوک کشته شده اند.

پیام آرمان شناخته شده اند، از ویتنام، افغانستان، عراق، لبی و سیر دند. از یک کشتوری که مردم خود می توانستند تکلیفشان را با دولتشان تعیین کنند یک ویرانه ای کامل و یک سناریوی سیاه تحویل جامعه دادند.

- در این دوره به زمین ریختند و سوزانند کشورهای ای اند، از ویتنام، طلاقانی خود برخاستند و افغانستان را به یک تل کوک کشته شده اند.

پیام آرمان شناخته شده اند، از ویتنام، افغانستان، عراق، لبی و سیر دند. از یک کشتوری که مردم خود می توانستند تکلیفشان را با دولتشان تعیین کنند یک ویرانه ای کامل و یک سناریوی سیاه تحویل جامعه دادند.

- در این دوره به زمین ریختند و سوزانند کشورهای ای اند، از ویتنام، طلاقانی خود برخاستند و افغانستان را به یک تل کوک کشته شده اند.

پیام آرمان شناخته شده اند، از ویتنام، افغانستان، عراق، لبی و سیر دند. از یک کشتوری که مردم خود می توانستند تکلیفشان را با دولتشان تعیین کنند یک ویرانه ای کامل و یک سناریوی سیاه تحویل جامعه دادند.

- در این دوره به زمین ریختند و سوزانند کشورهای ای اند، از ویتنام، طلاقانی خود برخاستند و افغانستان را به یک تل کوک کشته شده اند.

پیام آرمان شناخته شده اند، از ویتنام، افغانستان، عراق، لبی و سیر دند. از یک کشتوری که مردم خود می توانستند تکلیفشان را با دولتشان تعیین کنند یک ویرانه ای کامل و یک سناریوی سیاه تحویل جامعه دادند.

- در این دوره به زمین ریختند و

سرانجام بلوک شرق و مدل های سرمایه داری صنعت ظرف چند دقیقه میتواند سهام این صنعت دولتی نگاه کنید عاقبت این کار را میبینید. کم سود ده را بفروشد و سهام صنعت بیشتر سودده شما از بحران حرف زدید. گرچه بحران در جامعه را آن سر دنیا بخرد. سرمایه دار، چه ایرانی و چه ایران یک شکل دارد در جامعه ای آمریکا شکلی غیر ایرانی، هیچ تعقی خاطر و وابستگی به دیگر. گرچه بحران جهانی را داریم و بحرانی که صنعت خاص، جز سود ندارد.

ناشی از جمهوری اسلامی است. اما اینها اشکال در جداول میان سرمایه داران بخش های مختلف و چهره های مختلفی از بحران در سرمایه سرمایه داری سیاست های متفاوتی را پیش داری هستند. باید برای خودمان روشن کنیم که میگیرند. بعضی از آنها طرفدار باز کردن همه اساس این بحران چیست و هسته اساسی که همه درها به روی کالاها هستند و بخش های غیر سود بحرانهای سرمایه داری در آن شریک هستند کدام ده تر میخواهند امکان رفاقت را کمتر بگذارند. اگر این کار را نکنیم نتتها متوجه مکانیسم طرفدار محدود کردن و رود کالا میشوند. با پیچین عمل کرد سرمایه داری نمیشویم بلکه به قضاوت این مساله در این بسته بنده بورژوازی دعواهای اخلاقی در مورد سرمایه داری خوب و بد می دروئی خود بر سر نحوه حل بحران سرمایه داری و تجدید تقسیم سود و ارزش اضافی میان خود و آن چیزی که ماهیت بحران در دنیای سرمایه دلی این واقعیت که تولید انبوه نعمت در جامعه را را تشکیل میدهد بحران سود آوری سرمایه است. همراه با انقیاد و بدیختی توده ممکن است را همه آنچه که مارکس به آن گرایش نزولی نرخ سود آنها زیر فرش مخفی میکنند. یکی می گوید تقصیر میگوید. این گرایش خود حاصل گره خوردن موافقه این است که از خارج وارد میکنند یکی می گویند های بسیار متنوع و پیچیده تولید و گرسن در از خارج وارد کنید ارزانتر است. سرمایه داری است. اما نزول نرخ سود بطور مبارزه با این وضعیت و مقابله با آن بدون تشخیص

پیوسته اتفاق نمی‌افتد. سرمایه داری مکانیسم های این واقعیات ممکن نیست. بدون یک تبیین عمیقاً مختلفی برای ممانعت از تحقق آن دارد. اما مارکسی از عمل کرد سرمایه داری و بحران آن سرانجام، بطور ادواری، و ظاهراً نگاهانی، گرایش راه خروج و حتی راه دفاع از خود در مقابل این نزولی اثبات شده همچون یک بهمن یا یک دریاچه بحران را از چشم طبقه کارگر مخفی می‌ماند و طبقه پشت سد، سد ها را می‌شکند و سرازیر می‌شود و کارگر به سادگی قربانی فربیه های سیستماتیک و نزول نرخ سود با همه قدرت متحقق می‌شود. سود تاریخی این یا آن بخش بوراژوی می‌شود.

رادیو پرتو: مساله "واردات بی رویه" و وضعیت بحرانی امروز مشخص جمهوری اسلامی ایران؛ قضایت شما چگونه است؟

کورش مدرسی: در این مورد توضیح دادم. ببینید، شدن کالا، کالا ها برای بخش اعظم جامعه قابل دسترس نیست چون وسع نمیرسد. حتی در اوج وجود سرمایه اضافی، دسترسی بخش مهمی از معیشت و امکانات همه ما از کanal بازار تأمین بورژوازی به سرمایه و پول محدود میشود. بانک ها به بحران میخورند.

در بحران سرمایه داری مساله این نیست که مثلاً گوشه از جهان آن را ساخته است مهم نیست. مهم ادم گرسنه محتاج نان و لباس و سایر نعمات زندگی نیست آنجا اسمش را گذاشته اند ایران یا چین وجود ندارد. مساله این نیست که کالا وجود ندارد. قدرت سرمایه داری در این است کالای ارزان مساله این است که فروش و تولید این کالاهای سود تولید میکند و هر کسی مطابق "عقل سلیم" در لازم را ندارد. در نتیجه سرمایه دار نان تولید نمی جامعه سرمایه داری میخواهد اجناس ارزان تر کند یا نانی که تولید کرده "گران است" و فروش باشند تا زندگی بهتری داشته باشد. کارگر هم در بازار به همین شیوه خرید میکند. سعی میکند کالای فنی روD، سود آن متحقق نمی شود.

همی خواهیم بگوییم که هسته بحران سرمایه داری، ارزان تری را گیر بیاورد. این مکانیسم بطور منظم چه در داخل یک کشور همه جا، بحران سود آوری سرمایه است. گرچه این مکانیسم میان بخش‌های مختلف بورژوازی بر سر کشمکش میان بخش‌های صنایعی که نمیتوانند کالای و چه در بازار جهانی صنایعی که نمیتوانند کالای تقسیم ارزش اضافی یا تقسیم سود میان خود جز ارزان تولید کنند و به اصطلاح رقابت کنند را از لایتحزای نظام سرمایه داری است، اما در دوره های بحران این نزاع بشدت تشید میشود، بشدت البته موج بیکاری است که دامنگیر کارگران این سیاستی میشود. هر بخش بورژوازی تلاش میکند که در این نزاع بخش مهمتری از جامعه و بخصوص طبقه کارگر و زحمتکشان را به دنبال قرن نوزدهم اکثر صنایع نساجی ایران و هند توسط

بخش‌هایی از سرمایه داری می‌خواهند حصارهای صنایع نساجی انگلیس و رشکست شدند که مارکس درست کنند، قیمت‌ها و نرخ سود را بالا نگاه به تفصیل راجع به آن توضیح داده است. کما اینکه دارند و خودشان را حفظ کنند. یک نمونه از این امروز هم صنایع چینی نساجی هارا در همه دنیا حصارهای صنعت کرده اند. می‌خواهم بگویم که وقتی "صنعت ورشکست" کرده اند. می‌خواهیم بگویم که وقتی "ملی" قد علم می‌کنند و می‌خواهد واردات محدود ارزان است من و شما میرویم و می‌خیریم و این شود تا بتوانند سودآوری شان را در چارچوب منطق دنیا است نمی‌شود با این "منطق" درافتاد. موجود و به تسليم بقیه کارگر و طرفداری از بالادرفتن قیمت‌ها کل جامعه و حتی فدایکاری این طبقه برای رشد صنعت ملی تضمین طبقه کارگر را در مقابل شما قرار میدهد.

کنند. این سیاست بلااواسطه برداشت طبقه کارگر از ثروت جامعه را کاهش میدهد، فقر، ناممی و استثمار بیشتری را به طبقه کارگر و زحمتکشان یا نکنند برای بیهود زنگی طبقه کارگر نیست. اساساً بر سر تقسیم سود است. این دعواها بر سر جامعه تحملی میکند.

امروز البته نفس جهانی شدن وسیع سرمایه در آن بخش‌های مختلف بورژوازی تلاش میکند (کلوبالیزاسیون) طی ربع آخر قرن بیست و قرن توجه طبقه کارگر را بخود جلب کند، آن‌ها را پشت بیست و یک این گرایش را تضییف کرده است. سر خود بسیج کند. باید مانورهای سیاسی و این همه میدانند که خارج از بازار جهانی سرمایه دعواهارا از واقعیت خود سرمایه داری جدا کرد. داری آینده چندانی برای هیچ سیستم سرمایه داری می‌شود به دقت توضیح داد که چرا افتادن دنبال ممکن نیست. بورژوازی در همه جای دنیا الان محدودیت واردات و یا حمایت از صنایع داخلی بر احتیاج به سرمایه دارد، صدور سرمایه از قرن عمل طبقه کارگر را کت بسته تحويل سرمایه دری ببیست تا حالا نرم عادی عملکرد سرمایه در تمام میدهه و این طبقه را فلاکت زده تر میکند.

رادیو پرتو: برای این برویم سراغ جمهوری اسلامی و این بحث امیر پالیزمند آن را تبیین میکند. دنیای ما دنیای سلطه سرمایه مالی است. گذشته از اینکه در آمد مفاهیم را بیشتر بشکافیم. امروز یک شکاف مدیران نهاد های سرمایه داری غالباً از سود آن بزرگ در جمهوری اسلامی شکل گرفته است.

طبقه کارگر و بیراهه "واردات بی رویه" و

"حمایت از صنایع داخلی"

گفتگوی رادیو پرتو با کورش مدرسی



مقدمه مصاحبه کورش مدرسی ("طبقه کارگر و بیراهه" واردات بی رویه" و "حمایت از صنایع داخلی) در سال ۲۰۱۰ صورت گرفته است. مباحثاتی که در این نوشته از نظر میگذرد، از بالا بردن توان رقابتی کالای داخلی، مصرف کالای ایرانی و ممانعت از واردات بی رویه تا همکن به رشد اقتصاد "ملی" هم اکنون هم به عنوان تلاش و جهت سرمایه و دولت روحانی و از زبان روسای جمهوری اسلامی و تئوریسینها و اقتصاددانان آنها بیان میشود. جملگی تلاش میکند افق طبقه سرمایه دار و دولتش را به افق جامعه و در راس آن به افق کل طبقه کارگر تبدیل کند. تلاش میکند طبقه کارگر را با استدلالهای پوچ و رایج خود در انتظار بهبود زنگی به عنوان نیروی مطابع و ساكت در مقابل وحشیانه ترین درجه استثمار و بی حقوقی مطلق به برگی بکشند. از آنجا که امروز همین مباحثت و همین جهتگیریها در دولت روحانی نیز همچون بقیه دولتها و از جمله دولت احمدی نژاد در جریان است، کمونیست با این مقدمه کوتاه آنرا در این شماره دوباره منتشر میکند. ما خواندن این مصاحبه رادیو پرتو با کورش مدرسی و رسانیدن آن بدست کارگران و خصوصا رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر را توصیه میکنیم.

رادیو پرتو: می خواستم در مورد بحران اقتصادی از چند زاویه گفتگو کنیم. یکی به طور انتزاعی مفهوم اقتصادی این بحران چیست و سوابق آن سطح ایران و جهان چگونه است. بعد سراغ طرفهای دار، حاکمین جمهوری اسلامی برویم بعد هم طبقه کارگر را سراغ بگیریم و زیر ذیل قرار بدهیم.

از یک قضایوت کلی شروع کنم. در عرض چه سال گذشته چهارصد میلیارد کالا وارد ایران شده است و بخش مهمی از کالاهای مستقیماً زیرپای توکننده داخلی را خالی میکند. چون ارزانتر است. نتیجه کارخانه‌ها تعطیل می‌شود و کارگر بیکار می‌شود.

معادله ساده‌ای به نظر می‌آید. می‌شود گفت که ورود کالاهای نمی‌شود مخالف بود ولی دولت بدحاقل مسئولیت داشته باشد که جلوی واردات روحیه را بگیرد. این تر به نظر سر راست می‌قضایوت شما چگونه است؟

کورش مدرسی: ببینید، مساله صادرات و وارد کالای ارزان به قدمت خود سرمایه داری اسد سرمایه داری بر این اساس میگردد و عمل میکند تز سادهای که شما هم طرح کردید چاه و بیلی اسد که به قدمت سرمایه داری در مقابل طبقه کار فقرار داده شده است و یکی از دلایل توجه

ناسبونالیسم است. بخشی از بورژوازی با این ساده منفعت خود را به عنوان منفعت جامعه منفعت طبقه کارگر به خورد همگان میدهد. اگر به مانیفست کمونیست، نوشته‌ی مارکس انگلش، که جزو اولین استناد تبیین جامعه سرمایه داری است، مراجعه کنید، میبیند که آنجا یکی از مشخصات بارز جامعه سرمایه دار را همین میداند. میگوید که کالای ارزان تولید شد در سرمایه داری دیوار چین را پائین میاور میگوید اگر هیچ توپخانه و لشکر مغولی نتوانند طولانی مدت دیوار چین یا هر حصار ملی اقتصادی را در هم بشکند، تولید انبوه کالای ارز سرمایه داری هر حصار اقتصادی را پائین میآورد این واقعیت دنبای، سرمایه دار، است!

اور. این واقعیت دنیا سرمایه داری است۔
واقعیت تولید سرمایه داری است. این منطبق
عقل در چارچوب تولید سرمایه داری ” است
مخالف آن رفتار کنید جامعه را علیه خود بس
میکنید جامعه نشنه نعمات زندگ است و توان

طبقه کارگر و بیراهه ...

میزند. کارگران خود دادشان در میاید که چرا بروج گران تر میتوانست باشد؟ آنجا ارزان است و اینجا گران؟ آنوقت است که همه حساب کردند و دیدند نفت وارد بشود یا گاز داران از برداشتی کلی طبقه کارگر از ثروت مجبورش میکنند تا برای پایین آوردن قیمت برنج وارد بشود قیمت برق خانه شان نصف می شود. با جامعه است. برداشت طبقه کارگر از ثروت جامعه بیشتر از هر کسی محظوظ، به نوعی با طرفداری کند، از بیمه و درمان و بازنیستگی صرف نظر این منطق جامعه پشت کارگران معادن زغال سنگ تنها دستمزد نیست. کل خدمات اجتماعی، بیمه ها، از طبقه کارگر و زحمتکشان، مساله اشتغال را کند، مدرسه و درمانگاه و آب و خیابان نخواهد و نیز کشیده اند و پرچمدار این شده اند که باید جلوی غیره. این اتفاقی است که هر روز همه جا دارد می خواهند بگوییم شما نمی توانید در چارچوب را میزند تا از سود سرمایه دار حمایت کند و واردات بیرونی را گرفت. آمارهای آشیانی منتشر افتد.

می شود وضعیت بسیار دردآور طبقه کارگر منتشر می خواهند بگوییم فرمول بستن یا محدود کردن دقت تشریح میکنند. و باید این را اضافه کرد طیف نمی کند که هیچ نزخ استثمارشان را بالا برد، وسیعتری این واردات را به "اقزاده های" که تعرض وسیعی را به معیشت شناسان سازمان میدهد، چوب حراج به صنایع داخلی زده اند و پول های باعث می شود بخش زیادی از آن چیزی هم که به کلان بادآورده را دارند مربوط میکنند. اخیرا هم دست می آورند به صورت سوبسید به سرمایه دار در مجلس صد و شانزده نماینده اعتراضیه ای را بر پرداخت کنند و مهتر از همه این ها امکان هرگونه این مورد منتشر کردند. پرچم جلوگیری از واردات مبارزه از کارگر را میگیرد. کارگری که باز سیاست شکر، کش، لباس، پارچه و احتیاجات را هش این نیست که برویم بگوئیم دولت شما بیزار روزمره است. این بخش از بورژوازی میخواهد سفره ما و خانواده ما به این صاحب کارخانه سود و دفاع از اشتغال بلند شده است. اینها چقدر نگاهداشتن فلان صنعت ورشکسته را در دستور خود گذاشته است، هیچ اهم مقاومتی در مقابل سرمایه دار ندارد. تا حرف بزند سرمایه دار اعلام ها و پائین اوردن دستمزد ها و زدن همه دست دار منتی هم بر ما بگذارد که کارخانه را باز نگاه داشته است. انگار که ما مسبب این وضع هستیم.

آورد های طبقه بکشد. بر عکس تصویری که همه فکر میکنند پول نفت خوششان را دارند نماینده میکنند. تا انجانی که به اندارد میخواهد دیش یا چین یا جای دیگری صاحب و سیله تولید نیست. رابطه بورژوا (جه خرد وسیعتری این واردات را به "اقزاده های" که تعزیز وسیعی را به معیشت شناسان سازمان میدهد، بحث بر سر واردات ماشین پورشه، لامبورگینی و چه کلان) با جامعه با رابطه کارگر با جامعه، چوب حراج به صنایع داخلی زده اند و پول های باعث می شود بخش زیادی از آن چیزی هم که به کلان بادآورده را دارند مربوط میکنند. اخیرا هم دست می آورند به صورت سوبسید به سرمایه دار این قیمت شکر، کش، لباس، پارچه و احتیاجات را هش این نیست که برویم بگوئیم دولت شما بیزار روزمره است. این بخش از بورژوازی میخواهد سفره ما و خانواده ما به این صاحب کارخانه سود و دفاع از اشتغال بلند شده است. اینها چقدر نگاهداشتن فلان صنعت ورشکسته را در دستور خود گذاشته است، هیچ اهم مقاومتی در مقابل سرمایه دار ندارد. تا حرف بزند سرمایه دار اعلام ها و پائین اوردن دستمزد ها و زدن همه دست دار منتی هم بر ما بگذارد که کارخانه را باز نگاه داشته است. انگار که ما مسبب این وضع هستیم.

کورش مدرسی: اینها هیچ کدام منفعت طبقه کارگر میکند که "صرف ندارد" و صنعت مربوطه را را نماینده نمی کنند. اینها دعواهای درون میکنند. سرمایه اش را جای دیگری بکار می خواهند را دارند نماینده میکنند. تا انجانی که به اندارد میخواهد دیش یا چین یا جای دیگری جناح سیز مربوط است، این صرفًا مانور سیاسی در ایران. گفتم باید از خودمان به پرسیم که فرض کنید خود و خانواده اش را خانه خراب میکند، از جیب زندگی میبیند و از توده وسیع مردم عادی ایران چوب حراج زدن از آن اصطلاحات بورژوازی واردات شکر و برنج و پارچه و غیره را محدود خودش و سفره خانواده اش سود لازم را برای میگیرد. خوب برویم بجای اینکه این درآمد رد عقب افتاده در مسابقه تقسیم سود است. بالاخره کردند. قیمت همه اینها در عرض یک روز چندین هرچه را که در بازار می فروشنده به قیمت بازار برا بر میشود. سرمایه صنایع داخلی بالاخره باید به فروش میروند. اگر حراج می شود مثل هر جنس مثل سرمایه در بازار جهانی سود ببرد. اگر نبرد دیگری لاید مانده و دیگر سود بدیهیست. سرمایه دار عزیز می و داخلی هم سرمایه اش را باید از اینها پرسید که می شود توضیح بدید که برمی دارد و سهام صنایع مشابه در چین و هند و چرا جنسی که در چین تولید می شود از جنسی که غیر را میخرد و یا اصلًا پوشش را در بانک در ایران تولید می شود از زمان تر است؟ و مهمتر میگذارد و در تقسیم سود آنچه اش کار را میگذرد. من و اینکه چگونه میخواهید جنس تولید شده در ایران را کس سرمایه داشته باشد همین کار را میگذرد. من و اینکه همان قیمت به بازار بفرستید؟ یا میخواهید قیمت شما هم اگر صاحب سرمایه باشیم، سرمایه را بخواهد کارخانه را در مقابل کارگران این صنایع جامعه و طبقه کارگر قالب کند؟

درست است، ممکن است در کوتاه مدت تعدادی را میدانم که این ظاهرًا منطق بدیهی تولید سرمایه سر کار نگاه دارد، اما، هم خود آن ها و هم بقیه داری است ولی طبقه کارگر چرا باید به آن تسلیم طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را به خاک سیاه شود؟ این تلاکتیک جریانات بورژوازی است که دست راستی ترین سیاست های بورژوازی می داشت. این بخش از طبقه کارگر نمیگوید که راضی باشند، صف طبقه کارگر را در هم میشکند، منفعت این یا آن بخش بورژوازی را به نام منفعت باشند. این بزرگی را در مقابل کارگران این صنایع جامعه و طبقه کارگر قالب کند.

علیه خود بسیج میکند. در اروپا شاهد این هستیم که اما از این ها گذشته در این میان تقسیر کارگر چرا جواب این سوالات را بدھند آن وقت متوجه دوستی این و آن ندارد. این مکانیسم اخلاقی نیست و ربطی به حرص و ولع و پول داشته باشد؟ سرمایه دار عزیز می و داخلی هم سرمایه اش را اخلاقی نیست و ربطی به حرص و ولع و پول چگونه در مقابل وضعیت مشابه توده وسیع کارگر کشاورزی در چین و آمریکای جنوبی که سیب، یا اگر جواب این سوالات را بدھند آن وقت متوجه دوستی این و آن ندارد. این مکانیسم اخلاقی نیست و ربطی به حرص و ولع و پول داشته باشد؟ سود بیشتری که میگذرد این مکانیسم سرمایه داری و زحمتکش طرفدار باز کردن همه مرزها و لغو دیگر محصولات، را تولید میکند چیست؟ چرا باید هر نوع حقوق گمرکی و غیره میشوند و به دنبال طبقه کارگر ایران باید در کنار سرمایه دار ایرانی دست راستی ترین سیاست های بورژوازی می داشت. این بخش از طبقه خود به ایستد؟ مگر الفای افتادن. این واقعیت روزمره ای است که در آن بچه آگاهی طبقه کارگر نمیگوید که طبقه ما جهانی محدودیت واردات حتماً وضع بورژوازی که جهان است. واردات را محدود میگذرد. در مرز ها صنایع سود نمیدهد را بهتر میگذرد اما او لا این ژاندارم و امنیه و گمرک میگذارد تا من و شما به بهتر شدن از سفر خالی طبقه کارگر را بیشتر به خاک سیمه میگذرد. سود آوری سرمایه اش در مقیاس نرخ سود در کالای ارزان تر این سد ها را در هم میگذرد. سودی معادل بازار جهانی ببرد. شعار "ایرانی فاچاق توسعه پیدا میگذرد، اعتراض عمومی علیه جنس ایرانی بخر" همین را دارد حقه میگذرد. طرف اگر بخواهد مرز را بینند باید قیمت را انقدر کشیدن طناب کافت تر از گرده طبقه کارگر.

مهمتر اینکه قابل دوام نیست. بالاخره شما نمی بالا ببرد که سود آوری اش را تضمین کنند. تضمین توانید در کشور بغلی تان برج گلیونی مثلا هزار این صنایع به اصطلاح داخلی و ملی به این قیمت تومن باشد و در ایران گلیونی سه هزار تومن. است که هزینه زندگی ما چندین برابر شود تا ایشان کالای ارزان تر این سد ها را در هم میگذرد. سودی معادل بازار جهانی ببرد. شعار "ایرانی فاچاق توسعه پیدا میگذرد، اعتراض عمومی علیه جنس ایرانی بخر" همین را دارد حقه میگذرد. این قیمت بالا میگردد. نمیشود در عراق، تحریم "کالاهای بنجل خارجی" همین را به خود پاکستان، دبی، روسیه، اذربایجان، ترکیه و در همه طبقه کارگر میدهد. میخواهد شلوار و لباس جا برنج به قیمت بازار جهانی مثلا گلیونی هزار امروزی را از تن کارگر در اورد و با تنبان و قبا تومن باشد و در ایران گلیونی سه هزار تومن. است که هزینه زندگی ما چندین برابر شود تا ایشان کیلو برج یا شکر بخرد فردا، با بالارفتن قیمت ها، من فکر نمی کنم.

کورش مدرسی: نه، مفید نیست. به این دلیل که را گشادتر میگذرد. نفع مردم زحمتکش در این است میشود. و همه کالاهای دیگر هم به همین سرنوشت کارگری در اروپا را شاهد باشد میبینند که همه اینها چار میشوند. صنایع داخلی میمانند اما سفره طبقه کارگر میگذارد شلوار و سواری کارگر و مردم زحمتکش جامعه خالی تر اینکه آنها شک کنند که این سیاست بورژوازی کیلو برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا این از نظر انسانی برای اینکه آنها، شود که فاچاق این کالاهای از خارج کشور بیشتر قیمت هزار و صد تومن از کشاورزان خرد کرد و کارگری باید چیز دیگری باشد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه ۸۰ مکانیسم بازار قیمت ها را بالا برخواهد تا اینکه نمونه بزرگ آن که خیلی ها با آن آشنا هستند نمونه بزرگ آن که خیلی ها در قیمت های کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

کورش مدرسی: احمدی نژاد فرمول این میگذرد. با میلادی بود. مارکارت تاچر، بعنوان نماینده منفعت سرمایه داری نمیشود به جنگ سرمایه داری رفت. سرمایه اقدام به تعطیل وسیع معادن زغال سنگ کارگر و مردم زحمتکش جامعه خالی تر اینکه نمونه بزرگ آن که خیلی ها با آن آشنا هستند نمونه هست میشود. کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلویی هزار تومن باشد و اینجا چهار کلاهتان را قاضی کنند که آیا این مسیر منفعت هزار تومن. خود طبقه کارگر علیه این تفاوت طبقه کارگر و مردم زحمتکش جامعه را منعکس پیدا بکنند. آیا راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟ این راه زندگی طبقه کارگر را بهتر میگذرد؟

هزینه را دولت یا از جیب ما میزند و یا از خدمتی کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس در دهه هشتاد و در ایران کیلویی سه هزار تومن. یا سر کار بفرستند. شکر برج یا شکر کیلوی

طبقة کارگر و بیراھه ...

طبقه کارگر و بپراهه ...
تولید سرمایه داری و سود است و درست به همین این البته کار میخواهد، اتحاد میان رهبران و فعلین متعارف سرمایه داری نیست و اگر متعارف شود طلیل اعتراض کارگری و ترس از تعطیل کار، و کارگری را میخواهد و مهمتر از همه آگاهی و از انقلابی گری او کم میشود.
لذا توقف سود، اهرم تحت فشار قرار دادن سرمایه زلال دیدن کل منطق جامعه سرمایه داری بر برای نشان دادن اینکه سرمایه داری بودن ایران کنار سرمایه دار قرار بدهد او را به تسليم کامل دار است. وقتی سرمایه دار قرار است با مبارزات اساس یک مارکسیسم رقیق نشده و ملی و همه چه نقشی در دنیاها واقعی اینها دارد، فرض کنید میکشاند. کارگر حاضر می شود با نصف پول کل ما و از سفره ما صنعتش را روی پا نگاه دارد ما خلقی نشده را میخواهد. فلان حزب چپی معتقد باشد که اصولاً ایران

کنده، به خفت تن بدهد، کارگر حاضر می شود چه اهرم مبارزه ای علیه او داریم؟ خلخ سلاح کامل قیمت شکر یا پارچه و یا سنگ قبر دو برابر بشود هستیم. در دنیای واقعی این سیاست کل امکان رادیو پرتو: به سوال آخر میرسم، میخواستم به داری غیر متعارف، "نظام اسلامی" و یا سرمایه به شرطی که کار داشته باشد. این راه در رفتن از مبارزه را از کارگر میگیرد. سرمایه دارئی که به جریانات سیاسی اپوزیسیونی که خودشان را منطق داری است. چه تغییری در تاکتیکها و تبیین اینها این مخصوصه و از این بریگی که سرمایه داری بر ضرب مبارزه کارگران و باج گیری از جامعه به طبقه کارگر میدانند اشاره کنم. این جریانات هم از جامعه صنعتش را باز نگاه داشته، با اولین اعتراض مساله "واردادات بیرونی" یک موضوع جا افتاده کارگر به عنوان یک قشر محروم و بدخت، همان کارگری میگوید "باشد میبندم!" "برایم سود است. با اگر تخفیف بدھیم، آنرا اغماض میکنند. طور که احمدی نژاد و سیز ها آن هارا میبینند، الله کردن آن است.

کارگران هفت تپه، صادر کرده اند، نقطه شروع بسیار خوبی است. باید طبقه کارگر را حول آن ثانیاً - این استدلال نمیتواند استدلال یک رهبر جمع کرد. راه دیگری نیست. باید به سرمایه دار کارگری باشد. کارگر و رهبر کارگری مبارزه را گفت هر جانی که می خواهد سرمایه تان را کار برای هدف معین و برای پیروزی میکنند. جمع گذاشت تا زمانی که این کارگران را نهادند، قدرت اندیشه ایشان را تقویت کنند.

کارگر مربوط می کردن کارکران در جلو دفتر نیشکر هفت نیه، در شود من این مطالباتم است. من باید بیمه بیکاری حالی که اصلاً امکان ذره‌ای اعتراض به سرمایه داشته باشم، کار کنتراتی نکنم، کار فصلی و پیمانی دار نیست، تنها میتواند به عنوان سازمان دادن یک نکنم، همه کارگرها رسمی باشند، همه بیمه آکسیون معنی داشته باشد. جمع می‌شویم، بازنشستگی داشته باشند، همه کارگرها باید بتوانند آرایتاسیون میکنیم، با دولت درگیر می‌شویم، کارگر طبقه کارگر را ندارند. و نتنها ندارند، بلکه در حظ سرمایه داری حکومت حیوانی است و سوسيالیسم سلطه سرمایه بر کارگر ذی نفع هستند. اما علیه حکومت انسانی. این از ابتدائی ترین داده‌های نظر

رادیو پرتو: بخشی از ژورنالیسم پوزیسیون و خرد بورژوا مبارزه را برای قهرمانی و برای بخشی از آنها مجال میدهد تا جهان بینی خود را به حکمت بگیرد. باید روی پای خودش به ایست. دنیا سرمایه دار شده و دیگر افقی برای مبارزه ندارد. اما وجود طبقه بورژوا در این میدان مبارزه به از اینها، بلکه از مارکس و از لنین و از منصور شکر تولید کنید یا موشک، فعلاً مساله نیست. ثانیا، با کسی دعوا نمیکند، ثالثاً قبلاً کلاً تسليم میدان هست و باید پیشتر این مبارزات باشد. من فکر میکنم طبقه کارگر باید تبیین خودش را نه داشته باشند. و غیره. حالا شما می خواهید بروید در چنین موقعیتی کیفر کرد باشد او لا جمع نمیشود ضعیف، مبارزه میکنند. طبقه کارگر هم در این داشته باشد.

اپوزیسیون رسمی در جامعه ایران بسیار رک و رزمندگی آن میخواهد. کارگر آن را برای بهتر طبقه کارگر هم قلب کند و یا تلاش کند بقولاند. را از منظر طبقه خود نگاه کند. راه پیشروی در پیده می کویند که دستمزد کارگر در ایران بالا کردن زندگیش میخواهد و با دیدن افق و امکان در نتیجه این جرایانات بورژوائی بطور تشکیل صفت مستقل طبقه کارگر و اصرار بر است و به همین دلیل واردات زیاد شده است. اگر پیروزی انجام میدهد. این استدلال هم توهم است و سیاست‌گذاریک و بنا به منفعت طبقاتی شان ماهیت مطالبات این طبقه است نه قاطی کردن حساب کارگر دستمزدش پایین بیاورد، اگر دولت حداکثر هم کارگری نیست. این استدلالی است که بر اساس سرمایه داری بودن جمهوری اسلامی را (که دهقان و زمیندار و دکان دار و هنرمند طلا پنجه با دسمزدها را پاین بیاورد، اقتصاد راه می افتد. یک تصویر خورده بورژوائی از مبارزه کارگری بعلوه موقعیت متمایز طبقه کارگر را هم بر جسته مردم و خلق و غیره با طبقه کارگر.

اما اینجا اجازه بدھید وارد یک بحث دیگر بشویم. استوار است. اعتراضات کارگری کارگران نیشکر، کیان تاییر، وغیره مطرح است. سوالی که مطرح می شود این ثالثاً - چون کارگر بیکار غیر مشکل است کارگر مردم یک صفت واحد و با منفعت واحد در مبارزه دمکراتیک و تأمین و تضمین آزادی های سیاسی علیه جمهوری اسلامی هستند و یا برایشان بحث ذی نفع است. اما نفع طبقه کارگر در این تحولات در مورد منفعت کارگر متعلق به بعد از سرنگونی با نفع سایر طبقات متفاوت است. این را باید هضم بالآخر و وقتی، نیشکر هفت تنه دائم است امکان کارگر است در مطه و در بیرون کار خانه دیگر تبدیل کرد

جمع کردن و اعتراض کارگری هم بیشتر است. کارگر نیست. یکی از دلائل عدم اتحاد میان این سنگر را راه‌کنیم، مثل کارگران بیکار و کارگران بیکار و شاغل شاید همین است. چرا همین دلیل ما به آن‌ها عنوان عمومی کمونیسم * این متن ادبی شده گفتگوی رادیو پرتو با کوش از هم گسیخته‌می‌شویم و حتی اعتراضات امروز کارگران مثلاً هفت تپه را نمی‌شود جلو اداره کار در بورژوازی را داده ایم. مهم نیست هر کس به خود مدرسی است که به همت آسو فتوحی سرا پیاده شده را هم نمی‌توان پیش ببرند. این استدلال موجه تهران جمع کرد و دنیا را روی سر گذاشت؟ چه می‌گوید. مهم نیست که خود را طرفدار طبقه و توسط مصاحبه شونده ادبی شده است. زورمان نمیرسد؟ چرا کارگران کیان تایر و قند کارگر و زحمتکشان میدان. دعوا در پایه همان فایل صوتی این گفتگو در www.koorosh-modaresi.com است. که ۱۱ محل، حجم ۱۶ این موضع دارد.

کورش مدرسي: نه اصلاً موجه نیست. ببینید، است را هم به عنوان کارگر جمع کرد و دنیا را معلوم است که سنگر کارخانه مهمترین سنگر طبقه روی سر گذاشت؟ چرا نمیشود همان لیست کارگر است ولی این استدلال چند رکن دارد که مطالباتی را گرفت؟ عملی نیست؟ باور کنید از کمونیسم بورژوائی دوران انقلاب ۵۷ بود، امروز همه نادرست است.

استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینپنین عظیم، و در اشکالی اینپنین عیان، بدون تسليه و رضایت توده وسیع فود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان فود قربانیانش سر پا باقی نمیماند. توجیه کردن این وضعيت، ابدی و ازلی و طبیعی

میخند و یا در آن ماسیں ایک هست. حارحه محل است.

کلمداد کردن آن و ترساندن و برمذار داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات،
وظیفه (وبنای فکری و فرهنگی و افلاقی در این جامعه) است. زاده‌خانه فرهنگی و افلاقی بوژوازی
علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و فیله کننده است.
بنفس، از این ایزاهای از اعصار کهن به ارث رسیده اند اما مطابق، نیاز هامعه بوژوازی، نوسازی و

بازسازی شده اند. ادیان و مذاهاب (نگارنگ)، عواطف و تعبصات اخلاقی (جاهلانه)، قوم پرستی، نژادپرستی، مردسلااری، همه و همه مردمه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ برای حفظ کردن و سربزیز نگاهداشتن توده کارگن جامعه بوده اند.

<p>Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A 13°</p> <p>Frequency: 12597</p> <p>POL: V</p> <p>FEC: 3/4</p>	<p>فرکنس پشن:</p> <p>سند اینها در اسن نوین و طبقه‌های دارند. در عصر سی دی مدت میان دستگاه های سنتی و</p> <p>حاکمیت بوزوایی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند.</p> <p>مبارزه علیه افکار و آراء و اخلاقیات ارتقا ای هاکم بر جامعه یک بعد همیشگی مبارزه طبقاتی</p> <p>کارگران و یک وظیفه فطیر جنبش کمونیستی کارگری بوده است.</p> <p>از کنایه ای اینها نهاد امنیتی از آنها</p>
--	---

ار: پک دیسای بھر، پریامہ حرب ھموئیست ہارجی - ھمیست
Symbol rate: 27500
Audio PID: 2130

ایتالیا ۱۹۲۰

تام و تسل
ترجمه: از فرزاد نازاری

شهر های بزرگ شمالی، چه کارگران روز مزد در موقعيت استفاده کرده و این وضعیت باعث موج پا به عرصه وجود گذاشت. مزارع تجاری در دره های شمال کشور و یا بزرگی از اعتصاب گردید. کارفرمایان مخصوصاً گروهی از فعالین حزب سوسیالیست، از جمله دهقانان زارع در قسمت جنوبی کشور، توقع بالای حاضر به دادن امتیازاتی در پرداخت دستمزد و پالمیرو تولیاتی، آنتونیو گرامشی، امیرتو تراجینی، وجود داشت که بعد از پایان یافتن سالهای پراز ساعت کار در ازای داشتن کنترل بیشتر بر پوشه اقدام به انتشار نشیه ای به اسم نظم نوین کردند. محرومیت و مشقت و محنت بار جنگ، اکنون کار بودند و این دقیقاً مواردی بود که مقامات هدف از انتشار این نشیه عامله پسند کردن ایده زمان آن رسیده است که تغییری مثبت در جهت رسمی اتحادیه (فیوم) با آن موافقت نمود و این سازمانهای محلی نماینده گان کارگران و ایجاد رفاه حال آنان صورت گردید. به هر تقدیر رشد بوروکراتیزاسیون حاکم بر (فیوم) را منعکس فورومی برای کارگران که در آن نوع شکلگیری اشتیاق برای کنترل کارگری و تغییرات اجتماعی میگرد که سران رسمی عالی آن خود در تحت این سازمانهای محلی کارگری در جهت برآورد در مسیری ضد سرمایه داری، همراه و موازی بود شرایط این قراردادها کار نمی کردند. در ازای کردن نیازها و شرایط خود کارگران توسط خود با رشد بوروکراسی و دیوان سalarی در افزایش دستمزد و هشت ساعت کار در روز، کارگران به بحث گذاشته شود. با این وصف که تریدیونیونیسم رسمی ایتالیا.

اتحادیه اصلی در ایتالیا را فراسیون سراسری کل گردید و سازمانهای کف کارخانه ای کارگران در سوسیالیست بودند، اما نشیه مستقل بود و حتی یا (چی جی ال) نشکل میداد که رسمی مؤتلف حزب سوسیالیست ایتالیا بود. لودویکو دی آرگونا کارگران در روز شنبه به جای نصف روز، تمام پایانه ای باز داشت و هیچ کاراکتر حزبی ای آن را و دیگر رهبران چی جی ال، حزب کارگر بریتانیا را مدل و سروش خود میدانست که در سیستم آن (فیوم) این قرارداد آماده انتقادات شدید نماینگان خوبی با جنبشی که خود را متهمد به توسعه و یک اتحادیه حرفه ای و رهبری پارلمانی، نقش تشدید اتحاد در صفووف طبقه کارگر کرده بود، هدایت و سرپرستی رفمهای تدریجی و تقلیل وجود رشد درگیری و مخالفت بین بنه سازمانهای جنبش چفت شود. برای درک سازمان جدیدی که رشد و سازمانی را در چهارچوب یک جامعه کاپیتالیست تعهد داشت.

بر خلاف ایالات متحده آمریکا، که اتحادیه گرایی تا سالهای ۱۹۳۰ در صنایع بزرگ استحکام نیافقه گرفت. ۱- جنبش برای شورای نماینده گان کارگری مستقل از هیرارشی اتحادیه های موجود کمود مشارکت اعضای بدن اتحادیه کارگران ایتالیا بود، در قراردادهای اولیه اتحادیه ها این کمیته ها ساخته شد. ۲- ظهور و رشد اتحادیه مخالف، اتحادیه هنگام در فیوم و همچنین در دیگر اتحادیه های سندیکالیست ایتالیا (یو. اس. آی). مخفف بونیون چی. جی. ال. وجود داشت، "کمیسونهای داخلی" بودند. در قراردادهای ایتالیانا چی. جی. ال. وجود داشت که بیشتر کاراکتر محلی بدن اتحادیه ها تلاش میگردند به آنها جواب دهند تأسیس گردیده بودند. اما عاقبت تبدیل به بدهه ای تأسیس اتحادیه (یو. اس. آی) منشأ این اتحادیه در فعالین اپوزیون در بدهه دائمی برای نماینگی نیروی کار محلی کارخانه ها ایجادیه های چی جی ال که تحت تأثیر گرایشات در روپرورد شدن با مدیریت شدند. فعالین بدهه آنارشیستی بودند، قرار داشت. با رشد هیرارشی اتحادیه های تورینو این کمیسونهای داخلی موجود بود که کارگران در مذاکرات منظم با کارفرمایان ظاهر گردید. پرسه بوروکراتیزه شدن اتحادیه ها و رشد شکاف بین بدن اتحادیه و رهبری آن، توسط چنگ اول جهانی تسریع گردید. در طول چنگ صنایع ایتالیا مشمول نوعی از فنودالیسم صنعتی گردیده بود که کارگران در زیر تهدید مداوم فقر در بالای حرفه ای و افزایش کارگران تریدیونیونیسم رسمی به را اصولاً مانند یک اولیکارشی اتحادیه ای مورد سر خود به شدت تحت انقیاد مشاغل خود قرار گرفته بودند. اما به اینها تصمیم میگیرند توسعه دادن به گروههای مخالف در بدن اتحادیه بدون اینکه توهه کارگران در این تصمیمات نقش و سیاستی از کار مشرک و کمیته های رهبری به بدهه ای تأسیس گردیده بودند که میباشد که بدهه ای شکاف ایجادیه های چی جی ال بر طبق معمول این اتحادیه در فعالین اپوزیون مشارکتی داشته باشد.

شکاف ایجادیه های چی جی ال که تحت تأثیر گرایشات در روپرورد شدن با مدیریت شدند. فعالین بدهه آنارشیستی بودند، قرار داشت. با رشد هیرارشی اتحادیه های تورینو این کمیسونهای داخلی موجود بود که کارگران در زیر تهدید مداوم فقر در بالای حرفه ای و افزایش کارگران تریدیونیونیسم رسمی به را اصولاً مانند یک اولیکارشی اتحادیه ای مورد سر خود به شدت تحت انقیاد مشاغل خود قرار گرفته بودند. اما به اینها تصمیم میگیرند توسعه دادن به گروههای مخالف در بدن اتحادیه بدون اینکه توهه کارگران در این تصمیمات نقش و سیاستی از کار مشرک و کمیته های رهبری به بدهه ای تأسیس گردیده بودند که میباشد که بدهه ای شکاف ایجادیه های چی جی ال بر طبق معمول این اتحادیه در فعالین اپوزیون مشارکتی داشته باشد. سال ۱۹۰۸ بود.

سیاستی از طرف حکومت تحمیل گردید که اصولاً در زمان تشکیل کنگره کمیته های عمل مستقیم در تفرقه بین کارگران عضو اتحادیه و کارگران غیر مودنا در سال ۱۹۱۲، تعداد اعضای این کمیته ها عضو مودنا در این گردد. تعداد اعضای این کمیته ها عضو ۹۰ هزار نفر می رسید. در این گنگ تضمیم اگرچه چانه زنی با کارفرما برای اتحادیه ها عمر گرفته شد که، پیشانی برای یک جنبش بیشتر طولانی ای داشت، اما عضو بودن در اتحادیه های کمیته های شرکت کردند. اما اتحادیه های زمانی که مدیریت دست به اخراج های انتظامی میزد، قادر به دفاع از اعضا خود نبودند.

کابینه جنگی ویتوريو اورلاندو هم همچنین را به وجود آورد و بنابراین اتحادیه یو. اس. آی گریبانگر فعالین کارگری بود، متقاعد کردن کمیسیون های سطح بالا از مدیریت کار مشرک، متولد گردید. تا سال ۱۹۱۴ اعضای این اتحادیه کارگران غیر ملیتانت، یعنی بخش صنعتی کمتری دریافت میگرد و استیوارد های بریتانیایی با آن روپرورد که در یو. اس. آی حق حضویت کمتری دریافت میگرد و استیوارد های بریتانیایی با آن روپرورد که در چی جی ال در این کمیسیونها از جمله برونو بر عکس چی. جی. ال در آن خبری از هیرارشی آن اتحادیه های صنفی بریتانیا بطور معمول خود زمانی که بتوسی رئیس فدراسیون ایتالیایی کارگران ۶۰۰ هزار کارگر کنترل محلهای کار را داشت میگردند. با بدست می گیرند

فلزکارمکانیک(فیوم) در این کمیسیون، برایر بود

در طول ماه سپتامبر ۱۹۲۰ اشغال گسترش با همکاری در نقشه ها و اهداف طبقه سرمایه دل.

کارخانه ها در ایتالیا توسط کارگران آنها صورت این نوع همکاری ها با کابینه جنگی اورلاندو آغاز شد.

گرفت که سرچشم شروع آن در کارخانه جات بی اعتمادی را در بدهه اتحادیه های افزایش داد. حتی

اتومبیل سازی، ذوب آهن، کارخانه های قلعات قبل از جنگ، ریاضت اقتصادی فشارهای زیادی

ماشین در بخش فلزکاری آغاز گردید را بر مردم کارگر وارد آورده بود، شرکت در

کارخانه های فلزکاری نماینده گردید که در شمال ایتالیا جنگ در میان مجتمعهای کارگری در پیشتری گسترش پیدا کرد. از جمله

کارخانه های نخ ریسی، جوراب بافی، معدن زغال طرفدار زیادی نداشت، تفرقه بین کارگران یقه سفید با

سنگ، کارخانه های لاستیک اتومبیل، آبجو سری در شهر صنعتی بزرگ تورینو، مرکز صنایع

و کارخانه های تقطیر الكل و کشتهای بخار و اتومبیل سازی در ایتالیا بدشت جدی بود. در

عکس العمل به ورود ایتالیا به جنگ در سال اخبارهای کالا در بنادر.

اما این یک تحصن اعتراضی نبود، بلکه کارگران ۱۹۱۵ دور روز اعتصاب در روزهای ۱۷ و ۱۸ از طریق سازمانهایی که منجر به درگیریهای طولانی و خونین با

تشکیل داده بودند به تولید ادامه دادند. و کارگران پلیس گردید، صورت گرفت.

راه آهن در یک مقاومت علیه با مدیریت راه آهن زمانی که نماینده گان پارلمانی حزب سوسیالیست

تحت مالکیت دولت، واگنی های برای حامل مواد خام بر علیه بودجه جنگی در سال ۱۹۱۵ رای دادند،

و سوخت را به سوی کارخانه های برای حمایت از عمل آنها احساس عمیق ضد جنگ را در میان رای

تداویم تولید، هدایت میگردند. در اوج این حرکت دهنگان کارگری خود منعکس کرد. اما همکاری

نژدیک به ۶۰۰ هزار کارگر شرکت داشتند. این رهبران کارگری با کابینه جنگی و سازمانهای

جنگ از درون یک مبارزه متعارف اتحادیه ای انتظامی کار در زمان جنگ، باعث ایجاد شک

برای تقاضای دستمزد بالاتر، به بیرون فوران نسبت به این رهبری در تفكیر کارگران گردید.

کرد. اما خواستهای از دیدار ستمزد تنها فرنچی ای از اولین نشانه های تعمیق این شکاف بین

و وجود در تورینو از طریق چاپ گذارشانی در اتحادیه های چی. ال بر پا گردیدند. این سرمان

رسمی برای مبارزه بود، ولی میل و اشتیاق واقعی و رهبری اتحادیه، مخالفت بدن در فدراسیون

ای کارگران را برای دخالت در این مبارزه ای چی جی ال، مخالفت فعالین بدن به قتل

تھیج میگرد به دلایل بسیار عمیقتری مربوط می داد اتحادیه ملی فلزکارمکانیک(فیوم) در مارس

کارگران را فراهم کرد و توسط کارگران در مشخص کار می کردند. معمولاً برای هر ۱۵ تا

سال بود. سریعاً رهبری ای این جنگ مفاهمی این جنگ بر وفق احتیاج و موقعیت و ۲۰ نفر یک نماینده یا (شایهای) بود.

مؤسسات صنعتی نظر مساعده در دادن امتیازاتی شرایط ایتالیا تعیلهایی ایجاد گردید. کمپین بحث میشد. انتخابات این نماینده گان مستقیماً در مطبوعی

به اتحادیه های کارگری جهت جلوگیری از اخلاق پیرامون نوع جدیدی از سازمان نماینده گان کار و در ساعت کاری انجام می شد. از نماینده

در میان اکثریت ساکنین ایتالیا در پایان جنگ کارگران در پرسه سریع انتقال از تولید سلاحهای کارگران از این کارگران، مراکز آموزش کارگری و محلهای کار

مقدمه مترجم: تجربه مبارزات کارگری ایتالیا

در ۱۹۲۰ و تحرکات وسیع طبقه کارگر در

آن دوره و سرانجام عقب رانده شدن طبقه

کارگر در غیاب حزب طبقاتی مدعی قدرت

خود، و بعلوه نقش جنبش اتحادیه ای در به

سازش کشاندن مبارزات طبقه کارگر ایتالیا و

سرانجام قدرت گیری فاشیسم در این کشور،

برای طبقه کارگر ایران، فعالین کمونیست و

رهبران کارگری آموزنده است. تجربه جنبش

کارگری ایتالیا در دهه بیست، نشان میدهد که

چگونه زمانی که گرایشات غیر کمونیستی

سکان دار تحرک اعتراضی هر چند وسیع

طبقه کارگرند چگونه میتوانند پیش ایشان عظیم

این طبقه برای هر داده و نهایتاً در دوره های

انقلابی آن را به قهرنا ببرند و عمل این طبقه

را دوستی تسلیم نیروی ضد انقلاب و

سازمان یافته بورژوازی کنند. فاشیسم آرایش

سیاسی بورژوازی در دوره های اتفاقی بر

برای طبقه کارگر است، تجربه تاکنونی

تاریخی نشان داده است که اگر این طبقه در

دوره های انقلابی صاحب حزب سیاسی خود،

جزئی که "صلح به متد لذین برای کسب

قدرت سیاسی است"، نباشد دوباره و چندین

باره به مسلح فاشیسم برده شده و آنچنان

سرکوب می گردد که تا حداقل نیم قرن دیگر

کمر راست نکند. قدرت گیری جریان اسلامی

در انقلاب ۵۷ ایران و قدرت گیری فاشیسم

هیتلر و موسولینی در آلمان و ایتالیا در این

دوره های بحران سرمایه داری و برای

سرکوب و نهایتاً شکست طبقه کارگر و

کمونیست این طبقه نمونه های گویایی هستند.

ای

۱۹۲۰ء۔ ایتالیا

ایتالیا ۱۹۲۰... میگردد تا اتوریتۀ کارفما را در کارخانه‌ها به طرقی به این مسئله پاسخ دهد. جایگزین کرده و نظمی نوین را در زندگی اتحادیه‌های چی‌جی‌ال به این مشکل خود با تصویب رساند. نشریه یو.اس.آی بزویی با همان رفقای خود، که او را انتخاب کرده بودند را اجتماعی برپا نمایند. پیشنهاد رفرم در کمیسیونهای داخلی برخورد حرارت نشیره سوسیالیستهای تورینو، نشریه نظم منعکس کند و در غیر این صورت متنخبین حق به بی‌اعتمادی وسیع بدنه اتحادیه‌ها به مقامات کردن، اما حق رای فقط محدود میشد به نماینده نوین، تبدیل به طبل کوبنده برای شوراهای نماینده عزل فوری او را داشتند. مجمع عمومی تمامی رسمی این اتحادیه‌ها و احتیاج برای ایجاد و گان کارگری عضو اتحادیه‌های چی‌جی‌ال. گان کف کارخانه گردید. رشد انجاری اتحادیه نماینده گان در کارخانه مورد نظر بعداً کمیسیون توسعه اتحاد بین کارگران غیر عضو اتحادیه‌های پیشنهاد دیگر این بود که برای هر ۳۰۰ تا ۴۰۰ یو.اس.آی در خارج از تورینو، ناتوانی اتحادیه داخلی "آن کارخانه را انتخاب می‌کرد. اما این چی‌جی‌ال، فعلیen مطهای کار در تورینو بر کارگر عضو اتحادیه، یک نماینده انتخاب شود---- چی‌جی‌ال در دربرگرفتن میلیتانسی و شوق و کمیسیون داخلی جدید که به آن شورای کارخانه استقلال شوراهای نماینده گان از اتحادیه‌های این باعث میگردید که هر نماینده کف کارخانه انگیزه برای کنترل کارگری که بطور وسیع و در گفته میشد، اکنون مستقیماً و مدام مسئولیت بدنه چی‌جی‌ال پافشاری کردن. با اینحال آنها اتحادیه نسبت به انتخاب کنندۀ گان خود کمتر جوابگوشد. حال اوج در میان کارگران شمال وجود داشت را نماینده گان کارگران(شایب استیواردها) را به عهده های چی‌جی‌ال را تماماً نفی نکردن. بجای آن، کمیسیونهای جدید داخلی هیچ اتحادی را با منعکس کند.

در ۲۰ اکتبر مجمع عمومی تمامی نماینده گان داشتند. اتحادیه ها در مبارزه با کارفرما ساخته شده کمیسیونها تحت کنترل اتحادیه های چی.جی.ال ۱۹۱۹ به اوج ۸۰۰ هزار عضو در زمان اشغال کارگران نزدیک به ۲۰ کارخانه در بخش و نوعی دستاورد را که در زمینه دستمزد و قرار خواهد گرفت. پیشنهادات برای شورای تحت کارخانه ها در سپتامبر سال ۱۹۲۰ رسید.

خودروسازی و فلزکاری یک "کمیته مطالعاتی ساعات کار در درون سیستم موجود نصیب طبقه سوسیالیست و اتحادیه های چی.جی.ال در خارج از جنبش شورای نماینده گان کف کارخانه (شاپها) برای شوراهای کارخانه" را برای تهیه برنامه ای کارگر گشته نماینده گی میکند. اتحادیه ها اساساً از شهر تورینو پذیرفته گردید و قادر شد که تسلط با این وصف که اتحادیه یو.اس.آی در حوزه سنتی عمل کرده را تضمین کند، تأسیس نمود. جنبش هم که کارگران باید توانایی خود را برای اشتغال از قاطع را در میان اتحادیه های چی.جی.ال در دیگر فعالیت اتحادیه های چی.جی.ال رو به گسترش بود، اکنون در راستای سازماندهی دوباره سازمان طریق آنها به فروش برسانند. بنابراین اتحادیه ها نتیجه این شد که اختلاف و شکاف در بین طبقه اتحادیه نداشتند. آنها شورای نماینده گان کارگری محلي اتحادیه (فیوم) در تورینو حرکت میکرد و باید تازمانی که کارگران در آن موقعیتی

- این شوراها در برگیرنده نوعی از اصالت، سازمان دمکراتیک و مشارکت توده ای بود که آنها به آن معنقد بودند
 - آشکارا رابطه ای دوستانه با جناح لیبرتارین جنبش کارگری داشت و همچنین به توسعه دادن به جبهه ای متحده و دمکراتیک از بدنۀ اعضا و جزء ، با این وصف که فعالین حزب سوسیالیست تسلط کامل داشتند، مگرایش داشت.
 - و اینکه این جنبشی بود که همان اهدافی را دنبال میکرد که آنلار کومنیسیکالیستها بدبnel آن بودند که عبارت بودند از خود مدیریتی صنایع که بخش جدایی نپذیر اقتصاد سوسیالیزه بود

اتحادی را در سر باقه بود که از طریق آن میشد را به قدرت صنعتی عظیم تر کارگری هدایت کرد
بر تفرقه اصلی بین طبقه کارگر ایتالیا، که تفرقه و هر نوع طغیان و سرکشی را جهان شمول کند".
بین حامیان حزب سوسیالیست و کسانی که به آنارشیستها سمپاتی داشتند، فاق شود. برنامه کمیته حزب سوسیالیست، مخالف شوراهای تورینو
نماینده گان کارگران به این انگیزه به شیوه ای با این وجود که شاخه تورینوی حزب سوسیالیست
طبقه کارگر نشدن. در واقع از اعتبار عظیم مثبت عکس العمل نشان داد و به روشنی به نقش اصلی را در جنبش نوین شوراهای نماینده کمونیستهای روسیه برای تقویت و حمایت از اعضای یواس. آی اجازه داد که حق برابر جهت گان در همکاری با آنارکو-سنديکالیستها از جمله بوروکاسی اتحادیه ای در ایتالیا استفاده گردد. با انتخاب شدن مانند نماینده گان کمیته های کارگران گروه لیبارتارین تورینو، بازی میکرد، فعالیت این وجود در روزهای ۱۴-۱۵ دسامبر در میتیگ را در کنار اعضای (فیوم) برای آنها قائل شود. ور هیران عده و اصلی حزب سوسیالیست در اطاق کار تورینو و حومه، شورای رسمی مرکزی بنابراین جنبش تورینو ایده "جبهه متحد" را در خارج از تورینو، به دو دلیل قاطع انه مخالف کارگری قادر شدند که موافقت و تاییدیه شورای اتحاد نیروی کار و متشکل شدن آنها در شوراهای جنبش نوین بودند.
نماینده گان تعییر نمود
اول، اینکه آنها این حنش، تمام حنش، کارگری، در تونینه را
برنامه به ای، تمام حنش، امانند تضعیف کننده و

مجمع عمومی نماینده ۳۱ اکتبر نماینده گان کارگران مصدوم کننده ساختار اتحادیه ای موجود و رهبران طرح بازسازی اتحادیه های محلی را با وجود آن میدیند، که پایه ها و ثروت سیاسی عده و زده شد که حدود صدپنجاه هزار کارگر شهر نماینده کارگری دادند، به وقوع پیوست در جواب اعتراض شدید و غضبناک مقامات رسمی اتحادیه اساسی این حزب تلقی می شدند.

ها، قاطعانه در دستور گذاشت بکنترل سازمان دوم اینکه، مخالف تعیر از قدرت کارگری در تورینو و حومه، در سیستم جدید شورایی به این اعتصاب کارفرماها اقدام به تعطیلی کارخانه ها کردند که ۸۰ هزار کارگر ۱۱ تا شنبه برآمدند.

گان کارگران در صنایع فلز در تورینو که همچنین محل کار، در برابر حکومت مستقیم حزب اتحادیه یو.اس.آی و سازمان شورا حق انتخاب مدیر محلی اتحادیه را در اختیار گرفته سوسیالیست بودند.

برای حزب سوسیالیست در رسیدن به سوسيالیست ترین مباحث این کنگره بود. انجاماتان سوسيالیست فعال در "کمیته مطالعه برای شورای کارخانه" که قائل بودند، آنها معتقد نبودند که حزب سوسیالیست پیشونیس برنامه شورای نماینده گان کارخانه را جنبش جدید در تورینو به شورای نماینده گان میتواند تجسم فرط طبقه کارگر باشد زیرا مانند شورا، مانند ارگان کنترل کارگری اعدام می شد. اغلب اهل آنها نفس تعیین کننده برمراز سود و برآمد سوزای سورای نماینده ای بودند و برآمد سوزای سورای نماینده ای اصلی بودند.

گذارد." پاسخ چی.جی.ال: شوراهای کنترل شده توسط توان تبدیل شدن به سلولهای اتحادیه های صنعتی انتقام‌گیرانی اجتماعی و دیگر عروج جنبش شوراهای نماینده‌گان کف کارخانه‌ای، کارگری "را نماینگی میکردن، ترغیب نمود. یکی چرخهای نگرگونی اجتماعی و مبالغه نیزی کار خود به مبارزه پیوسته بودند و جنبش شورایی تورینو برای تعیین جنبش اعتضاب واحدهای بنیادی کنترل توسط مردم (شایهای) بی اعتمادی اعضای بدنۀ اتحادیه های فعال قدری اثارة شیست، اریکو ملاتستا، علاوه بر کارگر در اقتصاد آینده سوسيالیستی، بودند. یونله موجود را منعکس میکرد، و بر این منوال بیان قید و شرطهای خود، اما شورا را مانند ارگان شورای نماینده گان، شوراهای دارای پتانسیل چی.جی.ال، مخصوصاً با خطر طبیعت داوطلبانه عمل مستقیم کارگری که روح مبارزه را در میان عینی ای دید که قادر بودند، مردم و سازمانها و بودن عضویت در اتحادیه و رقابت از طرف کارگران تعیین می‌داد، حمایت نمود. اتحادیه ایده ها را برای عملیات‌های پیشانقلابی کنترل اتحادیه رقیب سریعاً در حال رشد که در یواس.ای، شورای نماینده گان کف کارخانه ای کارگری آماده کنند، آنها آمده بود ای متتشکل بود، تحت فشار قرار داشت تا خود را همراه با روز نامه او مانیتا نووا (انسان ←

ایتالیا ۱۹۲۰...

بی تأثیر است، موافقت ننمود. در عوض به هر دو اتحادیه فراخوان اشغال کارخانه ها را دادند: "لیگوریا و همراه با آن با اشغال عمومی تمامی میکردند که میتواند جایگزین اتوریته بزرگترین بندر ایتالیا و همراه با آن با اشغال عمومی تمامی میکردند.

اما حزب سوسیالیست و رهبران اتحادیه مصادره کارخانه ها توسط کارگران در عمل، به هر تقدیر هماهنگی اشغال کارخانه ها مراکز تولید "موافقت ننمود.

چی.ال مخصوصاً به جنش شوراهای تورینو فلزکار مکانیک باید همزمان و سریع باشد و باید باعلاقه ای نداشتند و از قول هر گونه حمایتی سر تمام توانایی لازم از آن دفاع گردد. علاوه بر این کار (شورای شهری مرکزی کار) انجام میگرفت. ممکن است به دیگر مناطق سرایت کند و سمت و باز زندن. موضوع اصلی در دستور جلسه این ما مصمم هستیم که کارگران دیگر صنایع را به فروش محصولات برای کارخانه های منفرد به این سوی مبارزه را که در بین یک دست، جناح میتینگ، تلاش حزب سوسیالیست بود "به نفع تعاوینی" صورت طرفدار سازمان دادن نوین انقلابی اقتصاد، که از معنی ای برای مفهوم "شوراهای کارگری" جهت ناگفته نماند که اتحادیه بوساس.ای پاسخ گویی به مقبولیت عمومی این ایده ها از تفرقه در درون طبقه کارگر بطور موقت با مخصوصاً بعد از پس آیند انقلاب اکتبر. طرحی و تاکتیک "کارگران آهسته" مدارا نمود.

یا آن مفهوم شورایی که به بحث گذاشته شد، بهینه نماند نوعی امتیاز به نظرات میلیانت، اتحادیه فلز در اطراف جنووا، کارخانه ها هم توسط شورای کارفرمایان که موضع رهبری چی.ال بود، های حاکمیت محلی انقلابی معنی و تجسم گردید، فلزکار مکانیک چی.ال (فیوم) در صورت این طرح بر اساس گروه های صنعتی و یا مراکز پاسخ کارفرمایان به تاکتیک کار آهسته با بستن و کار قرار نگرفت بلکه بر اساس محلات و مناطق تعطیلی کارخانه ها، کارگران باید کارخانه هارابر چی.ال نفوذ مسلط را داشت، شوراهای رئیس آثارکو سندیکالیست بخش تورینوی (فیوم)، چغافلایی استوار گردید. تمام پروژه قرار شد صورت لزوم با شکستن دروازه های آنها اشغال توسط کمیته های حزب سوسیالیست که قرار بود کنند. این ایده این شوراهارا درست کنند، هدایت گردند. این ایده

ها تمامآ آکادمیک باقی نماند و به هر به سوی اشغال کارخانه ها

تقدیر هیچگونه تلاشی از طرف حزب سوسیالیست تاکتیک کار آهسته و سیعرا رعایت میکردید و مؤثر ایتالیا برای عملی کردن این پروژه صورت بودن آن را باید با مشاهده سطح تولید قضایت فلز جایی که سرچشم این جنبش بود، گسترش تولید رای خواهد داد و این مانع اقدام در ارزوای نگرفت. به عنوان مثال در تورینو، کارخانه میلان و اتحادیه گرایان جنوا میشود. استیه مکبرانه جارینو آنتونیو گرامشی به تلخی در باره این عملکرد روزانه ۲۷ دستگاه اتومبیل در مقایسه با روزهای رهبران حزب میگوید: به حرافی های طولانی در عادی که ۶۷ دستگاه اتومبیل تولید می گردید.

بله شورا و سویت ادامه دادند، زمانی که در به هر صورت، در اوآخر آگوست تاکتیک کار پیامونته و تورینو نیم میلیون کارگر برای این نگه داشتن تا اداره تحت کنترل اتحادیه چی.ال

های اتحادیه اداره میگردید. در خارج تورینو و مناطق نوسان میکند، تعیین نماید. این ایده

که برای دهم سپتمبر برنامه ریزی شده بود، قانع

نمود. او استدلال کرد که، شورای چی.ال به

جنیش اشغال گرایش داشت که به فراتر از صنایع گسترش مبارزه تا سوسیالیزه کردن کامل و سائل ایتالیا برای

فلز جایی که سرچشم این جنبش بود، گسترش تولید رای خواهد داد و این مانع اقدام در ارزوای نگرفت.

یا بدیگر شرکتها تولید لاستیک و دیگر کارخانه ها، این بود که فکر میکرد عزم انقلابی و نیروی اشغال گردیدند. از جمله کارخانه های تولید کفش، جنبش بدنه تشکلات چی.ال باعث میشود که

دباغی ها، کارخانجات نساجی، چهار کارخانه پشم، این اتحادیه بروکرات را به ارگان انقلاب تبدیل چهار کارخانه جوراب باقی، کارخانه ابریشم کرد.

مصنوعی در میلان کارخانه لاستیک پیرلی اشغال گردید و همچنین کارخانه تقاضه مژوبات الکلی رهبران چی.ال خاتمه انقلاب را اعلام می کند

با در اپوزیون قرار گرفتن حزب سوسیالیست و امپراطوری آنسالدو بود که سرخستانه ترین موضع اتحادیه های چی.ال، تنها نیروهایی که از را در برایر اتحادیه ہا گرفت. این کمپانی توسعه اعتصاب عمومی تورینو حمایت کردن، اتحادیه بارونهای لاستیک برادران اولترا ناسیونالیست

هایی بودند که اصولاً تحت نفوذ پرونے اداره میشند، اینها امپراتوری خود از طريق آنارکو سندیکالیستها بودند، از جمله اتحادیه های سوداواری های کلان در زمان جنگ ساخته بودند، خود اداره می کردند.

تمام منطقه جنوا در میان کارگران بارانداز و زمانی که مدیریت کارخانه رومئو در ۳۰ آگوست مراکز کاری ای که اتحادیه بوساس.ای نفوذ اصلی درهای کارخانه ها را بروی ۲ هزار کارگر را داشت اعتصاب در جریان بود.

خود بست، قسمت میلان اتحادیه فیوم با اشغال سرانجام رهبری چی.ال اعتصاب را بر ۳۰۰ کارخانه در میلان و حومه به این عمل یا سرانجام شرایطی که در خواست اصلی کار فرما: کارفرما پاسخ داد. رهبری فیوم از کارگران میلان محدود کردن فعالیت شورای نماینده گان به ساعت تقدیر کرد اما از کارگران شهرهای دیگر خواست غیر کاری، را تأمین مینمود، هم اوردن. با این که به تاکتیک کار آهسته ادامه دهن. در هر وصف که از دامنه فعلیت شوراهای و حضور آنها در ۳۱ آگوست فدراسیون کارگران در رکف کارخانه کاسته شده بود، اما هنوز تجدید بخش صنایع فلز دستور تعطیلی کارخانه هارا در حیات و عروج خود را در موقعيت قبلی در زمان سرتاسر ایتالیا اعلام کردند.

لین ویلیامز (از رهبران کارگری کانادا-م) این متحمل شد، جنبش برای کنترل کارگری و اول تا چهارم سپتمبر کارگران در اوردن. سازمانهای جدید ریشه دار و اصلی کارگری در ایتالیا کارخانه ها را به این عمل یا سازمانهای جدید ریشه دار و اصلی کارگری در ایتالیا اعلام کردند.

علاءه بر عقب گردی که جنبش شوراهای تورینو واقعه را به شرح زیر توصیف می کند: "در بین متحمل شد، جنبش برای کنترل کارگری و اول تا چهارم سپتمبر کارگران در اوردن. سازمانهای جدید ریشه دار و اصلی کارگری در ایتالیا کارخانه ها را به این عمل یا سازمانهای جدید ریشه دار و اصلی کارگری در ایتالیا اعلام کردند.

سال ۱۹۲۰ سیر رو به رشد خود را به عنوان جنبش اشغال نه تنها در مراکز اصلی صنعتی در مثال در رشد سریع اتحادیه بوساس.ای نشان میدهد. اطراف میلان و تورینو و جنوا پیش رفت بلکه به

در این دوره در میلان بزرگترین شهر و مرکز روم و فلورانس و ناپل و پالرمو هم سرایت کرد، اصلی تجاری ایتالیا، عمدتاً با تلاش بوساس.ای در هلهای ای از پرچمها سرخ و سیاه و نمایش و

شوراهای مستقل جدید نماینده گان کارگری ظاهر هیاهوی دسته های موزیک کارگران در طول ۳ روز ۴۰۰ هزار کارگر در اشغال کارخانه ها را به این عمل یا سازمانهای جدید ریشه دار و اصلی کارگری در ایتالیا اعلام کردند.

مبارزه اتحادیه فلزکار مکانیک (فیوم) برای بخش های دیگر صنعت تعداد کارگران در اشغال کارخانه ها به نیم میلیون نفر رسید. همگی مبهوت دستمزد

رقبات در حال اوج بوساس.ای، رهبران این پاسخ گردیده بودند".

چی.ال را در زیر فشار قابل ملاحظه ای برای در تورینو شوراهای نماینده گان برای هدایت تصویب متد و تاکتیکهایی گذاشت که قادر باشد جنبش اشغال دوباره در جلو صحنه ظاهر گردیدند.

برایهای میلیتاریزه کردند، درین کارخانه های کارگران صنعتی در شهر توسعه میلیتانت رو به رشد را منعکس کند. در این دوره مجتمع عمومی توده ای برای رسیدگی به کارها و

اعضای فیوم به ۱۶۰ هزار نفر رسید، اما اتحادیه اتخاذ تصمیمات برگزار می شدند. تولید ادامه مثال یوساس.ای هم همچنین تعداد ۳۰ هزار عضو داشت، اما نه تحت مسئولیت شورای نماینده گان، نکردن دولت در کنار حمایت از موضع رهبران الملي کار که از موضع رهبری چی.ال

را نماینگی می کرد. از ژانویه تا سپتمبر ۱۹۲۰ بلکه کمته هایی برای اداره حمل و نقل، مواد اولیه مخراج زندگی تا سطح یک سوم افزایش یافته بود. و دفاع انتخاب گردیدند. گارد نگهبانی تشکیل شده در این موقعيت تورمی بود که فیوم در کنگره خود و مسلح گردید. آنتونیو گرامشی شادمانی خود را در

در ماه مه ۱۹۲۰ تصمیم درخواست ۴۰ درصد یک سخنرانی در این دست چون بر اساس آمار عضویت سال اضافه دستمزد اتخاذ کرد. همزمان در اوریل اینگونه ابراز می کند: "سلسله مراتب اجتماعی در میلان میکند که از پیروزی میکند که از این سلسله مراتب اجتماعی در صنایع تقویم کرد که هیچ حکومتی در ایتالیا به عضویت فدراسیون روسنگون زور پنهان نبرده و به این سادگی محرك یک انقلاب ۱۹۱۹ رشدی فارج گونه کرد و در ماه سپتمبر اعمال سختگیرانه ای را به کرسی بشانند، و نداد دیگرگران بوده اند، اکنون به طبقات اداره کننده تبیل زیاده از فعالین را از کار اخراج می کنند.

کشته اند" ... امروز... امروز کارگران خود باید کارفرماها رکود اقتصادی را پیشینی میکردند و به اولین سلول تاریخی انقلاب پرولتاری را بسازند و

این دلیل ساختنانه با بالا بردن دستمزد ها مخالفت با اعتماد و قدرتی که یارای مقاومت در برایر آن میکرند. فیوم تصمیم گرفت برای تغییر لحن نباشد از بحران عمومی عبور کنند.

کارفرماها تاکتیک "آهسته کار کردن" را اتخاذ گرامش در ساختنانه اش در میانگی کارخانه ای مرکزیت جنوا به وقوع پیوست. اثارکو اتحادیه های مستقل از داشتن هر گونه رأی محروم

کند. اتحادیه فلز کار مکانیک بوساس.ای در میانگی دیگر اعلام میکند که مشکلات محسوس و عینی سندیکالیستها مخصوصاً در این منطقه نفوذ با گشته بودند، را نادیده می گیرد. علاوه بر این

خود در تاریخ ۱۷ آگوست در لاسپیزا با تاکتیک اداره کارخانه ها در انزوا منجر به تشکیل فرقه ای داشتند. کوناسیون چهت به "سرانجام اتحادیه بوساس.ای که در این دوره زمانی

ایتالیا ۱۹۲۰...

محض ورود کمکهای مالی به خزانه موسولینی، او قادر گردید که دسته های هزار عضو داشت و یا چهار/ دهم کل اندازه فاشیستی خود را به خودرو و دیگر تجهیزات چ.ال ابعادش بود و مصراوه هم فراخوان مجهز کند، که این تجهیزات ایجاد حملات گسترش جنبش اشغال و سلب دائمی مالکیت را سریع را به جنبش کارگری تسهیل نمود، این میداد، حتی به این میتینگ شورا هم دعوت حملات به "اردکشی های تنبیه" معروف نگردیده بود. مرک مستند ثابت میکند که شدند که تمامی جامعه را مرعوب کرده بود.

اسلام و اسلام زدایی...
خودشان رهایشان کرد. اما اگر معلوم شود که این انسانها چون دیگران در جامعه ای سرمایه داری و در یک بازار جهانی، تولید و زیست میکنند، اگر معلوم شود که این راه و رسمها و قوانین اسلامی به زور زندان و شکنجه گاه و اعدام و گشت خیابانی و دشنه و اسید و سنگسار به اینها تمیل شده است، اگر معلوم شود که این مردم نظری همه جای دیگر تشنه آزادی و برایری و رفع تعیض اند، اگر معلوم شود که قوی ترین خصیصه این مردم، علیرغم همه این فشارها، عطشان برای فرهنگ و زیست نوع غربی است، آنوقت تمام این عمارت ایدئولوژیکی عوام‌بیانه فرمبریزد و خسارات غیرقابل توصیفی به بار میاورد.

جامعه ایران، جامعه ای اسلامی نیست. رژیم استبدادی حاکم بر ایران یک رژیم اسلامی است، که علیرغم همه این فشارها، هنوز نتوانسته است مردم را مجبور ناگیر کند تا این هویت اسلامی را بر خود بپذیرند. معامله بین رهبران چ.ال و فدراسیون مدیریت و کارگری که از طرف جلیتی برای صاحبان صنایع دست به کار شد. جلیتی به تعیین مفاد کنترل کارگری انتساب شده بود، در کارفرمایان گفت که او از موضع رهبری یک عدم موافقت نایید شکست خورد. سپس چ.ال حمایت نموده است و آمده است که جلیتی لایحه ای را تصویب نمود که ورژن خود

نگاه: نظرتان در مورد "مذهب متوفی" و "پروتستانیسم اسلامی" چیست؟ خیلی ها، از شخصیت های فرهنگی گرفته تا سازمانهای سیاسی، میگویند باید از شریعتی و سروش و سایر نگراندیشان اسلامی در مقابل "سنت گرایان" دفاع کرد. میگویند با میدان دادن و حمایت از اینان، اوضاع جامعه و زنگی مردم درست میشود. نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: پروتستانیسم اسلامی اگر بناست پروتستانیسم باشد، باید انشعابی دینی ایجاد کند و قله و هیرارشی [hierarchy] مذهبی جدیدی ایجاد کند و توده مردم را به این اسلام نوع دیگر فرآوراند. کلی که شاید بهائیت قرار بگیرد. شکوه های یک استاد دانشگاه مذهبی از حکومتی که نگاه به او جفا کرده است را نمیتوان با این تحولات و چرخشهای بزرگ تاریخی در غرب قیاس کرد. اسلام در رونای خاورمیانه و ایران امروز و در رابطه با اقتصاد سیاسی جامعه کنونی، آن نقشی را ندارد که مساحت در دوران عروج سرمایه داری در غرب داشت. تطبیق یافتن اسلام با سیر تکوین اقتصادی این جامع، مقوله ای فرعی است. این سیر اقتصادی، مستقل از حال و هوای اسلام و چند و چون قدرت تطبیقش با جامعه مدن به هر حال طی میشود. جامعه ایران احتیاجی به لوتن [Martin Luther] و کالون [John Calvin] ندارد، چون حاکمیت اسلام بر آن نه یک هژمونی عقیدتی، روانشناسانه و ساختنی، بلکه یک سلطه سیاسی و پلیسی است که به طرق سیاسی برانداخته خواهد شد.

نگاه: مطبوعات ایران را که ورق میزنید، به بحث های فراوان و کثافی درباره رابطه حکومت دینی و مردم، دین و آزادی، دین و تعقل، دین و جامعه مدنی و... بر میخورد. در مورد اینها چه فکر میکنید؟ رابطه مذهب و در اینجا اسلام، با حاکمیت مردم و جامعه مدنی و آزادی و تعقل و... را چگونه میبینید؟ **منصور حکمت:** مذهب، ایدئولوژی رسمی یک دولت فوق العاده خشن در ایران است. در نتیجه برای قشر روش فکری که در ایران زیست میکند، هر موضوعی باید در متن اسلام و به عنوان گوشاهی از جهانی اسلامی بررسی بشود و یا لااقل تنشیهای هر نظری با اسلام حاکم مورد اشاره قرار بگیرد. مباحثی نظری حقوق بشر، از ادیهای مدنی، نظام سیاسی، سیاست اقتصادی، علم، فرهنگ و هنر و غیره همه مباحث هم و میرمی هستند که ایت فکری جامعه در همه جا دانما به آن مبپردازد. در ایران به همه اینها باید عبارت "اسلام" اضافه شود. این به این معنی نیست که اسلام در خود پرولتاریک مورد بحث جای علمی مشروعی دارد. این یک اجرای سیاسی است و نه شناختن اسلامی یا حتی تاریخی. این دوره بزوی میگردد و مجلات ایران به این مفاهیم در یک قالب جدی تر، بدون الزام تطبیق چیزی با اسلام و یا انسان دادن و تناقض چیزی با اسلام، خواهد پرداخت. به نظر من مباحث ایزیوسیون مجاز و منتقدین قانونی در یک مطمئناً یکی از بارزترین نتایج اشغال کارخانه را شکست دهد، اما این تنها یک نمونه در برلو

پارما صورت گرفت توانتست بورش فاشیستها با وجود مخالفت مصراوه یو.اس.ای و جنبش دوباره نیروهای نظامی به کارخانه ها سرژیو شورای نماینده گان کارگران تورینو، گشته و اجازه ورود کارگران به کارخانه ها داده چ.جي.ال در جلب موافقت اکثریت کارگران نشد، اما این بار حمله تعطیل کردن کارخانه ها بدنی برای قبول معلمه موفق گردید. بیشتر از در بدترین شرایط بیکاریهای سریار بالا و

آنها با این توافق رفتند، چون حداقل احساسی از سرخورنگی وسیع همراه با تخریب و سوزاندن پیروزی و این احساس که دری را به روی ساختمان های اتحادیه ها و روزنامه های چ.پ شنیدن صدای در حال فزون در صنایع گشوده در شمال ایتالیا توسط فاشیستها، اتفاق افتاد. در

آن، را به آنها میداد. این توافق همچنین شامل ماه م نماینده های کارگری سرخیم تسلیم گشته از دیدار دستمزدها میشد و بونهای مخارج زنگی و نیروی کار به کارخانه ها باز گشت.

گردد. این شوراها از کف کارخانه های سازمانهای چپ، اجرای نیمه - زیرزمینی شد. حکومتها مطبی طور روتین جواز های حمل سلاح را برای فاشیستها

برادران پرورنده اولین تجار بزرگی سوسیالیستها را برای جواز حمل سلاح رد

بودند که کمکهای مالی خود را به دخل گروه میگردند. رهبری حزب سوسیالیست هنوز

فاشیستی موسولینی ریختند، که در این زمان اصرار بر طی نمودن مشی قانونی در برادران

رشدی فارج گونه به طرف توده ای شدن گردد و ضعیت را داشت." به پلیس اطلاع بدھید!

بود و در طول شش ماه اول سال ۱۹۲۱ تزییک جواب آنها به حمله فاشیستها در تمام سال بود.

کارخانه بود. شکست این جنبش در آوریل در زمانی که ارتش و پلیس محلی بیشتر و

تورینو، زمانی که این شوراها از کف کارخانه های فاشیستها همکاری میکردند.

حرروم گردیده بودند، حداقل برای مدتی تلافی موجودیت اتحادیه ها و سازمانهای چپ، اجرای

گردیده بود.

پیش از روتین متشکل از راه، طول چندانی نکشید. در صادر مینمودند و بطور روتین در خواستهای

ماه نوامبر برادران پرورنده اولین تجار بزرگی سوسیالیستها را برای جواز حمل سلاح رد

بودند که کمکهای مالی خود را به دخل گروه میگردند. رهبری حزب سوسیالیست هنوز

فashیستی موسولینی ریختند، که در این زمان اصرار بر طی نمودن مشی قانونی در برادران

رشدی فارج گونه به طرف توده ای شدن گردد و ضعیت را داشت." به پلیس اطلاع بدھید!

بود و در طول شش ماه اول سال ۱۹۲۱ تزییک جواب آنها به حمله فاشیستها در تمام سال بود.

کارخانه بود. شکست این جنبش در آوریل در زمانی که ارتش و پلیس محلی بیشتر و

تورینو، زمانی که این شوراها از کف کارخانه های فاشیستها همکاری میکردند.

حرروم گردیده بودند، حداقل برای مدتی تلافی موجودیت اتحادیه ها و سازمانهای چپ، اجرای

گردیده بود.

در حکومت و صنایع (خورده بورژوازی با به ۱۵ ژانویه ۲۰۱۵)

اصطلاح ادبیات رایج امروز، طبقه متوسط-م

گشته بود. عدتاً در بین این قشر از جامعه بود

که فاشیسم موسولینی سربازگیری می کرد. به

پیشوند،

pishvand.com

کونٹ

**نشریه ماهانه کمونیست
نشریه ای از حزب کمونیست کارگری
- حکمتیست (خط رسمی) است.**

سردیر: خالد حاج محمدی
khaled.haji@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست

دیرخانه حزب، شیوا امید
hekmatistparty@gmail.com

دیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
shahabi.soraya@gmail.com

دیر کمیته تبلیغات: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد فتاحی
m.fatahi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور: خالد حاج محمدی
khaled.hajim@gmail.com

تماس با واحدهای تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

نگلستان: بختیار پیرخضیری: تلفن ۰۰۴۶۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳
nmehmari@gmail.com

استکلام: رعنا کریم زاده: تلفن ۰۰۴۶۷۳۹۲۸۶۸۴۲
rana.karimzadeh@ymail.com

یوتیوری: وریا نقشبندی: تلفن ۰۰۴۶۷۳۹۳۳۵۰۴۴
verya.1360@gmail.com

المان: لادن داور: تلفن ۰۰۴۹۱۷۷۴۰۱۲۶۸۲
ladann@netcologne.de

دانمارک: ابراهیم هوشنگی
ebi_hoshangi@hotmail.com

نروژ: آزاد کریمی: ۰۰۴۷۴۰۱۶۱۰۴۲
azadkarimi@yahoo.com

بلژیک: کیوان آذری
keyvan_1966@yahoo.com

سوئیس: پرشنگ کنعانیان: ۰۰۴۱۷۹۲۰۷۷۸۹۵
sunshayn2@gmail.com

تورنتو: سهند حسین زاده
sahand.hosseinzadeh@gmail.com

وانکوور: دلشاد امین: ۰۰۱۶۰۴۷۰۰۸۵۲۲
shashasur1917@gmail.com

آمریکا: اسد کوشان
akosha2000@gmail.com

حکمتیست هفتگی نشریه رسمی حزب

حکمتیست دوشنیه ها منتشر می شود

حکمتیست را بخوانید

www.hekmatist.com



اسلام و اسلام زدایی

صحابه با "نگاه" نشریه کانون پژوهشی نگاه، دفتر اول، ژانویه ۱۹۹۹ منصور حکمت

مقمه کوئیست: امروز بار دیگر و پنیوال جنایات وسیع و توحش افسار گشیخته جریانات اسلامی از عراق و سوریه تا نیجریه، پاکستان، فرانسه و...، و نفرت و انزعاج عمومی از این جنایات و بانیان آن، تلاشی نسبتاً وسیع برای نجات دین و مذهب و خدا و خصوصاً اسلام را تقدیم و اعتراض قربانیان آن راه افتد است. در راس این تلاش انواع دولتها مرتعج در خاورمیانه و موجی از روشنفکران ملی اسلامی همراه دولتها غربی و نمایندگان مختلف آنها قرار دارد.

در این صفت از اوباما تا نتانیahu، از مرکل و سارکوزی تا کامرون و از دولت عربستان و ترکیه و قطر تا جمهوری اسلامی قرار گرفت. در نیای واقعی مهندسین یک ماشین جنایات علیه بشیریت که انواع داروسته های آدم کش، انتحاری و جنایتکار را زیر نام داشت، بیکوهرم، القاعد، النصر و... بیرون داده است و به عنوان ایزار پیشیرد سیاستهای خود از آنها استفاده کرده اند، امروز نگران خشش دار شدن اتفاق و اعتماد به روح هیولای مذهب در میان قربانیان آنند. هنوز هم هزینه مولدهای این ماشین جنایت توسط همین دولتها و متعدد آنها تامین میشود. در این میان بار دیگر بحث عقب احترام به اعتقدات تووده ها سپر دفاعی در مقابل تقد مذهب و خصوصاً اسلام توسط روشنفکران شرقی شده است. مصاحب منصور حکمت در مورد اسلام و اسلام زدایی که در سال ۱۹۹۹ انجام گرفته است علی رغم گذشت ۱۵ سال از آن هنوز هم بحثی معتبر و خواندنی در این زمینه است و به همین دلیل آنرا در این شماره کمونیست آورده ایم و توجه خوشنگ نشیره را به آن جلب میکنیم.

نگاه: وجود و عملکرد جریانات و دولتها اسلامی در سالهای اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، در عین حال سبب اختلافاتی در بیرون ده مذهب و جریانات و دولتها مذهبی شده است. هستند کسانی که میگویند "دولتها و جریانات اسلامی و مذهب اسلام را باید از هم جدا کرد. آنچه که در این کشورها میگذرد، ربطی به اسلام ندارد و ناشی از درک و استنتاج غلط این جریانات و دولتها از اسلام است". به علاوه میگویند "نباید علیه مذهب موضع گرفت و حرفی زد، چون این توھین به عقیده مردم است و باعث تفرقه بین آنها میشود... نظر شما در این مورد چیست؟

منصور حکمت: من این را درک میکنم که منافع عدهای چنین اقتضا میکند که تا حد امکان اسلام را از زیر تیغ خشم مردمی که قربانی یا شاهد جنایات غیر قابل توصیف اسلامیون اند، بدر ببرند. من این را درک میکنم که ابعاد این جنایات و این هالاکاست [halocaust] است که حتی در میان صفات اسلامیون هم کسانی پیدا میشوند که نیخواهند مستویت این همه پلیدی و زشتی را بر عهده بگیرند و لاجرم به نظر من طبیعی است که در چنین اوضاعی بحث "اسلام راستین" و رایطه آن با "اسلام پراتیک" یک بار دیگر بالا بگیرد. اما از نظر من کمونیست، من آنیست، از نظر ما شاهدان و قربانیان جنایات این اسلام، از نظر من و امثال من که در یک جدال سهمگین اجتماعی و سیاسی و فکری با این هیولا بسی میریم، این اظهارات و توجيهات از فطر رندی، احمقانه جلوه میکند. مبانی قرآنی اسلام، انکشاف تاریخ اسلام، هویت و تعلق سیاسی اسلام و اسلامیون در جدال آزادی و ارتجاج در عصر ما عیان تر و غیر قابل پوشاندن تو از آن است که اجازه بدده بحث روایات مختلف اسلام و وجود و احتمال وجود روایت دیگری از اسلام، ولو در آینده و در گرات دیگر، که در آن ابتدای ترین حقوق و عواطف بشری لعن و لگدمال نشده باشد، جدی گرفته بشود. به نظر من، این نهایت بی حرمتی به علم و به شعر اجتماعی انسان زمان ماست، اگر هر توجیه و هر مهملی که اسلامیون در حال هزیمت به روی جامعه پرست میکنند را به عنوان مبحثی برای تجزیه و تحلیل و موشکافی علمی بیندیریم... فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام بُرده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر گل مرتکبیش، گناه کبیر است. این دین مرگ و خون و عبودیت است. راستش همه ادیان همین اند، اما یشتر ادیان را بشیریت از اداندیش و از ادیخواه در طول صدها سال در قفس کرده است. این یکی را هرگز نگرفتند و مهار نکردند. چرخ میزند و نکبت میآورد.

دفاع از موجودیت اسلام تحت لوای بحث احترام به باورهای مردم، به نظر من بیاعتبار و ریاکارانه است. در میان مردم، باورهای مختلف هست. بنابراین بحث نه بر سر احترام به باورهای مردم، بلکه بر سر انتخاب باورهای قابل احترام مردم است. هر کس هر چه بگوید، به هر حال همه دارند باورهای بابل خودشان را انتخاب میکنند. و لاجرم آنها که تحت لوای حرمت باورهای مردم، نقد به اسلام را پس میزنند، دارند فقط انتخاب معنوی و سیاسی خود را بیان میکنند و بس. اسلام را به عنوان یک عقیده قابل احترام بر میگویند و فقط برای مشروعیت "خلفی" دادن به انتخابشان، عقاید خود را در پستهندی "اعتقادات مردم" عرضه میکنند. من به هیچ تاخته ای، هیچ نکره میکنم که مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان ننشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشاهی از این جدال تاریخی-جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در چنگ آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم. در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگ و زجر انسانها را در چنگ آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم.

نگاه: یک مسالمه دیگر در این مورد که نه فقط توسط برخی از جریانات سیاسی و مستشرقین و رسانه‌های گروهی غرب گفته میشود، بلکه در بین بعضی از مقنقرین و روشنفکران این کشورها هم طرفدار دارد، این است که مردم این کشورها مسلمانند و آنچه که در آنها جریان دارد، برای مثال موقعیت زنان و حجاب اجباری، جزو فرنگ و هویت‌شان است. آیا به نظر شما، مردم ایران مسلمانند؟ ایران کشوری اسلامی است؟ و آیا ملاحظات فوق صحیح هستند و باید آنها را رعایت کرد؟

منصور حکمت: نفس دسته‌بندی کردن و بسته‌بندی کردن واقعیت مركبی نظیر یک جامعه، زیر یک برجست تقلیل‌گرایانه مذهبی یا قومی و ملی، بخودی خود گواه این است که ما با یک تبیین علمی یا حقیقت‌جویانه روی و روی میگردیم. کسی که جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی نام میگذارد، درست نظری کسی که آن را آرایی، شاه پرست، ایرانی، شیعی و ایرانی، شیعی و غیره توصیف میکند، دارد در فلمرو پروپاگاند حرکت میکند. سوال این است که چه کسانی و در چه چهارچوب سیاسی و تاریخی ای دارد ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف میکنند و چه نتایجی میخواهند از این توصیف بگیرند. برای مثال معلوم است که رژیم اسلامی باید جامعه ایران را جامعه‌ای اسلامی توصیف کند، تا به وجود یک حکومت اسلامی در جامعه رنگ مشروعیت بزند. واضح است که یک راسیست و مهاجرستیز غربی باید ایران را جامعه‌ای اسلامی بخواند تا شکاف میان آنی که از ایران آمده است را با مردم محل باز و پرشنشی نگاه دارد. واضح است که یک ژورنالیست نان به نزد این است. به همین ترتیب مخالف دانشگاهی از این الگو تبعیت میکنند، افکار عمومی در این جهت سوق داده میشود و غیره.

واقعیت این است که این اسمگذاری و دسته‌بندی کاذب است. هدف این اسمگذاری، از هر سو که باشد، این است که کارکتر اسلامی قوانین و مناسبات حاکم بر جامعه ایران، نه محصول یک تحییل و فشار سیاسی، بلکه ناشی از نگرش و بارورهای خود مردم قلداد شود. اگر واقعاً حجایی بر سر زنان ایران است، انتخاب خودشان باشد و از نگاه اسلامی‌شان به جهان مایه بگیرد، چقدر و جانها در غرب آسوده میشود، میشود. چقدر معاملات و بند و بسته‌های رزیمهای دمکرات و لاس زدن روشنفکران و زورنالیستهای یا پی [yuppie] غربی با دولت ایران موجه است. اگر نسل‌گشایی در رواندا [Rwanda] ادامه یک سنت آفریقایی است، اگر سنگسار یک رسم اسلامی مردم ایران است، اگر حجاب بخشی از فرهنگ زن در "جامعه اسلامی" است، اگر شوهر دادن دختر ئه ساله رسم و رسوم خود مردم آن مملک است، آنوقت واقعاً میشود فراموشان کرد، میشود تحریرشان کرد، میشود بمار انسانشان کرد و در پشت دیوار بلند مدینت و دمکراسی غربی زیر زیر دست حکام

زنده باد سوسیالیسم